اُمت

وکذلک جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس ویکون الرسول علیکم شهیدا

چهارشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۹ — سال دوم شماره ۵۹ — بها ۲۰ ریال

در این شماره:
سنتها در تاریخ
مصاحبه با نمایندگان مجلس ...
با یاد شهیدان خرداد
وظایف اساسی دانش آموزان ...
سخنرانی برادر پیمان در کارخانه ...

ادعای رادیو، تلویزیون تا چه حد حقیقت دارد؟

در چند روز گذشته رادیوبی از بخش یک سلسله گفتار تحریک آمیز ونفاق افکنانه و توام با ناسزا علیه امت و جنبش مسلمانان مبارز و ستمدیده قرار دادن گفتاری که در امت درباره ابعاد شخصیت مرحوم استاد مطهری آمده بود، بعنوان وسیله‌ای جهت حمله به مواضع سیاسی و مکتبی جنبش، با انتشار اطلاعیه‌ای که بدنبال

بقیه در صفحه۳

مسائل حیاتی انقلاب و نقش مجلس

● مجلس باید روشن کند که چگونه می‌خواهد ریشه نفوذ استعمار را قطع کند و به‌هدف استقلال دست یابد، به‌اعتقاد ما جنگ در کلیه این جبهه‌ها چنانکه بارها تأکید کرده‌ایم جز با بسیج توده‌ها و دادن کار و مسئولیت به‌آنها به‌نتیجه نمی‌رسد.

بخوبی پیداست که مجلس محور اصلی تصمیم‌گیریها برای آینده کشور خواهد بود. غالب نمایندگان مایلند قدرت و نقشی را که قانون اساسی به مجلس داده است کاملا" احراز کرده، بکار برند. تمایل عمومی نمایندگان مجلس بر اینست که استقلال عمل خود را در برابر قوه مجریه و سایر نیروهای فشار در خارج از مجلس حفظ کنند. این تمایل فی‌نفسه مطلوب است زیرا از تمرکز و انحصار قدرت در دولت یا مراکز دیگر جلوگیری می‌نماید. ولی برای اینکه مجلس بتواند حتی در چهارچوب قانون اساسی بوظایف خود عمل کند، راه دشوار و پرتلاشی در پیش دارد. کشمکش‌ها بر سر قدرت در خارج و داخل مجلس و اختلاف نظرها و دیدگاهها و صف‌بندیهائی که کم و بیش انتظار می‌رود، اگر در جهت صحیح هدایت نشود، باعث فلج کامل قوه مقننه شده، آنرا بصورت صحنه برخورد نیروها و جریانات قدرت‌طلب و تصفیه‌حسابهای خصوصی در می‌آورد. در اینصورت بارقهٔ امیدی که مردم برای حل مشکلات و بحرانهای گوناگون کشور در مجلس می‌بینند محو می‌گردد.

اگر مجلس نتواند بصورت یک قدرت مؤثر و در خدمت مردم و دنباله قدرت خلق درآید و اگر نتواند به آرزوهای توده و هدفهای انقلاب که همچنان نافرجام مانده‌اند، جامه عمل بپوشاند، بحران سیاسی ـ اقتصادی کشور سرانجام دهشت ـ باری برای انقلاب پدید می‌آورد.

یاس و سرخوردگی مردم از شورای انقلاب و دولتمردان، سبب شده که این بار چشم امید به مجلس بدوزند تا شاید گرهی از انبوه مسائل دردناک فعلی بگشاید و راه حلی برای حل مسائل بظاهر لاینحل اتخاذ و پیشنهاد کند.

به اعتقاد ما مهمترین مسائل حیاتی که اینک فراروی مجلس و ملت قرار دارد، موارد زیراند:

اول ـ بحران سیاسی در زمینهٔ مبارزه با امریکا و امپریالیسم جهانی و مساله گروگانها.

در برابر این مسئله مجلس با دو خط یا دو راه حل اصلی روبروست که باید از این میان یکی‌را برگزیند: ۱) راه‌حل سازشکارانه که قطعا" لیبرالها و دولتمردان آنرا پیشنهاد و حمایت خواهند کرد. بزعم این

بقیه در صفحه۲

پانزده خرداد نقطه عطفی در تاریخ مبارزات خلق

پانزده خرداد مهر باطلی بود که بر رفرم و اصلاح و تغییرات روبنائی فارغ از تغییر بنیادی و واژگونی رژیم وابسته به‌امپریالیسم زده شد

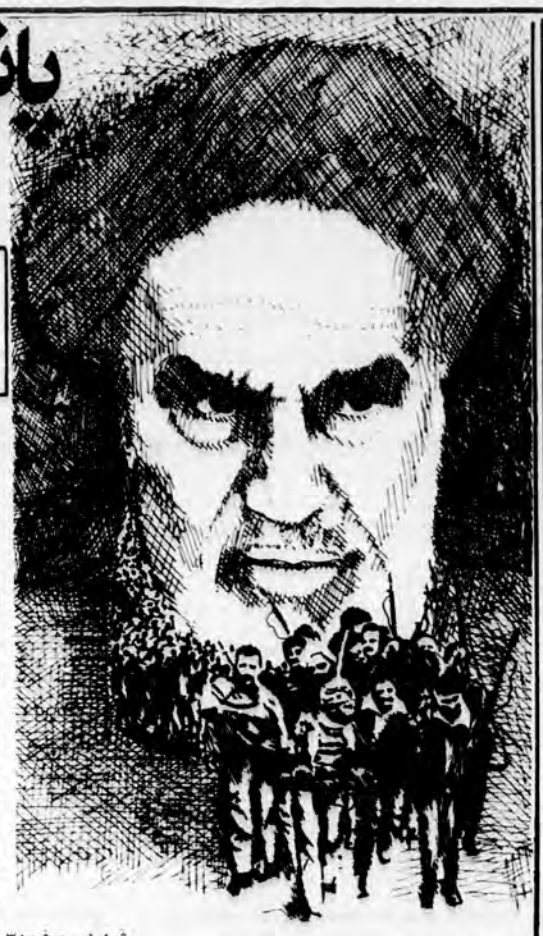

"ولقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جائتهم رسلهم بالبینات و ماکانوا لیومنوا کذلک نجزی‌القوم المجرمین" یونس ۱۳

تاریخ مبارزات خلقها با همهٔ فراز و نشیب‌ها هرگز از جوشش و حرکت باز نمانده و سرفصلها و نقطه عطفهائی تعیین کننده در آن بدست توده‌ها رقم زده شده است.

۱۵ خرداد سال ۴۲ سرفصل تعیین‌کننده و نقطهٔ عطفی تاریخ‌ساز در مبارزات بی‌امان خلق ما بشمار می‌رود، خلقی که با خون خویش مسیر آیندهٔ حرکت خود را ترسیم نمود.

کودتای ننگین ۲۸ مرداد که ضربه‌ای هولناک بر اعتماد توده بشمار میرفت، برای چند صباحی سایه شوم خود را بر سراسر ایران گسترانید. فعل و انفعالاتی که در آستانه کودتای ۲۸مرداد سال ۳۲ بر گروهها و سازمانهای سیاسی گذشته بود اعتماد مردم را از آنان سلب نمود. عدم صلاحیت انقلابی سازمانهایی که بنحوی در تحقق و پیروزی کودتای امریکایی شاه سهیم بودند هرچند وقفه‌هایی زودگذر در حرکتهای مردمی پدید آورد با این حال توده‌ها از پا ننشستند و هرگز مشروعیت و مقبولیتی برای رژیم کودتائی شاه قائل نشدند.

توده‌های مردم هرگز بر کودتا صحه نگذاشتند و در هر فرصتی خشم و کینه وتنفر انقلابی خود رانشان دادند، سازمانها و گروهها هنوز از سرسام و سرگیجه ضربه امریکایی شاه رهایی نیافته بودند، که اعتصابات و جنبش‌های مردمی شکل گرفتند. تاکسی‌رانان و سپس کارگران رنجدیده و استثمار شده کوره‌پزخانه‌ها رژیم را بمحاکمه کشیدند و با شتاب با

بقیه در صفحه۳

چه کسانی از مالکیتهای نامشروع دفاع میکنند و برضد تقسیم اراضی سخن میگویند!!

از خرمنها در برابر ضد انقلاب حراست کنیم

تا پیش از سقوط رژیم و فرار شاه در صحنه مبارزه و جهاد مردم و رهبرانی از مردم شرکت داشتند که غالبا" خود برضد لایه‌های طبقاتی بر اسلام مبارزه کرده و می‌نوشتند و می‌گفتند برای آینده از روحانیون مبارز و همه جوانانی که در جبهه رویاروی رژیم مشغول نبرد بودند و زندان شکنجه و تبعید را متحمل می‌شدند، تردیدی وجود نداشت که مالکیت مالکان اراضی و صاحبان صنایع و شرکتها و سهامداران بانکها، نه بیک دلیل که بچند دلیل واضح و قطعی همگی نامشروع و باطل است.

و برای توده مستضعف و مبارز ما مسلم بود که انقلاب اسلامی پس از پیروزی بلافاصله بااین نوع ثروتها، سرمایه‌ها و مالکیتهای نامشروع مبارزه خواهد کرد.

حذف این نوع سرمایه‌ها و مالکیتها نه‌تنها بدلیل فوق بلکه از لحاظ قطع وابستگی و مبارزه با پایگاههای امپریالیسم هم اهمیت فوری داشت. باضافه بزودی معلوم شد سرمایه‌داران و مالکان و فئودالها (حوانین و شیوخ) پناهگاه و حامی حرکتهای ضدانقلابی و توطئه علیه مردم هستند. این گروه با خرابکاری در تولید، با دادن پول به ضدانقلاب و یاهروسیله‌ای علیه منافع خلق و انقلاب اسلامی تلاش و توطئه می‌کردند.

علیرغم ضرورت فوری مبارزه با این نهادها، دولت موقت که در بینش خود طرفدار سرمایه‌داری و مالکیتهای بزرگ و خصوصی بود و مساله وابستگی و اهمیت مبارزه با امپریالیسم را درک نمی‌کرد، در این جهت نه‌فقط کاری انجام نداد، بلکه با شدت تمام جلوی اقدامات انقلابی مردم و نیروهای مسلمان را گرفت و با همه امکانات قانونی از سرمایه‌داران و ملاکین حمایت کرد. این اولین ضربه بر امید دهقانان و کارگران و جوانان متعهد و مستضعفان جامعه بود.

نفوذ سریع مرتجعین و سرمایه ـ داران و تجار و مالکان در بعضی از دستگاه های اجرائی و نهاد ـ هایی چون بنیاد مستضعفان شرایط را علیرغم خواست مردم بنفع مالکان و سرمایه داران تغییر داد.

اما فشار مردم و روحانیون مترقی و دانشجویان مبارز برای اجرای طرحهای انقلابی ادامه یافت و سرانجام طرح تقسیم اراضی با ملی کردن و مصادره صنایع وابسته بطور ناقص به تصویب رسید. ولی

بقیه در صفحه۴

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب‌الله پیمان

مقوله‌های اساسی مکتب

اول ـ معرفت

معرفت فلسفی هم باید ماهیت علمی داشته باشد یعنی با امور واقع هماهنگی وتطابق داشته باشد، درغیر اینصورت فاقد اعتبار وارزش است.

معرفت، صرف دانایی و مطلع بودن از چیزی است، معرفت همان‌شناخت‌است، وقتی چیزی را می‌شناسیم می‌گوئیم نسبت بدان معرفت داریم، در اینجا نوع‌و عمق شناخت مطرح نیست از این رو معرفت هر نوع شناسایی و دانائی را در بر می‌گیرد. آگاهیهای واقعی و غیرواقعی یا شناخت حقیقی و غیرحقیقی، از یک اطلاع ساده درباره یک پدیده یا موضوع تا آگاهی عمیق درباره آن، همگی جزء معرفت انسان شمرده میشوند.

مجموعهٔ معرفت فرد از لحظه‌ای که با کمک حواس با جهان خارج ارتباط برقرار می‌کند، شکل می‌گیرد و هر روز بر مقدار آن افزوده می‌شود، بعضی باطل شده و از مجموعه حذف می‌شوند، بعضی فراموش و از صفحه ذهن محو می‌گردند و معلومات تازه‌ای جای آنانرا می‌گیرند.

ساده‌ترین و ابتدائی‌ترین معرفتها، معلومات یا معرفتهای سطحی یا (عمومی) هستند، اولین وسیله برخورد با مواقع(۱) خارجی حواس‌اند، ما به کمک چشم و گوش و دیگرگیرنده‌های حسی، قبل از هر چیز از رنگ، شکل، بو، نرمی و خشونت و سختی و اندازه و صداها مطلع می‌شویم. البته همه پدیده‌های محسوس در همان برخورد و نگاه اول احساس نمی‌شوند، بعضی اوقات دقت بیشتری لازم است تا مثلا" وجود شیارها و پستی و بلندیهایی بر روی یک شیء حس شود. بعضی محسوسات هستند که بدون

بقیه در صفحه۶

نگاهی به شیوه مبارزه با اعتیاد

● در جامعه‌ای که فقر و نادانی از یکسو و نبودن معیارها و ملاکهای مکتبی از سوی دیگر رشد شخصیت انسانی را بخطر می‌اندازد، اعتیاد مجال رشد می‌یابد.

فمند فی ذلک لایبقی بیت مهرو ولا بر الا و ادخله‌الظلمه ترحه، والجوا فیه نقمه، فیو مئذ لایبقی لهم فی‌السماء عاذر و لا فی‌الارض ناصر"

خانه گلی و چادری شهری و خرگاههای بیابانی باقی نمی‌ماند، مگر آنکه ستمگران غم و اندوه و سختی و گرفتاری را در آن وارد می‌کنند، پس در آن هنگام در آسمان عذرخواهی و در زمین مددکاری برای آنها باقی نمی‌ماند. (فراز ۴ از خطبهٔ ۱۵۷ نهج‌البلاغه)

محور همه حرکات ضدتکاملی امپریالیزم منفعت طلبی وقدرت پرستی است. امپریالیزم در همه کشورهای تحت ستم، برای از بین بردن و بهدر دادن نیروهای مردمی در ترویج فساد از طریق قمار و فحشاء و ترویج اعتیاد فعالانه تلاش می‌کند. بهمین دلیل است که می‌بینیم قمارخانه کیش بدست شاه مخلوع دائر می‌شود و اشرف پهلوی‌گرداننده بزرگترین باندهای قاچاق مواد مخدر را بعهده دارد. در همه کشورهایی که آمریکا در آنجا نفوذ دارد، فحشاء و استفاده از مواد مخدر در مقیاس بسیار وسیعی از طریق

بقیه در صفحه۷

کوره پزخانه خاتون آباد

درکوره‌پزخانه، بیماری، ضعف وسستی بصورت همه‌گیردرآمده‌است، اغلب داروهای کارگران تقویتی است واین اعرناشی ازدوچیزاست یکی سوء تغذیه و دیگری کار توانفرسای کارگران

گزارش از کوره‌پزخانهٔ "خاتون‌آباد" تهران بدستمان رسیده است که خلاصه‌ای از این گزارش را جهت آگاهی برادران و خواهران عزیز درج می‌کنیم تا شاید به ستمی که به هزاران نفر از مردم ما در این نقاط میرود پی برند و به عمق رسالت و مسئولیت خویش آگاهتر گردند. دلیل دیگر درج این گزارش بهوش آوردن مسئولان امور است که گویا فراموششان شده است در جنوب شهر تهران اربابان خونخوار چه بر سر محرومان می‌آورند.

بخش اول

بقیه در صفحه ۱۰

برنامه سخنرانی

بمناسبت هفدهمین سالگرد قیام ۱۵ خرداد جنبش مسلمانان مبارز در روزهای ۱۴ و ۱۵ خرداد برنامه‌ائی بشرح زیر خواهد داشت:

۱ ـ چهارشنبه ۱۴ خرداد
زمینه های قیام ۱۵ خرداد
برادر محمد محمدی
فرازهای مهم از شکل گیری تا اوج قیام
برادر دکتر محمد ملکی
پی آمدها وتاءثیرات قیام ۱۵ خرداد بر کل جنبش انقلابی ایران
برادر محمد عباس زادگان

۲ ـ پنجشنبه ۱۵ خرداد
"ویژگیهای یک قیام مذهبی"
برادر دکتر حبیب‌الله پیمان
ساعت شروع برنامه ۵ بعد ازظهر
محل ـ خیابان بهار شمالی نبش نامجو
جنبش مسلمانان مبارز

بقیه از صفحه ۱

مسائل حیاتی انقلاب و...

● بحران اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی کشور ریشه در نفوذ و سلطه آمریکا و دول استعماری دارد، صنعت و اقتصاد و بانکداری وابسته، تسلیحات و ارتش وابسته، صنعت نفت وابسته، تجارت و نظام اداری وابسته، سیستم تعلیم و تربیت وابسته، اخلاقیات استعماری و..... همه جبهه‌های جنگ با آمریکا است.

نیروها برای غلبه بر مشکلات اقتصادی و سیاسی کشور باید هرچه زودتر با قدرتهای اروپایی ـ امریکائی به تفاهم رسید. برای در هم شکستن محاصره اقتصادی و رفع بیکاری و کمبود کالا وتورم و گرانی باید اختلاف بین ایران و کشورهای صنعتی از بین برود و در این میان گروگانها تنها عامل اختلاف‌اند زیراآمریکا از اعمال گذشته خود پشیمان و نادم است و حتی حاضراست این معنا را اعتراف‌کند. از امریکا قول می‌گیریم از این پس در امور ما دخالت نکند و در مقابل گروگانها را آزاد میکنیم. بین ما و آمریکائیها مسئله دیگری وجودندارد.

این گروهها با پایگاههای امریکا در داخل کشور، در اقتصاد و ارتش، در نفت و در فرهنگ کار ندارند.

۲) راه‌حل انقلابی که انقلاب ایران را در برابر امپریالیسم جهانی برهبری امریکا قرار می‌دهد و جنگ و تضاد با شیطان را در مسئله گروگانها خلاصه و یا منحصرنمیداند. به اعتقاد ما که مساله گروگانها تنها جلوه‌ای از تضاد ما با امپریالیسم است، گروگانگیری دو هدف داشته است: یکی اشغال مرکز جاسوسی و دستگیری و محاکمه جاسوسان و انهدام پایگاه توطئه علیه انقلاب، دیگری پس گرفتن شاه و اموال بغارت رفته ملت از امریکا.

هدف اول تاحدودی بدست آمده و میماند محاکمه جاسوسان، اگرچه در افشای جنایتها و جاسوسیها و توطئه‌های امریکا کوتاهی شده و مجلس باید در مورد افشای کلیه اسناد خیانت و جنایت و جاسوسی و توطئه‌چینی امریکا که‌از سفارت بدست آمده تصمیم قاطع اتخاذ نماید.

اما هدف دوم هنوز تحقق نیافته و مجلس باید مصرا" چنانکه خواست ملت است آنرا دنبال کند ولی چنانکه گفتیم حتی اگر امریکا در برابر همه خواستهای مردم تسلیم شود، که هرگز چنین نخواهد کرد، مبارزه با امپریالیسم را نباید خاتمه یافته تلقی کرد و حتی گفته می‌شود همه بدبختی‌های ما از امریکاست، پس به این معناست که بحران اقتصادی و سیاسی و نظامی و فرهنگی کشور ریشه در نفوذ و سلطه امریکا و دول استعماری دارد. صنعت و اقتصاد و بانکداری وابسته، تسلیحات و ارتش وابسته، اخلاقیات استعماری، همه جبهه‌های جنگ با امریکاست. مسئولین دولت،شورا تا به امروز با این مسائل بطور جدی برخورد نکرده‌اند و در مبارزه با امپریالیسم فقط به دادن شعار و حرف زدن اکتفا شده است. مجلس باید روشن کند چگونه می‌خواهد ریشه نفوذ استعمار را قطع کند و به هدف استقلال دست یابد. به اعتقاد ما جنگ در کلیه این جبهه‌ها، چنانکه بارها تاکید کرده‌ایم جز با بسیج توده‌ها و دادن کار و مسئولیت به آنها به نتیجه نمی‌رسد. باید دست عناصر سازشکار و غیرانقلابی از مسئولیتها کوتاه شود و بجای استفاده از نظام اداری و دستگاههای اجرائی پوسیده و استعمار و استبدادزده، خیلی از نهادهای انقلابی و مردمی نظیر جهاد سازندگی (با رفع نقائص وضعفهایش) و شوراهای مردمی استفاده کرد. بدون ملی کردن کامل تجارت و قطع دست سرمایه ـ داران و تجار متجاوز و واسطه‌ها نمی‌شود با گرانی مبارزه کرد. بدون خلع‌ید کامل از سرمایه‌داران و شرکتهای وابسته و اقدامات مشابه دیگر، حل بحران اقتصادی بنحو مطلوب میسر نخواهد بود.

مجلس همچنین باید با این نظریه خطرناک مبارزه کند که می‌شود و باید اروپا را جانشین امریکا سازیم.

در اینجا دو نکته باید روشن گردد: یکی اینکه اگر سیاست امریکا و نفوذ و سلطه آن بر کشور ما، شوم و عامل بدبختی‌های بیشمار بوده‌است و اگر اصولا" هر نوع سلطه‌ای مردود است، چه تفاوتی است بین اروپا و آمریکا؟ اگر قرار باشد آنان به جای امریکا بر اقتصاد و سایر شئون ما تسلط یابند باز هم ما مملکتی زیر سلطه و ملتی وابسته و دنباله‌رو باقی خواهیم ماند. دوم اینکه ممکن است‌بگویند ما اروپا را ارباب نمیگیریم و با آن مراوده و همکاری خواهیم داشت و اروپا غیر از امریکاست. نکته حساس و انحرافی در همین‌جاست که آیا تفاوتی از لحاظ ماهیت و ساخت اجتماعی اقتصادی بین‌اروپا و آمریکا وجود دارد؟ آیا دول سرمایه‌داری اروپا خصلت استعماری و توسعه‌طلبی ندارند؟ آیا نظام اجتماعی این کشورها سرمایه‌داری پیشرفته و توسعه ـ طلب و باخصلتهای کامل امپریالیستی نیست؟ آیا همبستگی اروپا با امریکا یک همبستگی طبیعی و از روی سنخیت مشترک نیست؟ آیا اگر بفرض که اروپا خود را از سلطه امریکا آزاد کند، خصلت استعماری و توسعه‌طلبانه خود را از دست می‌دهد؟ دول سرمایه‌داری اروپا پیشقراولان استعمار ممالک آسیائی ـ افریقائی و امریکایی بوده‌اند و هنوز هم این خصوصیت‌را حفظ کرده و آنرا توسعه و رشد داده‌اند. امریکا بدلایلی از اروپا پیشی گرفت ولی با جهانی شدن دامنه نفوذ امپریالیسم همه با هم یکی و متحد شدند. شرکتهای چند ملیتی نشانه جهانی بودن امپریالیسم و از بین رفتن مرزهای جغرافیایی و ملی است. ممکن است اروپا درصورت‌اتحاد، بدشواری خود را به سطح امریکا برساند، لکن آنان از هم‌جدا نخواهند شد زیرا با اینکار به نابودی خود کمک خواهند کرد. اتحاد آنان یک ضرورت است نه امری دلبخواه. بعلاوه حتی اگر اروپا از امریکا جدا شود خود یک امریکای دیگر است. اروپای سرمایه ـ داری هم دنبال منابع اولیه و مواد خام ونیروی کار ارزان و بازار فروش و مناطقی برای سرمایه‌گذاری و استثمار و بهره‌برداری است. حال بگویند چه تفاوتی بین امریکا و اروپا وجود دارد. طرفداران نظریه اروپا به جای امریکا مساله را بنحوی طرح می‌کنند که گوئی ما ملتهای زیر سلطه واستعمارزده با اروپا در یک جبهه مشترک علیه امریکا در حال جنگ هستیم و لذا بین ما و اروپا پیوند طبیعی قائل شده و خواهان اتحاد با اروپا هستند. نه! این خطا و انحراف بزرگ و خطرناکی است. اروپا و امریکا در یک جبهه‌اند و ملتهای استعمارزده در افریقا، آسیا و امریکای لاتین تنها قربانی توسعه ـ طلبی امریکا نمی‌باشند که قدم به قدم اروپا هم در جنایتها و غارتهای امریکا سهیم بوده وهست و در بعضی نقاط از امریکا هم جلوتر است و اینکار عمل و رهبری را بدست دارد. ممالک افریقائی راکه‌منحصرا"

● اروپا و آمریکا در یک جبهه‌اند و ملتهای استعمارزده در آفریقا ـ آسیا و آمریکای لاتین تنها قربانی توسعه‌طلبی آمریکا نمی‌باشند که قدم بقدم اروپا هم در جنایتها و غارتهای آمریکا سهیم بوده و هست.

زیر نفوذ و سلطه اروپا هستند بنگرید آن کشورها نمونه کشوری هستند که در صورت پیروی از این سیاست از ایران ساخته خواهد شد.

مجلس باید بطور جدی با این نظریه مقابله کند و به جای این راه‌حلها که در هرحال کشور ما را در وابستگی به قدرتهای توسعه‌طلب نگاهمیدارد، راه‌حلی انقلابی که اتکاء به خود و نیروی خلق است پیش گیرد. این سیاست بمعنای قطع رابطه با جهان خارج نیست، اما شرط مقدماتی در داشتن رابطه‌ای آزاد و برابر و عادی از سلطه اینست که ابتدا روی پای خود بایستیم.

به دیگر سخن پای‌بند ماندن به سیاست موازنه عدمی، مشروط به اینستکه ما بر پای خود ایستاده باشیم و هیچیک از پایه‌های جامعه ما متکی به قدرتهای خارجی نباشد.

دوم ـ سیاست خارجی: این کلام که سیاست خارجی تابعی است از سیاست داخلی کاملا" درست است به همین دلیل معتقدیم اگر سیاست داخلی، انقلابی و مکتبی نباشد، سیاست خارجی هم دارای این صفات نخواهد بود. مجلس باید بین دو شیوه در رابطه با ممالک دنیا یکی را اتخاذ کند: یا سیاست تکیه بر رابطه با دولتها و قدرتها، یا سیاست تکیه بر رابطه با ملتها و جنبشهای آزادیبخش.

وقتی با معیارهای مکتبی وانقلابی نگاه می‌کنیم، سیاست خارجی ایران باید بر اساس صدور انقلاب، همبستگی باجنبشهای آزادیبخش و کمک به ملتهای در حال مبارزه با استعمار و تلاش در راه ایجاد یک جبهه از مستضعفان و خلقهای زیر سلطه در برابر قدرتهای توسعه‌طلب باشد. عدم وابستگی به هر یک از قدرتها به اصطلاح شرقی و غربی یکی از محورهای سیاست خارجی است، اما محور دیگر، وفادار ماندن به مبارزه ضدامپریالیستی در مقیاس جهانی است زیرا معتقدیم که امپریالیسم را باید در جبهه جهانی شکست داد و پایگاههای آن در ایران یکی از سنگرهای مهم امپر ـ یالیسم است که باید بکلی نابود شود.

سوم ـ بحران اقتصادی: در این باره قبلا بدکرات نوشته‌ایم. تحولات پانزده‌ماه بعد از پیروزی بهمن ماه از لحاظ اقتصادی در مسیر نادرستی انجام گرفته. درست است که از تعدادی‌عناصر سرمایه‌دار وابسته به رژیم شاه خلع‌ید شده و بخشی از صنایع و بانکها ملی شده‌اند، اما این اقدامات با تغییرات بنیادی در محتوی همراه نبوده است، باضافه در عمده‌بخشهای اقتصادی، صنعت و تجارت و بالاتر از آن مؤسسات مصادره شده و ملی شده عناصری گمارده شدند که یا بینش انقلابی و اسلامی نداشته یا سازشکار بودند و یا دنبال منافع شخصی و طبقاتی به سوءاستفاده‌های کلان دست زدند. نگاهی به وضعیت مؤسسات تولیدی صنعتی، کشاورزی و دامپروری مصادره شده توسط بنیاد مستضعفان و نگاهی به وضع بازار و تجارت و اجحاف گستاخانه سرمایه‌ـ داران به مردم مؤید این حقیقت است. طرز اداره کارخانجات و مخالفت با شوراها و کارشکنی در راه آنها و نداشتن یک طرح دقیق برای نظام شورایی و خلاصه نداشتن طرح و برنامه اقتصادی، وضعیت سخت و خطرناک و آسیب‌پذیری بوجود آورده است.

آیا مجلس قاطعانه با این بحران روبرو خواهد شد. آیاطرحهائی انقلابی در زمینه قطع وابستگی‌ها و خلع‌ید از سرمایه‌داران و مدیران سازشکار و تجار و دلالان رباخوار و سپردن کار بدست مردم و نهادهای مردمی وانقلابی بتصویب خواهد رساند؟

چهارم ـ مسئله مهم بعدی که مجلس باید مسئولانه با آن برخورد کند، نظام و سیستم اداری و سیاسی کشور است. در اینجا هم دو تمایل عمده‌وجود دارد: یک تمایل قدرت هرچه بیشتر دولت و اتکاء به سیستم اداری و نظامی فعلی را خواهان است، لذا با تصفیه و تغییر بنیادی دستگاههای اجرائی روی موافق نشان نمی‌دهد و مصرانه می‌خواهد همه مراکز قدرت را در اختیار گیرد. تمایل دوم با اندیشه یک دستگاه دولتی قوی و متمرکز، موافق‌بوده، آنرا پایه استبداد و نفی‌کننده حاکمیت مردم و سرانجام عامل سرکوب خلق و استضعاف آنان می‌داند و معتقد است که باید بیشتر کارها از طریق شوراها به مردم سپرده شود و دولت نقش‌راهنما و ناظر اجرای قوانین را داشته باشد. در همین زمینه مجلس باید با خطر احیای نهادهای استبدادی و ضدمردمی گذشته در شکل و قالب‌تازه مقابله کند. دستگاههای اطلاعاتی و ضداطلاعاتی در دولت و ارتش باید بازبینی کامل و دقیق شود که بر چه اساس و ضوابطی بوجود می‌آید و رشد می‌کند و تصفیه ادارات و مؤسسات در کجا دچار انحراف شده و تا چه حد صحیح پیشرفت کرده است. بالاخره مجلس باید تکلیف نهادهایی چون جهادسازندگی ـ سپاه پاسداران را روشن نماید. ما نظر خود را درباره نقش و وظایف این نهادها و خطری که بعد اصیل کار آنها را تهدید می‌کند در شماره قبل طی مطلبی نوشتیم.

● به‌اعتقاد ما مهمترین مسایل حیاتی که اینک فراروی مجلس و ملت قراردارد موارد زیراند:

۱ ـ بحران سیاسی در زمینه مبارزه با آمریکا و امپریالیسم جهانی و مسأله گروگانها

۲ ـ سیاست خارجی

۳ ـ بحران اقتصادی

۴ ـ نظام و سیستم اداری و سیاسی کشور

۵ ـ مقابله با تمایل خطرناک بعضی عناصر و دسته‌ها که با تمام قوا تضادهای میان مردم را دامن می‌زنند

۶ ـ تهیه متمم قانون‌اساسی

۷ ـ بر روی کار آوردن یک دولت قوی، قاطع و انقلابی و مستقل

معتقدیم این دو نهاد باید مردمی و خود جوش و خودکفا و با هدفهای انقلابی و مکتبی باقی مانده، در این جهت تکامل پیدا کند. و این نمونه در شکل تصحیح شده و تکامل یافته‌ای، سرمشق تغییر در بقیه مؤسسات اجرائی قرار گیرد.

پنجم ـ مساله حساس بعدی در برابر مجلس مقابله با این گرایش خطرناک بعضی عناصر و گروههاست که با تمام قوا تضادهای میان مردم را دامن می‌زنند و زیر لوای دفاع از انقلاب و اسلام و پیروی از خط امام، یک جنگ و کشمکش تحلیل‌برنده و وحدت‌شکن را به مردم تحمیل می‌نمایند. در این مقال فرصت بحث از انگیزه‌های این سیاستها نیست. فعلا" با نتیجه یک‌چنین سیاستی روبرو هستیم. مبارزه با ضدانقلاب و گروههایی که در جبهه ضدانقلاب شرکت می‌کنند، مساله‌ای است که نباید مستمسک انحصارطلبی و رواج‌دادن روحیه ضدگروهی بطور مصنوعی شود. تبلیغات گسترده‌ای که هم‌اکنون توسط مراکز و عناصر معینی علیه گروهها و نیروهای سیاسی جامعه انجام می‌گیرد بیشتر توسط یکعده عناصر مرتجع و یا سازشکار و وابسته تحریک و تغذیه می‌شود. شک نیست که عملکرد بعضی گروههای سیاسی ماجراجو و فرصت‌طلب نوعی بدبینی نسبت به گروهها در بخشهایی از مردم پدید آورده است. اما این نحو عملکردهای منفی اختصاص به گروهها ندارد. کسان دیگری هم هستند که عملکردشان بعد از انقلاب موجب بدبینی و دلسردی مردم و فرار بعضی از جوانان از انقلاب و اسلام شده است. قضاوت و ارزشیابی کارگروهها و افراد و دولت باید بر اساس ضوابط و معیارها و با واقع‌بینی و حقیقت‌جوئی انجام‌گیرد، نه از روی تعصب وکج‌اندیشی یا بدخواهی و خودمحوری و شانتاژ سیاسی ـ بطور مثال تبلیغات ضدگروهی که هم اکنون رادیو و تلویزیون در پیش گرفته است ـ که با معیارهای اسلامی کاملا مغایر است. آیا با تکیه بر شعارهای توخالی و دم‌زدن از اسلام و انقلاب واصالت رهبری امام و بدون مشخص کردن معیارها و ویژگیهای مکتب و خط انقلاب و امام می‌توان درباره این و آن قضاوت کرد؟ هدف از تحریک مردم علیه گروهها چیست؟ آیا براستی عامل همه بدبختی‌های مردم و مشکلات انقلاب و بحران اقتصادی گروهها هستند؟ ما انکار نمی‌کنیم که هستند گروههایی که در راه انقلاب بسختی کارشکنی می‌کنند. ولی تعمیم‌رندانه و مزورانه این خصوصیت به‌همه گروهها و ایجاد یک فضا و جو ضدگروهی به منظور جلوگیری از آگاهی و تشکل مردم به نفع چه کسانی است؟ معتقدیم مجلس باید هرچه زودتر به این روش ضدانقلابی و ضدمکتبی خاتمه دهد. رادیو و تلویزیون را استقلال واقعی بخشد و چنانکه امام تاکید کرده‌اند، از خدمت یک گروه یا باند خاص خارج سازد. رادیو و تلویزیون باید به مردم معیار بدهد، معیار انقلابی بودن و متعهد بودن. به مردم اجازه دهد بر اساس آن معیارها خود درباره هر شخص و هر گروه سیاسی قضاوت و حکم کنند. رادیو و تلویزیون نباید وسیله تصفیه حسابهای شخصی و گروهی شود. هم‌اکنون بعضی افراد در سراسر کشور مشغول به تبلیغ و تحریک مردم علیه گروههای سیاسی هستند و با کمال تاسف این آقایان و عناصر و باندها خود را هم دو آتشه در خط امام می‌دانند. مجلس باید از این‌عناصر سوال کند مگر امام نگفتند امروز همه فریادهایتان را بر سر امریکا بکشید و تفنگها و مسلسلها را بسوی امریکا نشانه روید پس چرا شما هر چه‌فریاد دارید بر سر افراد و گروهها و هر چه مشت دارید، بر دهان و مغز آنها میکوبید؟ اینست معنای پیروی از خط امام؟ مجلس باید در جهت ایجاد وحدت اصولی و فراهم نمودن زمینه‌های وحدت اصولی بین همه اقشار جامعه گامهای مثبت و قاطع بردارد و هرچه سریعتر جلوی این عناصر و باندهای غیرمسئول و ضدانقلاب و مکتب را بگیرد.

ششم ـ رأی بخش مهمی از مردم به قانون اساسی با توجه به این شرط بود که متمم و مکملی خواهد داشت. وعده امام و تائید بسیاری از دست‌اندرکاران تهیه قانون اساسی این شرط را تصریح می‌نمود. بخوبی میدانیم که بعضی ابهامات وضعف‌ها مستمسک افراد و جریاناتی می‌شود که میخواهند نظامی غیرمکتبی را به عنوان اسلام برپا دارند. از جمله همه شاهد هستیم که سرمایه‌داران و مالکین و تجاوز ـ گران بحقوق و دارائیهای مردم و انگلهای جامعه و کسانی که پای‌بند اسلام طبقاتی هستند، در اجرای بعضی اصول اقتصادی اسلام که بنفع کارگران و دهقانان است سخت کارشکنی و سنگ‌اندازی می‌کنند. همچنین برداشتهای غیراصولی از نظام شورائی و حاکمیت و آزادی مردم می‌شودکه مجلس باید با تدوین متممی بر پایه مکتب به این اشکالات و ابهامات خاتمه دهد و ضعف‌ها را از بین ببرد. در برابر مردم و نیروهای متعهد و مبارز جامعه ما چه وظیفه‌ای برعهده دارند؟ هرگز معتقد نیستیم که با تشکیل مجلس‌حتی "اگر کاملا" مردمی و مکتبی هم باشد، مردم دیگر وظیفه‌ای ندارند، حضور مردم در صحنه در همه حال ضروری است. این حقیقت را فراموش نکنیم که تکیه‌گاه اصلی انقلاب ایران توده‌های مسلمان هستند. جوانان متعهد و مبارز ما نقش بسیار حساسی در تعیین سرنوشت انقلاب دارند، تجربه ۱۵ ماه گذشته اثبات نقطه‌نظرهای ما بویژه در این زمینه بود که سازماندهی درست توده‌ها و هدایت مکتبی آنان شرط اصلی تداوم انقلاب و خط مکتب است.

اگر قدرت توده‌های رنجدیده و مبارز ما درنهادهای مکتبی تبلور نیابند و با معیارهای انقلاب و اسلام آشنا نگردند، این قدرت عظیم یا از صحنه خارج می‌شود

بقیه در صفحه ۱۰

تابرقراری جامعهٔ بی طبقهٔ توحیدی، انقلاب اسلامی ادامه دارد

بقیه از صفحه ۱

پانزده خرداد...

● آن روز که شهیدان نیمه‌خرداد فریاد مرگ بر شاه کشیدند، هرگونه سیاست گام به‌گام و مماشات و سازش را باطل ساختند

گلوله های امریکایی قلب این دلاوران زحمتکش را درید و پنداشت که شعله ها در دل توده ها خاموش گشته است و هنوز زمانی نگذشته بود که جنبش دانش‌آموزی ـ دانشجویی رسالت بازگوئی خشم توده ها نسبت به‌رژیم شاه را بعهده گرفت، مردم حزبهای رژیم را شه ساخته نامیده و پیمانهای نظامی وتجاوزگرانه شاه باامریکا و پیمان بغداد را محکوم نمودند.

دکتر اقبال این غلام خانه‌زاد رژیم در توجیه وامها و قرضهائی که شاه برای آراستن ارتش ضدمردمی بر توده هـــای استثمار شده تحمیل مینمود چنین گفت" ما با شش میلیارد کسر بودجه مواجه هستیم و ناچاریم حتی خدمت کارمندان دولت را ولو بقرض بازخرید وآنان را مرخص کنیم" وپس‌از او دکتر علی امینی چهره امریکائی رژیم و عاقد قرارداد ننگین کنسرسیوم هشت سال بعد از کودتای ۲۸ مرداد چنین گفت" خزانه مملکت در اثر بند وبست ها بسبب عدم لیاقت متصدیان امور در معرض تعدی وتفریط قرار گرفته وقرض تا گلویمان مستولی گشته.... وحشت آور است اگر از تعدیات وتجاوز چند سال اخیر به بیت ـ المال و ثروت مملکت پرده برداریم"

نطفه های قیام ۱۵ خرداد درچنین شرایطی بسته میشد.

استقلال اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی مردم زیرپا گذاشته شد وامپریالیسم امریکاسلطه و سیطره خودرا در تمامی ابعاد بر جامعه ما مستولی میساخت.

امینی کوس رسوائی و ورشکستگی رژیم کودتا را باطلاع مردم رسانید جنبش دانشجویی به نمایندگی از خلق در پیوند بامبارزات خلقهای قهرمان الجزایر وکنگو در ارتقاء سطح آگاهی توده ها گامهای مؤثری برداشتند و بهمین دلیل مورد کینه و غضب رژیم واقع شدند. روز اول بهمن ماه سال ۴۰ چتر بازان ارتش شاهنشاهی وحشیانه به دانشگاه یورش بردند و صحنه های فجیعی از ضرب و شتم و دستگیری وتخریب وکتاب سوزان از خود به یادگار گذاشتند.

رژیم کودتا که در ۱۶ آذرماه سال ۳۲ سه تن از فرزندان دانشجوی خلق را بگلوله بسته بود بار دیگر دانشگاه این سنگر دفاع از شرف وحیثیت خلق را مورد یورش وحشیانه قرار داد.

رژیم کودتایی شاه که از درون، در حال اضمحلال و پوسیدگی بود، روز بروز بامپریـ یالیسم امریکا وابسته‌تر میشد، روی‌کار آمدن دموکراتها در امریکا چنان که شیوه همیشگی آنان است ـ رژیم شاه را در جهت تغییراتی سوق میداد که ظاهری آراسته و اصلاح طلبانه داشت. این تغییرات که بر اساس ماهیت امپریالیسم در نهایت به اسارت هر چه بیشتر خلق‌منجر میشد در راءس برنامه های رژیم کودتا برای رهائی از بحران اقتصادی، سیاسی قرار گرفت. هدف عمده واساسی امپریالیسم از ارائه برنامه های اصلاحات شاه عبارت بود از:

۱ ـ رشد وگسترش هر چه بیشتر سرمایه‌ـ داری وابسته و سرمایه گذاریهای کلان سرمایه داران امریکایی در صنایع مصرفی و مونتاژ و تسلط همه جانبه بر اقتصاد و سیاست ایران.

۲ ـ پیشگیری از اوج گیری مبارزات توده های مردم و رویاروئی باانگیزه های انقلابی مردم برای یک دگرگونی بنیادی.

شاه بدستوارباباب امریکائی خود برای تحقق خواستهای سرمایه داران جهانخوار شعارهای اصلاحات ارضی وحق راءی زنان در انتخابات را پیش کشید. شاه وابادی نسل اندر نسل فئودال او مانند علم و باتمانقلیج و... این بار منادیان سرمایه‌ـ داری‌وابسته‌شده‌وشعاراصلاحات‌ارضی‌رامطرح میساختند، چرا که منافع طبقاتی آینده خودرا در تسلط بی‌چون وچرای سرمایه ـ داری وابسته بامپریالیسم می دیدند.

در شرایطی سخت پیچیده که رژیم شاه با طرح شعارهائی این چنین در پی فریب توده های مردم بود. زمزمه هائی در میان روحانیت برخاست، و درمیان آراء و نظریه های گوناگونی که از مواضع متفاوت در رابطه با انجام اصلاحات ارضی و حق راءی زنان در انتخابات مطرح میگردید، توده های مردم باچهره‌ائی‌آشنا شدند که موجودیت رژیم‌را بزیر سئوال میکشید، چهره‌ائی که بجای پرداختن به دامی که رژیم بر سر راه روحانیت نهاده بود تا روحانیت را سرگرم بحث و جدل شرکت یا عدم شرکت زنان در انتخابات نماید. موجودیت وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم رژیم رامورد سئوال قرار میداد و میگفت شما مدعیان آزادی بخشی به زنان مگر تاکنون اجازه داده‌اید که مردها نفس بکشند و دم بربیآورند، این چهره که بزودی در قلب توده های مردم جای گرفت، امـام خمینـی بود.

امام‌حرکت را آغاز کرده بود ودر روز چهلم فاجعه یورش جتربازان شاه به مدرسه فیضیه و قتل‌وضرب‌وشتم طلاب و دانشجویان ان مدرسه با اعلام آمادگی برای‌حبس و زجر و اعدام‌موضع ضد رژیم شاهنشاهی خود را بآگاهی توده‌ها رسانید.

امام صریح و قاطع همه توطئه و جنایتها را بشخص نسبت داد وعامل اصلی وابستگی ایران بامریکاواسرائیل را رژیم و در راس‌آن شخص شاه معرفی نمود.

امام با هشدارهای مکرر خود پرده از توطئه امپریالیسی اصلاحات ارضی و آزادی زنان!!! برداشت. توده ها پس از گذشت چندین سال رهبر و مرجعی را پیشاپیش خود میدیدند که بـا قاطعیت میگفت:

" ما برای اسلام اینهمه اهانت شده و میشویم، ما در انتظار حبس و زجر و اعدام نشستیم، "بگذار دستگاه جبار هر عمل غیر انسانی که میخواهد بکند،... بگذار عمال اسرائیل برندگی من خاتمه دهنـد".

امام در بیانیه ها وسخنرانیهای خود محتوی ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی و ضد رژیم شاهنشاهی حرکت خود را با توده‌های مردم در میان گذاشت، توده‌هابه صداقت و تقوی و شهامت و تعهدو مسئولیت رهبر ایمان آوردندواینک طوفان در راه بود، رژیم دریافته بود که مارک های ارتجاعی‌سیاه و دشمنی با تمدن و ضدیت با آزادی زنان واصلاحات ارضی در مورد خمینـی، برتوده ها کوچکترین تاءثیری ندارد وخمینـی روز بروز حرکت خود را تسریع میبخشد. امام برای افشای ماهیت امریکائی اصلاحات شاه شرکت در رفراندوم شاه راکه بزور سرنیزه واختناق و تزویر و ربا بر توده ها تحمیل میشد، تحریم نمود.

امام در سخنرانی عصر عاشورای ۱۳ خرداد سال ۴۲ ماهیت ارتجاعی انقلاب سفیدرا بر ملا ساخت و چنین گفت:

" آیا روحانیت واسلام ارتجاع سیاه است؟ لکن تومرتجع سیاه، انقلاب سفید کرده‌ای ؟!!....چرا اینقدر مردم را اغفال میکنی؟

امام‌در همین سخنرانی خطاب به شاه گفت:

" بیچاره بدبخت چهل و پنج سال از عمرت میرود، یک کمی‌تاءمل کن، یککمی تدبرکن، یکقدری‌عواقب امور را ملاحظه کن، کمی عبرت بگیر، عبرت از پدرت بگیـر"

امام بااشاره به عبرت ازسرنوشت پدر شاه، ماهیت وابسته به بیگانه و دشمنی با مردم، اورا در ذهن توده ها ترسیم مینمود عاقبتی که توده ها قرار رضاخان را جشن گرفتند.

امام در پاسخ تهمتهای شاه گفت:

"... آنهائیکه بانکهای دنیا را از دسترنج مردم فقیر انباشته اند، کاخهای عظیم را روی هم گذاشته‌اند وبازهم ملت را رها نمیکنند وبازهم دنبال این هستند که منافع این کشور را به جیب خود و اسرائیل برسانند مفت خور نیستند؟"

ودر بارهٔ ماهیت خاندان پهلوی چنین گفت:

" شماملت ایران بیاد دارید، پیرمردها، ۴۰ ساله ها، حتی ۳۰ ساله هایتان نیز یاد دارند که در جنگ دوم جهانی ۳ دولت اجنبی بماحطه کردند شوروی، انگلستان، امریکا بایران ریخته مملکت ماراقبضه کردند، اموال مردم در معرض تلف بود، نوامیس مردم در معرض هتک بود، لکن خدا میداند مردم خوشحال بودند که پهلوی رفت"

امام توطئه های رژیم را با بزیر سئوال کشیدن روابط اقتصادی، نظامی و سیاسی ایران با سگ زنجیری امپریالیسم در منطقه یعنی اسرائیل و دستور گرفتن شاه از اربابان امریکائی ماهیت خاندان کثیف پهلوی‌ورژیم‌شاهنشاهی‌رارسواساخت.

همزمان با بیانات امام در روز عاشورا در تهران راه پیمائی عظیمی از مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه سابق آغاز شد." دراین راه پیمائی جوهر حرکت ضد امپریالیستی وضد صهیونیستی و ضد رژیم شاهنشاهی مردم با شعارهای" مرگ بر این دیکتاتور" "مرگ براسرائیل" "مرگ‌بر نوکر بیگانگان" "خمینی‌خمینی‌خدانگهدارتو"بمیرد دشمن خونخوار تو" نشان داده‌شد. راه پیمایان پس از گذشتن از مقابل‌مجلس و خیابان انقلاب درمقابل دانشگاه تهران وحدت و همبستگی ضدامپریالیستی وضد سلطنتی خودرا با دانشجویان اعلام و سپس راه خود را ادامه دادند. راه‌پیمایان بعد از ظهر عاشورا بمقابل کاخ مرمر شاه خائن رسیدند ودر آنجا فریادهای " مرگ بر شاه خائن" مرگ براین سلطنت بزیدی" جوهر حرکت را هرچه بیشتر روشن ساخت.

اینک باد سیدجمال ونائینی و میرزای شیرازی درخاطره ها زنده میشد، توده های مردم که از سازماندهی منسجم وضروری برای رویاروئی با رژیم شاه برخوردار نبودند با چنگو دندان خودرا آماده مقابله مینمودند ورژیم شاهنشاهی با دستیاری "سیا" و" ساواک " توطئه خطرناکی را تدراک میدید، رژیم برای روز ۱۲ محرم و ۱۵ خرداد از چند روز قبل خود را آماده ساخته بود، صبح روز پانزدهم خردادخبر دستگیری امام، در تهران و شهرستانها دهان بدهان و خانه بخانه پیچید و توده‌ها بخیابانها ریختند

بقیه در صفحه ۹

بقیه از صفحه ۱

ادعای رادیو وتلویزیون تاچه حد حقیقت دارد؟

که بدفعات از رادیو تلویزیون اعلام گردید مدعی شد که ازچند گروه از جمله جنبش مسلمانان مبارز برای بحث و مناظره پیرامون موضوعهای مکتبی دعوت کرده است‌ولی جنبش پاسخی نداده ودر موعد مقرر در جلسه مناظره شرکت نجسته است.

از کسانیکه آن مطلب سرایا افترا و آمیخته به غرض ورزی و سوء نیت و بمنظور اغفال وتحریک‌مردم علیه امت انتشار دادند ـ خلاف انتظار نیست که دروغ دیگری مطرح کنندبر خلاف ادعای آقایانی که قطعا" خود را خیلی مسلمان و باتقوی و صادق میدانند جنبش بلافاصله پس از طرح پیشنهاد از جانب رادیو وتلویزیون ـ ابتدا ضمن تماس تلفنی نظر خود را در پاسخ آن دعوت اعلام کرد و بعدا" هم طی بیانیه ۵۹/۱/۲۵ که در بعضی جرائد یومیه از جمله اطلاعات و کیهان چاپ گردید نظر خودرا نسبت به دعوت‌صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و شرایط شرکت در بحث های رادیو تلویزیون اعلام کرد ـ چنانکه از محتوی جوابیه جنبش برمیآمد ما وعده‌ای برای شرکت در جلسه مناظره نداده بودیم که در موعد مقرر از انجام آن سرباز زنیم ـ اگر مسئولین صدا و سیمای جمهوری اسلامی مدارک یا دعوتنامه‌ای دال براین ادعادارندارائه دهند اکنون بعد از گذشت‌چندهفته نویسنده با تقوی‌و مسلمان مدعی‌میشودکه‌جنبش پاسخ‌رادیو را نداده وازشرکت در جلسه مقرر استنکاف ورزیده است ـ ضرورتی برای تحلیل ماهیت انگیزه های تنظیم کنندگان این گفتارها نمی بینیم اکنون این آقایان ـ اگر چه برای آگاهان ناشناس نیستند ـ بنام صدا و سیمای جمهوری سخن میگویند و ما رادیو و تلویزیون را مسئول این افتراها و دروغها میدانیم نیز مسئول عواقب سیاست نفاق افکنانه‌ای می شناسیم که علیرغم تاکیدات مکرر رهبر انقلاب امام خمینی دائر بر حفظ وحدت پیش گرفته است ـ در حالیکه امام به اصرارازهمه مردم وگروهها خواستند تا همه فریادهاراعلیه امریکابلندکنند، همه تفنگهاو قلم ها را علیه امریکا نشانه بروند ـ رادیو علیه جریانی فریاد میکشد و قلم میزند که به گواه اسناد موجود و وجدان مردمی که آن را می شناسند از سالها پیش در تیره‌ترین ایام دشوار انقلاب و تا به امروز در خطمستقیم مکتب وانقلاب و در حمایت از وحدت خلق‌و رهبری انقلاب در مبارزه علیه امپریالیسم حرکت کرده است و بدون مصلحت گرائی و فرصت طلبی ـ استوار و صریح از اصالت مکتب و خط انقلاب دفاع کرده است. ما درباره سوابق مبارزاتی خود چیزی نمی گوئیم ـ اگر روزی سوابق و جریانات همراه با همه اسنادو مدارک در پیشگاه ملت ایران افشاء گرددو حقایق همانگونه که هستند در اختیار مردم گذاشته شوند ـ آنوقت صادقین از کاذبین ومبارزین‌از قاعدین و مهاجر و انصار از مسلمانان بعد از فتح و طلقاء متمایز وجدا خواهند شد.

احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا امنا و هم لایفتنون و لقدفتناالذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین. عنکبوت /۲

و آیا مردم پنداشتند که تا بگویند ایمان آوردیم به خود رها میشوند وآزمون نمی ـ گردند درحالیکه آزمودیم مردم پیش از ایشان را تا خدا (و خلق خدا) بشناسد کسانی راکه راست گفتند وکسانی که دروغگو هستند.

اکنون برای قضاوت مردم ایران یکبار دیگر متن بیانیه‌ای را که همان روزها در پاسخ دعوت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران منتشر ساختیم چاپ میکنیم و مجددا" آمادگی خودرا برای معرفی ودفاع از مواضع فکری ـ سیاسی جنبش مسلمانان مبارز بر طبق شرایطی که‌در این بیانیه آمده است اعلام می نمائیم ـ ما هرگز مدعی آن نیستیم که در روش های سیاسی و مکتبی خود مصون از خطا و نقص و ضعف می باشیم لکن اصولی راکه اعلام کرده‌ایم تا وقتـــی خلاف آن برما ثابت نشود بدان ایمان داریم و معیار ارزیابی ما در درجه اول حقیقت مطلق یعنی قرآن و سپس شیوهٔ رسول اکرم وائمه راستین اسلام است.

ماامیدواریم که مرکزیت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران مسئولیت خودرا در برابر انقلاب و مردم بخوبی درک کند و اجازه ندهد این دستگاه که باید در خدمت اهداف مکتبی وانقلابی مردم مسلمان ایران باشد ـ به سنگری جهت نفاق افکنی وتصفیه حساب‌های شخصی وگروهی و اعلام نظریه ها وعقاید یک فرد یا یک گروه و باند معین تبدیل شود.

جنبش مسلمانان مبارز با درک حساسیت موقع وباآگاهی ازتوطئه های‌گوناگون دشمن علیه انقلاب‌و با ایمان به ضرورت وحدت در جبهه مردم همانندگذشته از درگیر شدن در کشمکش های انحرافی و پرداختن به هدفهای فرعی و دامن زدن به اختلافات غیر اصولی بین گروهها واشخاص پرهیز کرده به روش دیرین خود دائر بر تلاش برای دفاع از کلیت جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران و اصالت‌مکتب و اصرار بر تداوم انقلاب در خط اصیل‌مکتب و حفظ وحدت خلق در برابر دشمن اصلی یعنـی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکاوفادار مانده، در برابر ضعف ها، نارسائی ها و انحرافات تا آنجا که سرنوشت کل جنبش در مسیر اصلی خود مربوط نمیشود به ارشاد و انتقادسازنده ادامه میدهد واز مبارزه با روش های سازشکارانه، نفاق افکنانه، فرصت طلبانه، وارتجاعی باز نمی ایستد.

اطلاعیه‌جنبش‌مسلمان‌مبارز

بنـــام خـــدا

اطلاعیه جنبش مسلمانان مبارز در پاسخ دعوت صداو سیمای جمهوری اسلامی ایران در اخبار ساعت ۱۴ روز یکشنبه۲۴ و روز دوشنبه ۲۵ فروردینماه ۵۹ خبر دعوت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از ۶گروه سیاسی از جمله جنبش مسلمانان مبارز برای شرکت در مناظره حول مسائل ایدئولوژیک اعلام شد در پاسخ توضیحات زیر را ضروری می بینیم.

۱ ـ دراطلاعیه شورا گفته شده است که هیچیک از گروهها بدعوتهای مکرر صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پاسخ

بقیه درصفحه۱۱

*** خون شهیدان پانزده خرداد مرز میان مبارزات فصلی و مقطعی و مصلحتی و رفرمیستی و صبر و انتظاری در چهارچوب‌های مشروعیت و رسمیت رژیم‌ازیکسوی و مبارزات خونبار مکتبی و دراز مدت و ضدامپریالیستی و ضدرژیم‌ازسوی‌دیگر را روشن ساخت.**

از خرمن‌ها...

بقیه از صفحه۴

سال جاری ثابت می‌کند که اگر دهقانان مالک اراضی خود باشند و دست مالکان و خوانین قطع شود، ظرف مدت کوتاهی ما بی‌نیاز از محصولات کشاورزی خارج می‌شویم.

اکنون باید مراقب توطئه‌های مالکان و نیروهای ضدانقلاب بود. آنان قصد دارند خرمن‌ها را از بین ببرند و به محصول دهقانان تجاوز کنند و بهر بهانه و با همکاری بعضی دادگاهها و حکام شرع و مستمسک قرار دادن تصویب‌نامه‌های غیراصولی، دهقانان را مرعوب کنند. می‌کوشند سپاه پاسداران را از دخالت در منازعات مالکان و دهقانان منع کرده، نگذارند برادران ما از منافع دهقانان حمایت و علیه توطئه‌های مالکان وارد عمل بشوند. می‌کوشند برادران را را در جهاد و در طرح اصلاحات ارضی از اقدام به تشکیل شوراها و کمک به تقسیم اراضی باز دارند.

ما از همه مردم بیدار و مسلمان و از همه برادران و خواهران مبارز و متعهد خود در سراسر کشور می‌خواهیم تا با این مساله حیاتی انقلاب با هشیاری و مسئولانه برخورد کنند. و همراه با برادران سپاهی و اعضای جهاد سازندگی به کمک دهقانان شتافته در حراست و پاسداری از محصول و خرمن و در دفع توطئه مالکان و عناصر ضدانقلاب و فرصت‌طلب و مزدوران ساواک و جاسوسان سیا و همچنین خنثی کردن تبلیغات ضدمکتبی مرتجعین و سازشکاران علیه تعالیم انقلابی اسلام در صف واحدی وارد عمل شوند.

امروز حمایت از دهقانان و از طرح اصلاحات ارضی و نگاهبانی از خرمن و محصول و مبارزه با توطئه فئودالها، خوانین و مالکان و تبلیغ اسلام اصیل و تعلیمات عدالت‌خواهانه و ضداستثماری آن وظیفه فردفرد برادران و خواهران متعهد و مبارز است.

بکوشیم تاسال آینده را سال حاکمیت کامل دهقانان بر زمین، سال بی‌نیازی از محصولات کشاورزی بیگانه، سال خنثی کردن کامل توطئه ضدانقلاب در روستاها و... تبدیل کنیم. والسلام

درود برامام خمینی، رهبرسازش ناپذیرانقلاب ایران

گزارشی از محله کمردشت

گزارشی از محله کمر دشت روبروی هتل مازندارن ساری

ارباب دلیلی بر مالکیت حر سند مالکیت قلابی‌و تصرف عدوانی نداشته‌اند و با آنقدر ظلم از طرف اربابان شد و اموالی که از کشاورزان گرفته‌اند، که کشاورزان میتوانند زمینها را بابت طلب خود از ارباب تملک نمایند.

"امام خمینی"

روز شنبه تاریخ ۵۹/۲/۲۷، ۷ خانوار از رعیتهای باغ محمد خان کلبادی که پس از سالیان دراز رنج و زحمت، امیدهای خویش را در نظام جمهوری اسلامی تحقق یافته می دیدند ولی مناسفانه باروی کار آمدن دولتمردان لیبرال که با سیستم‌وعملکرد رفرمیستی و غیر مکتبی خود با این مسائل برخورد نمودند، امیدهایشان به یاس مبدل گشت. ولی با الهام از رهنمودهای سازنده امام خمینی که: "مستضعفان باید با مشت محکم حقشان را از مستکبرین بگیرند، منتظر نباشند آنهاحقشان را بدهند"

خودشان‌به شخصه و به نیروی ایمان دست به کار انقلابی، مصادره باغ ۴۰ هکتاری محمد خان کلبادی که خودشان با زحمات بسیار آبا دو مشجر کرده بودند، زدند و تصمیم گرفتند، روزی که ارباب قصد آمدن به باغ دارد، دیگر اورا به باغ راه ندهند. این خبر به گوش" محمد خان کلبادی " میرسد. وی با اعزام چند نفر چماق دار برای زهر چشم گرفتن از این زحمتکشان بدانجاسفرستدو بدون نتیجه از این عمل، خود جهت تطمیع به باغ میرود. ولی روستائیان همچنان سرسختانه مقاومت کرده وار ورود او جلوگیری میکنند.

" محمد خان کلبادی " که تا کنون تمام راهها را برای انصراف روستائیان بی‌نتیجه میبیند، قصداعمال نفوذ از طریق "قانون" میکند. لذا به کمک دوستانی که با رئیس کلانتری ۱ قرابت داشتند، از طریق ایشان بدون هیچ گونه مجوز قانونی تصمیم میگیرند روستائیان را دستگیر نمایند. در ساعت ۲/۳۰ بعداز ظهر باچند نفر مأمور کلانتری، روستائیان زحمتکش را در جلوی چشمان نگران و وحشت‌زده زن‌وفرزندانشان دستگیر کرده و به بازداشتگاه کلانتری یک میبرند.

زن وفرزندان باغبانها به عنوان اعتراض به این اعمال خلاف قانون در لوای "قانون جمهوری اسلامی " در جلوکلانتری یک جمع شده وخواستار آزادی شوهرانشان و مجازات و محاکمه فئودال معروف " محمد خان " میشوند.

شب آن روز چند نفر از روستائیان برای آزادی باغبانهای دستگیر شده حاضر بدادن ضمانت شدند، لکن افسر کشیک گفته بود که دستور است که اینها تا صبح در زندان بمانند وهیچ گونه ضمانتی پذیرفته نمیشود.

درست است که محمد خان فئودال کثیفی است، ولی دستور جناب سروان است.

همسران باغبانهای دستگیر شده با سرسختی تمام به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. ومسئولین که کارخلاف خود را دیدند و اوضاع را وخیم می بینند، با " خان " تماس میگیرند و باقرستادن ۲ ماشین پلیس خان را تاکلانتری ۱ اسکورت میکنند.

" خان " برای تطمیع با روستائیان صحبت میکند، ولی روستائیان میگویند تا روشن شدن وضعمان در اینجا می مانیم، خلاصه با وساطت چند نفر باغبانهاقبول به بیرون آمدن از بازداشتگاه میکنند و میگویند، ماخان را به زمین راه نمیدهیم. زمین مال ماست. ماکار نمی کنیم که او بخوره و حاصل دسترنج ما را عیاشی کند.

لازم‌به توضیح است که‌تمام این اعمال بدون حکم دادستانی و مجوز قانونی صورت گرفته است. ولی مسئولین کلانتری یک برای عوامفریبی اظهار میدارند که از دادستانی انقلاب حکم بازداشت گرفته‌اند. ولی درتماسی که با دادستان انقلاب گرفته شده، ایشان منکر این مسئله شده و گفته‌اند، آنها خودشان اقدام به دستگیری کرده و پس از تکمیل پرونده‌آنرا به دادگاه ارسال کرده‌اند. دادگاه انقلاب روز سه شنبه ۵۹/۳/۶ روستائیان رابرای بازجوئی‌به دادگاه میخواهد.

در این رابطه ما بعد از آزادی روستائیان در باغ مربوطه با آنها به گفتگو نشستیم و این حاصل صحبتهای ما با آنهاست:

سید حسین حسینی ۴۵ ساله میگوید از سال ۲۷ با روزی ۷ ریال شروع به بیکاری برای ارباب کرده‌ام وتا سال گذشته مزد من به روزی ۲۵ تومان رسید که با اعتراضات مکرر امسال به ۵۰ تومان در روز رسیده است.

سید حسین: ما از صبح وقت اذان تا ۹ شب برای ارباب کار میکردیم آن موقع ارباب علی اکبر خان پدر محمد خان بود علی اکبر خان دوست‌صمیمی ارتشبد نصیری معدوم بود که برای خوش خدمتی ۳۰۰ هکتار از ۱۳۰۰ هکتار زمین در تیرتاش به ارتشبد نصیری هدیه کرده بود. ماهر وقت برای حقوق اعتراض میکردیم که حقوق ما کم است ما راتهدید به مرگ میکرد میگفت: شمارااز زمین بیرونتان میکنم خانه هایتان را آتش‌میزنم و یکسری بدو بیراه و فحش نثارمان میکرد. آن موقع اگر یک نفر اعتراض میکرد او را به میدان ده با فروجک میآوردند و صد ضربه شلاق میزدند ما ها رابزور کار می کشید و هر بلائی میخواست سرما میآورد علی اکبر خان یک قصر بزرگی درمانروجک داشت اونوی ده مامثل یک شاه بود و در بی‌عفتی دست کمی از او نداشت و هر وقت به ده میآمد چند دختر روستائی موظف به پذیرائی از او بودند. در سال ۴۴ دو هکتارزمین راکه روستائیان برای کدراندن زندگی خانواده‌ام به من داده بودند گرفت محمد کلبادی بعد از پدرش وارث تمام کثافتکاریها و جنایات او شد. همه کارگران شاهدند که این باغ را ما آباد کردیم در سال ۱/۵ سلیون تومان محصول بفروش میرساند و ما بهره‌ای از آن نداریم بزبروز که میخواستیم حقمان را بگیریم باز مثل قبل رفته باآن زدو بندهاش آجودان برایمان آورده انکار ما قبل کرده‌ایم.

بار محمد بار سرواری ۷۵ ساله میگوید: ۱۵ سال است روی زمین جان کندم با ماهی ۱۵۰تومان‌شروع کردم بارسال ماهی ۳۰۰ تومان میگرفتم ولی با اعتراضات زیادامسال ماهی ۹۰۰ تومان میگیرم باخندین عائله میگوید یکروز میخواستیم جمعه را تعطیل کنیم علی اکبر خان آمد باجمعه کار کنید یا بروید بیرون سه نفر از باغبانها را بنام محمدی‌وسهراب اسبابهایشان را بیرون ریخت و بیرونشان کرد. او در حالیکه دستهاو باهایش را نشان میدهد میگوید: ببین همه بوسیده‌اند. با اینجا هرچه کار میکنیم‌او میبرد، ماهی ۳۰۰ هزار تومان وبلا اجاره میکند.

حسین بندری ۵۵ ساله: ما هفت سال در این زمین بیکاری میکنیم درخت کاشتیم باغ را آباد کردیم باغ محصول داد موقع پول که میشد پولس رامیگرفت وهیچ به ما نمیداد جرح وکردی عرق خوری و دیگر کثافتکاریهامیکرد ماهی ۳۰۰ تومان به ما میداد شب و روز گرسنگی میکشیدیم صبح تا شب کار میکردیم روز ۱۸ دی من سر ساختمانش بودم جوش‌ی و دیگران ۴۰ روز روی ساختمان کار کردیم آنروز تظاهرات بود و انقلاب ما بود روزی بود که چند نفر شهید شدند روز بعد ارباب گفت چرا دیروز نیامدی گفتم رفته بودم انقلاب کنم از زیر بار ستم سماآزاد شوم با شجاعت‌گفتم رفته بودم تظاهرات ارباب با ناراحتی سرم داد کشید و گفت شما هستید که کشور را خراب میکنید دنبالم کرد و چندسیلی به من زد او میگوید حالا در زمان انقلاب میخواهیم حقمان رابگیریم ما را زندان میبرند و می‌گویند برای ارباب کار کن آخه ما برای امام کار میکنیم ما برای مردم کار میکنیم نه برای فئودال که برود امریکابولها راخرج وعیاشی کند.

ما از بس که حقوقمان گفاف نمیکرد بانهای خشک اکبر جلوکبابی را به خانه میآوردیم و میخوردیم.

شهیدی رجب دهقانپور ۶۵ساله: حدود ۱۸ سال کار میکنم ماهی ۲۰۰ تومان میگرفتم ۴ سال قبل‌ارباب محمد خان با ماشین آمد توی باغ و بوق زد من توی اطاق نشسته بودم نشنیدم آخه من گوشم سنگین است و خوب نمی شنود آمد چهار تا پنج تا لگد به پهلویم زد کارگرها مرا به بیمارستان بردند پهلویم شکسته بود عکس گرفتم ۷۰۰ تومان خرجش شد هنوز خوب نشدم وقتی پرسیدیم چرا زد جواب میدهد ارباب موقع زدن میگفت چرا باماشین آمدم بلند نشدی و تعظیم‌نکردی گناهم این بود که فقط بوق را نشنیدم.

بدیل پارسا ۴۴ ساله اهل رابل‌میگوید: ۲ سالی است روی زمین کار میکنیم، ماهی ۷۵۰ تومان، ارباب خیلی ظلم بما میکند. ۱۱ سرعائله دارم.

یک روز درمان میروم قهوه خانه "دروازه بابل" ۲۰ تومان میدهم‌و یککیسه نون پس مونده خشک را میخرم تا بچهایم بخورند و شکمشان سیر شود.

● حالا که در زمان انقلاب میخواهیم حقمان را بگیریم ما را زندان میبرند و میگویند برای ارباب کار کن آخه ما برای امام کار میکنیم ما برای آمریکا علیه امریکا کار می کنیم ما برای مردم کار می کنیم نه برای فئودال که برود پولها را خرج عیاشی کند

چراچهل نفراعضاء جهادسازندگی مجبور به‌استعفا شدند

" میخواهند نور خدا را با دهانهاشان خاموش کنند اما خدا کامل‌کننده نورش است اگر چه مشرکان را ناخوش آید. (قرآن مجید)

واقعیت این است که نیروهای انقلابی و مؤمن به اسلام راستین را از صحنه جامعه میرانند، چگونه و با چه دستی‌و چرا؟ با اظهار اینکه در خط امام نیستند وبا سوء استفاده از سادگی عوام و بسیج آنان بشکل چماق بدست و غرض از کارشان انحصارطلبی و در پشت همه این قضایا کارگردان برتجربه امپریالیسم توطئه گر را مشاهده میکنیم...در تاریخ ۱۵ / اردیبهشت جاری هیئت اجرائی انتصابی! جهاد سازندگی کرمان به سیرجان اعزام شدند تااعضاء جهاد سازندگی سیرجان را که می‌گفتند! در خط‌امام نیستند، و نشریه امت رامطالعه و سیر مطالعاتی دکتر پیمان را تکثیر نموده‌اند تصفیه! کنند. تصمیم رااز قبل گرفته بودند و توضیح و مذاکره کمترین اثری را نداشت. میگفتند شما در خط‌امام نیستید، گفتیم: کسانیکه در عمق دور افتاده ترین‌روستاها با فعالیت شبانه روزی سعی در خدمت به خدا و خلق و رضایت روستائیان وامیدوار کردن مردم به انقلاب اسلامی دارندچگونه در خط‌امام نیستند؟ و گفتیم که‌عملکرد ما در جهت منافع مستضعفین و برخلاف میل مستکبرین (فئودالها ـ خانها ـ سرمایه دارها و ساواکیهای ناشناخته وعوامل ضد انقلاب در ادارات و دشمنان قسم خورده و زخم برداشته از انقلاب اسلام و...) بوده و خواهد بود.

گفتند شما روحانیت را قبول ندارید، گفتیم: حساب روحانیتی که در همه نهضتها مشعلدار آزادی و امید توده‌ها بوده و هست‌و همیشه وفادار میماند از روحانیتی که بقول امام خطرش‌از ساواکی بدتر است جداست. و گفتیم این دونفر که برای هیئت اجرائی‌انتصاب! میکنید ضمن اینکه هیچکدامشان در امور جاری جهاد سازندگی اطلاعی ندارند بعلاوه هیچ تخصصی برای قسمتهای کشاورزی ـ لوله کشی ـ لایروبی قنات و ساختمان سازی و امور عشایر و دیگر امور تخصصی جهاد سازندگی ندارند و با این انتصاب، فقط مردم چوبش رامیخورند اما اظهارات و بحث ما کمترین اثری نداشت زیرا تصمیم رااز خیلی قبل گرفته بودند ویا برایشان گرفته بودند و خیلی هم عجله داشتند چرا که وقت زیادی نیز به انتخابات مجلس شورا نمانده بودو کاندیدای جهاد سازندگی که عضو هیئت اجرائی انتخابی مانیز بود میبایستی هر چه زودتر در مقابل کاندیدای حزب کنار زده شود. و بالاخره هیئت اجرائی انتخابی کارکنان جهاد سازندگی را که جز صداقت‌واعتقاد به انقلاب اسلامی و خدمت به خداو خلق گناه دیگری نداشتند کنار زدند و افراد مذکور را منصوب نمودند. و ماچهل نفر اعضاء جهاد که قریب یکسال در این ارگان فعالیت داشتیم باتوجه به این عمل‌ضد اسلامی مجبور به استعفا شدیم زیرا بی تفاوتی در مقابل اینگونه اعمال مغرضانه و ناشیانهٔ انقلاب اسلامی را به انحطاط خواهد کشید.

چنین به نظر میرسد که‌مسخ کردن ارگانهای انقلابی و سازندگی ومتشنج کردن محیط زندگی مردم و جریاناتی مانند حمله چماق بدستان به سازمانهای سیاسی و فرهنگی وسازندگی ازتوطئه های امپریالیسم امریکا میباشند که توسط عمال داخلیش بدست نیروهای مغرض ویا ناآگاه اجرا میشود. که متاسفانه‌مسئولین علیرغم همه تقاضاها و شکایتها تابحال هیچگونه تدبیری اتخاذ ننموده و واکنش روشن و مشخصی را در مقابل اینگونه اعمال شیطان پسندانه از خود نشان نداده‌اند، شاید مصلحت کارشان! برهمین است.

اعضاء مستعفی جهاد سازندگی
سیرجان

بقیه از صفحه ۱

ازخرمن‌هادربرابرضدانقلاب...

کارشکنی‌ها ادامه یافت. طرح ملی کردن صنایع و مصادره سرمایه سرمایه‌داران وابسته با سازشکاری اعضا و مسئولان دولت به کندی وباضعف‌تمام پیشرفت کرد و طرح اصلاحات ارضی با مخالفت گسترده مالکان و عده‌ای از روحانیون مواجه گردید. در همه جا فریاد تقدس مالکیت و نامحدود بودن سرمایه و ثروت سر داده شد و تعالیم آزادیبخش و عدالت پرور اسلام به عنوان فقه کمونیستی بباد انتقاد گرفته شد.

فشار همه‌جانبه خلق و نیروهای متعهد و حمایت و هشیاری روحانیون مترقی نگذاشت این طرح بکلی شکست بخورد. ولی تبلیغات مالکان و سرمایه‌داران و مرتجعین و حملات همه‌جانبه آنان علیه این طرح و اسلام اصیل و حامیان آن قطع نگردید.

جنبش مسلمانان مبارز که از آغاز انقلاب پرچم مبارزه با سرمایه‌داری وابسته و مالکیتهای نامشروع و فئودالی را برافراشته نگاه داشته بود، زیر فشار تهمت‌ها و حملات سازشکاران و مرتجعین و سرمایه‌داران و ملاکین قرار گرفت. برای لوث کردن شعارهای اصیل اسلامی، اتهام کمونیستی ساده‌ترین حرفی بود که دائما" تکرار می‌کردند. سرمایه‌داران پول تبلیغات و چاپ جزوات باصطلاح افشاگریها راتامین کردند تا در میلیونها نسخه در سراسر کشور و حتی روستاها توزیع شود و به این وسیله چهره عناصرمبارز و انقلابی در میان توده مخدوش گردد و مردم از آنان سلب اعتماد کنند و حرفشان و پیامشان بی‌اثر بماند.

وقتی هماهنگی ومشارکت همه عناصر مرتجع و سازشکار و مالک و سرمایه‌دار را در این مبارزه تبلیغاتی علیه اسلام اصیل و چهره‌های انقلابی مسلمان می‌بینیم به انگیزه مشترک آنان پی می‌بریم. متاسفانه زیر فشار این نیروها تصویب‌نامه‌هایی به نفع مالکان به تصویب رسید و مستمسکی بدست مالکان و مرتجعین برای فشار روی دهقانان داد. چنانکه در بسیاری نقاط مالکان متجاوز در برابر دهقانان و برادران متعهد و مسلمان ما در سپاه پاسداران و جهاد سازندگی کشاخانه می‌ایستند و مانع از پیشرفت کار آنان می‌گردند. مالکان و خوانین دست بدست عناصر وابسته‌را و وابسته و سازشکاران تهاجم تبلیغاتی وسیعی در دفاع از مالکیتهای نامشروع و سرکوبی دهقانان و برادران سپاهی و سایر جوانان متعهد آغاز کرده‌اند و با نزدیکتر شدن فصل برداشت محصول تهدید آنان جدی‌تر شده، برنگرانی دهقانان افزوده میشود.

سخنگویان این نیروها و مدافعان منافع طبقات مالک و سرمایه‌دار تعالیم نجات‌بخش اسلام را درباره زمین ـ کار و سرمایه که می‌نوشتیم و تبلیغ می‌کردیم التقاطی، انحرافی و کمونیستی خواندند. گفتند و نوشتند که در اسلام ثروت و سرمایه حد و حصر ندارد و مالکیت نامحدود است و هر کس می‌تواند هر مقدار زمین داشته باشد بی‌آنکه شخصا" آنرا کشت کند وقتی‌نوشتیم در اسلام زمین باید در اختیار کسی باشد که روی آن کار می‌کند و پیامبر در بدو ورود به مدینه فرمودند، هر کس زمین اضافی دارد که شخصا" کشت نمی‌کند، یا زمینی دارد که کشت نمی‌کند، به‌برادرش ببخشد. وقتی نوشتیم در اسلام استثمار نیست، سود به سرمایه تعلق نمی‌گیرد و زمین قابل خرید و فروش نیست مگر اعیان و مورد احیا شده و همه را به منابع اصل فقهی مستند کردیم، باز هم دست برنداشتند و باران تهمت و افترا بر سرما ن باریدند.

آنان حتی به نوشته‌ها و گفته‌های علمائی که لااقل در ظاهر مورد قبولشان هست بی‌اعتناء بودند و هستند. وقتی از جامعه بی‌طبقه توحیدی صحبت می‌کردیم آنرا التقاطی گفتند ولی نشنیدند که مرحوم مطهری هم در یکی از سخنرانیهای بعد از انقلاب جامعه توحیدی را بی‌طبقه توصیف کرد و بشدت تاکید کرد که اگر انقلاب اسلامی در برقراری عدالت و برابری و نفی استثمار شکست بخورد، انقلاب بکلی شکست خورده است و با نمی‌شنوند که همان تعالیم اسلام که ما تبلیغ میکردیم و آنرا التقاطی خواندند، امروز از زبان فقهای بزرگی چون آیت‌الله مشکینی مورد تائید است.

شنیدیم که ایندوروحانی و دیگر روحانیون مترقی و غیروابسته به سرمایه‌داران و مالکان بصراحت گفتند و نوشتند که زمین متعلق به کسی است که روی آن کشت می‌کند و کشت متعلق به زارع است و هر کس زمین را کشت نکرده رها کرد حق او سلب می‌شود. و سرمایه‌ای که بااستثمار بدست آید حرام است و حکومت اسلامی و ولی‌امر حق دارند حتی مالکیتهای بسیار کوچک رااگر مضر بحال جامعه دیدند لغو و مصادره کنند.

این اصول نشان‌می‌دهند که‌گفته و نوشته بعضی روحانیون و فقها که هر نوع مصادره اموال را خلاف شرع می‌گفتند و یا هر نوع مالکیت را بطور نامحدود مشروع قلمداد می‌کردند و روابط استثماری را عملا" در رابطه سرمایه و کار تائید و امضاء می‌کردند یا می‌کنند، تا چه اندازه از اسلام اصیل بدورند و با این سخنان مستمسک به دشمنان اسلام و به مالکان و سرمایه‌داران می‌دهد تا بر ضد انقلاب و منافع خلق و اسلام فعالیت و تبلیغ کنند.

افزایش چشمگیر محصول کشاورزی در

بقیه در صفحه۳

فشارهمه‌جانبه‌حلق‌ونیروهای‌متعهدوحمایت‌وهشیاری‌روحانیون‌مترقی مانع‌ازشکست‌طرح‌اصلاحات‌ارضی‌شد

لغومالکیت‌های‌فئودالی،خواست‌توده‌های‌دهقانی‌است

کارخانه‌خانهٔ‌سازی اهواز

کارخانه خانه‌سازی اهواز حدود ۱۰۰۰ نفر کارگر دارد که اکثر آنهاکارگران بیسواد و یا کم‌سواد هستند و از برادران خلق مسلمان عرب می‌باشند. کارخانه در کیلومتر ۲ جاده اهواز اندیمشک قرار دارد.

قراردادایّن کارخانه و چهارکارخانه دیگر توسط ارتشبد طوفانیان با کشور روسیه بسته شد که چون ارتش قادر به‌راه‌اندازی کارخانجات نبود، به وزارت مسکن و شهرسازی واگذار نمود. وزارت مسکن این پنج کارخانه را بوسیله یک شرکت دولتی به نام شرکت کارخانجات خانه‌سازی ایران به‌اصطلاح اداره مینمود که‌دفترمرکزی شرکت در تهران قرار دارد. (خشت اول‌گر گذارده استادکج، تا ثریا رود دیوار کج) مونتاژ کارخانه به پیمانکار واگذار گردیده‌بود که طبق خصلت پیمانکاری و طبق روال آن زمان روابطی بین مدیرعامل شرکت و پیمانکار برقرار بود، بطوریکه مدیر طرح به جای اینکه ازمهندس ناظر حمایت نمایند

*** مدیریت شرکت کارخانجات خانه‌سازی ایران که متاسفانه دست‌نخورده باقی ماند و از آنجائی که میدیدند که منافعشان در خطر است با دسیسه‌چینی و توطئه‌های گوناگون سعی در ایجاد اختلاف بین کارکنان کارخانه و منتخبین آنان نمودند.**

که مونتاژ کارخانه طبق قرار داد و اصول فنی صورت گیرد از پیمانکار حمایت نموده و به اعتراضات و گذارشات مهندس ناظر توجهی نداشته بطوری که قبل از این که کارخانه آماده بهره‌برداری قرار گیرد، طبق یک برنامه نمایشی‌ترتیب افتتاح کارخانه را در اسفندماه ۵۶ توسط طاغوت اعظم می‌دهد. اینک که بیش از دو سال به اصطلاح از شروع بهره‌برداری کارخانه می‌گذرد، قسمتهای زیادی مونتاژ نشده و قسمتهای دیگر کارخانه بر خلاف اصول مونتاژ شده بطوریکه هر روز کارخانه با اشکالی مواجه می‌گردد. ۴۰ نفر کارشناس روسی در کارخانه مشغول بکار بودند که پس از انقلاب به ۱۸ نفر تقلیل یافتند. کلیه قطعات یدکی کارخانه باید از روسیه تهیه شود حتی کوچکترین پیچ ومهرهٔ آن حتما" باید از روسیه وارد شود. حال گذری به وضع‌تولید کارخانه پس از افتتاح: کارخانه با تولید ناچیزی در حدود ۳٪ تولید مقرر شروع به کار نمود. از آنجائی که سیاست دولت‌مردان و دست‌اندرکاران دست‌یابی به مقاصد شوم خویش و غارت و چپاول ثروت ملت ستمدیده بود، توجهی به وضع تولید و حتی مدیریت کارخانه نکرده و هر کدام از حضرات بفکر غارت از این خوان گسترده بودند، تنها فردی که در آن موقع سرپرستی کارخانه را به عهده داشت و حاضر به همدستی با غارتگران نبود، پس از مدتی کوتاه مورد غضب قرار گرفت، بطوری که شخصا" تقاضای انتقال نمود و شخصی دیگر از طرف مدیرعامل شرکت به سرپرستی کارخانه برگزیده شد که کادر غارتگران را تکمیل نمودو با اعمال ضد مردمی و تشکیل یک هیئت حاکم به کارخانه وضع را به صورتی درآورده بود که‌کوچکترین دخالت و اعتراض برابر است با اخراج از

روحیه انقلابی خود که کمیته کار و امور اجتماعی امام خمینی نیز تماس مستقیم برقرار بود، اکثر مشکلات اولیه توسط کلیه کارکنان و کمیته کار و امور اجتماعی امام برطرف گردید بطوری که پس از مدت کوتاهی کارخانه با همان پرسنل قبل از انقلاب برنامه دو شیفت کارخانه اجرا گردید در نتیجه تولید کارخانه به بیش از دو برابر افزایش یافت و برنامه‌هائی برای بالا بردن تولید و کاهش هزینه صورت گرفت. تعداد کارشناسان به نصف تقلیل یافت. از دیگر کارهائی که توسط کارکنان در زمان کمیته کارخانه صورت گرفت، راه‌اندازی معدن شن و ماسه بود که چندین سال از آن استفاده نشده بودو شن و ماسه مورد نیاز کارخانه از پیمانکار خریداری میشد که در حین خریداری چه کارها که صورت نمی‌گرفت. این نکته قابل ذکر است که در برابر راه‌اندازی معدن شن و ماسه و دیگر کارهائی که توسط کمیته و سرپرست منتخب کارخانه و همکاری همکاران دیگر صورت گرفت، کارشکنی‌های فراوان از جانب دست‌اندرکاران درشرکت‌کارخانجات خانه‌سازی ایران در تهران صورت گرفت که با روحیهٔ انقلابی کلیه کارکنان، این کارشکنی‌ها خنثی گردید. مدیریت شرکت کارخانجات خانه‌سازی ایران (دفتر مرکزی) که متاسفانه دست‌نخورده باقی ماند و از آنجائی که می‌دیدند که منافعشان درخطر است با دسیسه‌چینی و توطئه‌های گوناگون سعی در ایجاد اختلاف در بین کارکنان کارخانه و منتخبین آنان یعنی کمیته‌و سرپرست منتخب آنان نمودند که با هوشیاری کارکنان کارخانه در مرحلهٔ اول موفق نشدند. ولی برای غیرفعال کردن سرپرست کارخانه و کمیته از برآورده‌شدن خواسته‌های مشروع کارکنان خودداری نموده

کارخانه و یا معرفی به ساواک و . . . چیزی که مطرح نبود، تولید کارخانه و مسائل کارگری. پس از پیروزی مرحلهٔ اول‌انقلاب و دستور رهبر عظیم‌الشان انقلاب، کلیه کارکنان در کارخانه حاضر و از هر قسمت نماینده‌ای انتخاب شد که همان روز در اجتماع نمایندگان تصمیمات زیر به مورد اجرا گذاشته شد:

۱ ــ کار از همان روز ۵۷/۱۱/۲۸ شروع شود.

۲ ــ اعضاء ضدمردمی وطاغوتی‌کارخانه طرد گردند.

۳ ــ مسئولین جدیدی بجای مسئولین طرد شده توسط نمایندگان انتخاب شوند..

۴ ــ کمیته شش‌نفری انتخاب‌شده که دو عضو آن مهندس و ۴ عضو دیگرازنمایندگان کارکنان از تاریخ ۵۸/۱۱/۲۵ کمیته شش‌نفری و سرپرست منتخب کارکنان‌فعالیت خود را با همکاری کلیه کارکنان کارخانه با

و توسط عوامل خود به‌کارگران تلقین کرده بودند تا زمانی که این کمیته و این سرپرستی در کارخانه برقرار است خواستهٔ شما برآورده نخواهد شد. واز دسائس دیگر اینکه از تهران و بدون اطلاع قبلی با کارکنان کارخانه، شخصی را بعنوان سرپرست کارخانه به اهواز اعزام نموده که اوائل کلیه کارکنان با ایشان همکاری داشتند تا اینکه ماهیت این شخص بر همگان آشکار گردیدکه عروسکی بیش نیست و علنا" با اصل شورا مخالفت می‌نمود بطوریکه نامه‌ای به وزارتخانه نوشته و ادعا کرده بود که در اهواز کمیته‌ای به نام کمیته کار در کار اجرائی کارخانه دخالت نموده و باعث جلوگیری از فعالیت کارخانه گشته است. از آنجائی که ماهیت شخص مورد نظر برای کارگران روشن شده بود ونتوانست ماهیت‌خود را پنهان نماید، از ادامه کار خودداری کرده به تهران مراجعت نموده و برای سرپوش نهادن به ضعف خود علت عدم ادامه کارش را درگیری قبیله‌ای کارکنان کارخانه و مسلح بودن افراد در محل کار قلمداد کرده بود که این دروغ محض‌است و چنین برنامه‌ای در کارخانه نبود. پس از آن کارخانه حدود ۳ ماه فاقد سرپرست و یا مدیر بود وکارخانه توسط اعضاء شورا اداره می‌شد و هر ماه دو نفر از تهران ماموریت می‌یافتند که حقوق کارکنان را پرداخت نمایند و به تهران برگردند تا اینکه بعدا" بدون هیچ‌گونه تماس با کارکنان کارخانه و مشورت، پنج نفر به مدت ۳ ماه ماموریت یافتند که با آمدن این پنج نفر مهندس،نه‌تنها دردی را درمان نکرد بلکه مشکلات پیچیده‌تر گشت بطوری که بی‌نظمی در سطح کارخانه روزبروز افزایش یافت درعوض تولید روزبروز تنزل یافته، سه ماه ماموریت گذشت و ماموریت ۳ ماههٔ دیگری برای پنج‌نفر دیگر نوشته شد و از تهران به اهواز اعزام شدند، گویا قرار است هر سه ماه چند نفر را به کارخانه بفرستند تا . . . .

اما معتقدیم چون سوءاستفاده‌های کلان در کارخانه صورت گرفته (توسط گردانندگان طرح) که هنوز در راس امور در وزارتخانه قرار دارندکه سعی بر آن دارند که وانمود کنند که‌ادامه کار این کارخانه‌ها صلاح نیست و باعث تعطیل کارخانه‌ها گردند تا سرپوش روی خرابکاریهای آنها گذاشته شود این کارخانه و کارخانه‌های مشابه موقعی می‌توان روی آنها حساب کرد که ۱) افرادی خدمتگزار و صادق به سرپرستی آنها منصوب شوند. ۲) کارخانجات در محل توسط استانداری هر منطقه و با وزارت مسکن محل زیر نظر قرار گرفته، تفویض اختیار گردد. ۳) طرح آپارتمانی متوقف و بصورت ویلائی ساخته شود که ده‌ها بار پیشنهاد شد، کو گوش شنوا ــ مونتاژ قسمتهائی که هنوز آمادهٔ بهره برداری قرار گرفته ۴) ــ از کلیه امکانات کارخانه که تا بحال بلا استفاده‌بود و میتوان جدول، موزائیک، لولهٔ سیمانی، بلوک سیمانی، عایق حرارتی و . . . تولید کرده استفاده شود. ۵) تغییر در ترکیب بتون و تغییرات اساسی در مسلح نمودن بتون و قطر دیوارها. ۶) کلیه کسانی که در گذشته

بقیه درصفحه ۹

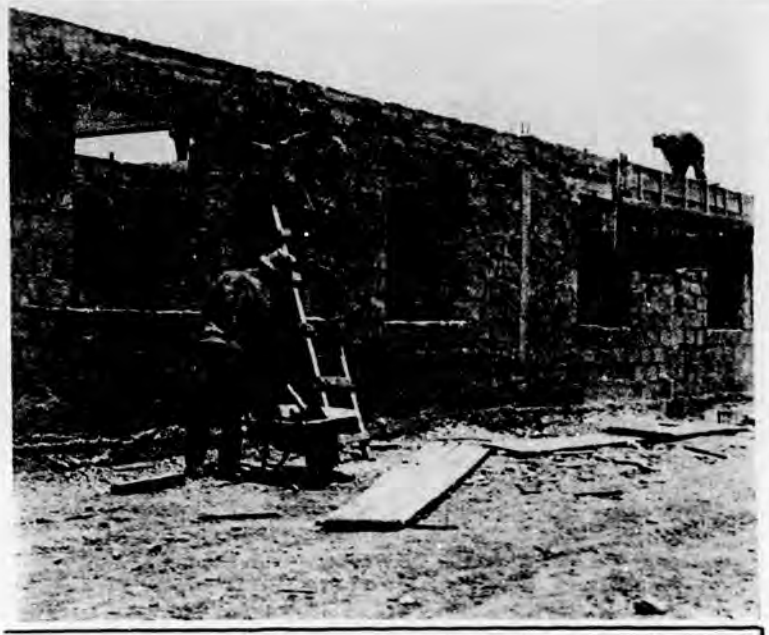

راه حل روبنایی و غیربنیادی دولت

در تاریخ ۵۹/۱/۲۸ بخش نامه‌ای از سوی شورای عالی کار صادر شد که مبنی بر افزایش حداقل حقوق کارگران از پانصد و شصت‌و هفت ریال به ششصد و سی و پنج ریال بود. براساس ضرورتی که در شرایط حساس کنونی مطرح میباشد واینکه کارگران آگاه و مسلمان باید نسبت به تمامی بخش نامه های صادر شده از سوی وزارت کار و یا شورای انقلاب ورئیس جمهور موضعی کاملا" مشخص داشته، آگاهانه وموشکافانه این بخش نامه ها را بررسی کرده در صورت لزوم انتقادات و اعتراضات خود را به گوش مسئولین امر برسانند، برآن شدیم که نکات مهمی که از مطالعه و بررسی این بخش نامه بنظر ما رسیده است. برای کارگران آگاه و انقلابی طرح کرده، بخش نامه را تحلیل کنیم.

۱ ــ یکی ازاهداف اصلی انقلاب اسلامی نابودی پایه ها ونهادهای نظام وابسته و شاهنشاهی‌و ایجاد محیطی جهت رشد و شکوفائی نهادهای انقلابی جهت تحقق حاکمیت الله بوده ومیباشد. تمامی تلاش ملت قهرمان ونیروهای مکتبی در این جهت بوده است که ارزشها و معیارهای

● یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی نابودی پایه‌ها و نهادهای نظام وابسته و شاهنشاهی و ایجاد محیطی جهت رشد و شکوفایی نهادهای انقلابی جهت تحقق حاکمیت الله بوده و می‌باشد

نظام شاهنشاهی فرو ریخته وارزشهای مکتبی ونوینی جایگزین آن شود. اما انقلابیون بعد از انقلاب و میوه چینان آن، بدون توجه به این اهداف و خواستهای اصیل، با اسلام نمائی و خمینی نمائی خودرا در صف اول انقلاب جا زدند و در مصادر امور قرار گرفتند. که باتوجه به روش‌های محافظه کارانه و سازشکارانه آنان نه تنها نهادهای وابسته به نظام گذشته از بین نرفت بلکه تقویت و مرمت نیز گردید.

یکی از این نهادها، شورای عالی کار میباشد. این سئوال از ابتدای امربرای کارگران مطرح بوده است که چرا شورای عالی کار اسامی اعضای خودرا انتشار نمیدهد، و از این مهمترچرا شورای عالی کار که هدفش بررسی مسائل کارگری است. از سه نماینده دولت‌و سه نماینده کارفرما و سه نماینده کارگر تشکیل یافته است. در حالیکه بطور قطع میبایستی پس از انقلاب

چنین نهادی و چنین ترکیبی بهم میریخت و نمایندگان واقعی کارگران که البته بایستی اکثریت اعضارا تشکیل دهند، به عنوان اعضای شورای‌عالی کارانتخاب میگردیدند.

۲ ــ هدف مسئولین امر از صدور چنین بخش نامه‌ای و افزایش حقوق کارگران، این بوده که در اثر فشار روزافزون تورم و بالا رفتن سرسام آور قیمتها، درمانی وعلاجی برای کارگران و طبقه کم درآمد بیابند. دولتمردان و شورای عالی کار در نظر داشته‌اند بدین وسیله مشکل تورم وافزایش قیمتها را حل کرده بااضافه کردن ۶۸ریال به حقوق کارگران تاحدی از فشارهای اقتصادی بر آنها کاهش دهند. در حالیکه باید بمسئولین امر توجه دهیم که این روشها، همان شیوه ها وراه حل های سرمایه داری است. اضافه کردن حقوق جهت مقابله با تورم مسکن است که حتی باعث بوجود آمدن مرضهای دیگری نیز شده و تورم رانه تنها کاهش نداده بلکه افزایش نیز میدهد. و باید گفت این راه حل ها، راه حل های بنیادی ومکتبی‌نیستندبلکه مستقیما" ازتفکر غربی و لیبرالیستی بر میآید.

۳ ــ در حالیکه در ریشه یابی پدیده تورم، علل و عواملی را می بینیم که بهیچ وجه مورد توجه مسئولین امر قرار نگرفته است. تا مادامی که کشورما به عنوان عضوی از مجموعه سیستم امپریالیستی و سرمایه ــ داری جهانی میباشد و ناموقعیکه سرمایه ــ داری وابسته به عنوان پایگاه اصلی امریکا در کشور ماعمل میکند وضعیت ما را تحت اختیار خویش دارد، نباید انتظار داشت که اقتصادی سالم و متعادل داشته باشیم. چنین تورم هاوافزایش بی رویه قیمتها مستقیما" بازمیگرددبه عملکرد دولت و مسئولین امر وعدم برخورد قاطع با عوامل بوجود آورنده آن یعنی سرمایه داری وابسته و واسطه ها و . . . . بنابراین این روش بهیچ وجه شیوه‌ای بنیادی در حل مشکل تورم نبوده خود باعث بوجود آمدن مشکل لاینحل دیگری نیز میگردد. به اعتقاد ما راه حل بنیادی در کاهش تورم

بقیه درصفحه ۱۳

روستای حاجی‌آباد شیرین‌سو

روستای حاجی‌آباد شیرین‌سو در هفتاد کیلومتری راه مشهد به قوچان، و دربخش چناران واقع شده‌است. عده‌ای‌ازروستائیان این ده مانند بسیاری دیگر از روستائیان کشور زیر ظلم وستم ارباب به ادامه زندگی می‌پرداختند و بسیاری دیگر مجبور به مهاجرت به شهرها و پرداختن به خشت‌زنی و مزدوری می‌شدند. ده دارای موتور آبی است که تا چندی پیش نصف موتور از آن ارباب و نیمی دیگر متعلق به ۲۸ نفر از زارعین بود.

در پائیز سال ۵۸ عده‌ای از جوانان روستا گرد هم آمده و با الهام از سخنان امام، بر علیه مالکان و اربابان بپاخاسته و پس از گرفتن نصف دیگر چاه از ارباب به کشت زمین‌ها پرداختند و از پشتیبانی جهادسازندگی وعده‌ای از برادران مؤمن به انقلاب اسلامی نیز برخوردار شدند. در این میان مالکان و اربابان بیکار ننشستند و با بسیج چماق‌بدستان و یا آوردن‌افراد ژاندارمری سعی در ایجاد وحشت در مردم و رودررو قراردادن آنها داشتند. و دست‌آخر نیز به تشکیل دادگاهی برای محاکمه و به زندان انداختن جوانان دست زدند که دخالت جهاد سازندگی مانع از زندانی‌شدن ۳ نفر از نمایندگان اهالی روستا گردید.

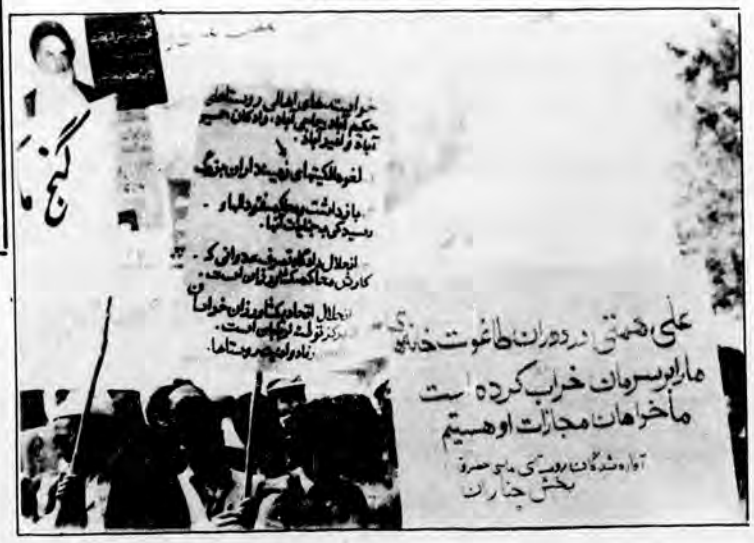

جهادسازندگی بخش چناران مبادرت به دادن وام و کود به عده‌ای از روستائیان بعنوان سرمایه اولیه برای شروع بکار نموده است که عملا" این مبلغ کفاف مخارج کشت و زرع را نمی‌نماید. و ادارات دولتی بخصوص بانک توسعه کشاورزی، و تعاون نیز جز پرداخت وام‌های هنگفت به فئودالها و مالکین برای دادن وام به کشاورزان زحمتکش گامی برنداشته‌اند.

مردم‌این آبادی از حداقل امکانات رفاهی و بهداشتی نیز محروم بوده‌ودر موقعیت بسیار ناهنجاری زندگی می‌کنند.

بدلیل کمبود آب آشامیدنی ازآب شور موتور می‌آشامند که باعث بیمار شدن آنها می‌گردد. در زمستان برای بدست آوردن آب باید مسافتی قریب یک کیلومتر را طی نمایند تا از آبهای جمع‌شده در گودالها تغذیه کنند و در گرمای تابستان هم برای دست‌یابی به آب شیرین باید مسافت‌های دور را که گاهی سه تا چهار ساعت می‌انجامد، طی نموده‌و با الاغ و مشکوله آب را به آبادی بیاورند. بدلیل همین کمبود آب، ده فاقد حمام می‌باشد و اهالی برای حمام کردن اجبارا" به دهات اطراف می‌روند.

مدرسه ده فاقد در و دیوار بوده و عملا" در فصل سرما نشستن بچه‌ها را در پشت نیمکت‌ها غیرممکن می‌سازد و از مسجد ده نیز فقط برای مواقع عزاداری یا برای ذکر مصیبت ویا نوحه خوانی ــ سینه زنی استفاده می‌شود.

بدلیل کمبود امکانات اولیه زندگی مردم ده سرگرمی نداشته و اغلب به گرد هم جمع شده به کشیدن تریاک می‌پردازند که‌آثار این اعتیاد در چهره‌های دردکشیده بسیاری از آنها قابل مشاهده است.

این چشم‌اندازی کوتاه از وضع مردم ده حاجی‌آباد بود که سرنوشت آنها جدای از سرنوشت دیگرروستائیان ومردم‌ستمدیدهٔ کشورمان نمی‌باشد.

پیروز باد مبارزات بی‌امان کشاورزان و دهقانان بر علیه مالکان و زمینداران و حامیان آنها

یکی از اهالی روستای‌حاجی‌آباد

مباحث ایدئولوژیک

دکتر حبیب الله پیمان

انقلاب در پرتو مکتب

سنتها در تاریخ (۱۲)

یک روی سکه تاریخ

ایدئولوژی و جهان بینی حاکم در یک نظام استکباری ـ دقیقاً در خدمت منافع حیاتی و مصالح مستکبرین است و یا از منافع و انگیزه های آنان سرچشمه می گیرد

وقتی به وقایع تاریخ نگاه می کنیم، بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها منشاء و محرکی جز انگیزه های مادی برای کسب قدرت و مال نداشته‌اند ـ صفحات تاریخ گذشته را بیشتر شرح جنگها بین شاهان، سلاطین و امپراطوران و اربابها پر می کنند.

وقتی خوب دقت میکنیم معلوم میشود در همه جوامع کهن مردم به دو بخش اصلی تقسیم میشدند: ـ حکمرانان و صاحبان قدرت و پول وتوده های فرمانبردار ـ بصورت برده، رعیت، مزدور، و نظایر آن، جنگها وستیز ها غالبا" بین داوطلبان قدرت و سلطنت و جویندگان مال و ثروت رخ میداده است. درست است که لشکریان وسربازان را بردگان و رعایا و توده های محروم ومستضعف تشکیل میدادند، درست است که سربازان یعنی محرومان یکدیگر را میکشتند وسرزمین های یکدیگر را غارت میکردند، ومردمانش را به بردگی میبردند، لکن جنگ در حقیقت بین دو رقیب، دو گردنکش ومتجاوز ـ دوشیفته قدرت و حریص برمال و ثروت یا دو گروه رقیب در می‌گرفته است ـ آنان برای تصاحب ثروتها وانسانها با یکدیگر می جنگیدند و برای پیشبرد مقصود توده ها را بجلو می انداختند و گوشت دم شمشیر یا دم توپ می ساختند ـ هر دو این معانی برای جباران وسرداران یا پیروزی بود یا شکست ـ کسی که پیروز میشد گوی قدرت را می ربود و به کمک آن بر سرزمینی یا همهٔ ثروتها و آدمهایش تملک پیدا میکرد وآنکسی که‌شکست میخورد اگر کشته نمیشد و به اسیری در نمی آمد به تجدید قوا برای یورش تازه دست میزد ـ اما برای توده های محروم، سربازان و بردگان، در هر صورت جز شکست نصیبی نبود، یا کشته میشدند یا اسیر و به بردگی و مزدوری و بیگاری کشیده میشدند ـ فرق نمیکرد کدام طرف پیروز شود آنان در هر حال رعیت و برده و مزدور و زیر سلطه باقی میماندند. دراین کشمکش‌ها و لشگر کشی ها، محرک اصلی، تمایلات و خواسته های سران و حکمرانان است ومردم به اجبار ویا به ضرورت به میدان رزم و پیکار کشیده میشوند ـ در حقیقت جنگ بین خواستها و منافع و تمایلات دو گروه متخاصم است که بر آنچه دنبال میکنند و بخاطرش می جنگند آگاهی کامل دارند و توده سربازان غالبا" از هدف وانگیزه اصلی جنگها بی اطلاعند، زیرا بطور معمول شاهان وشیفتگان قدرت‌و پول، هدفهای خودرا در پوششی از آرمانها وایده ال های ظاهر فریب و دروغین پنهان میدارند وآن پوسته کاذب راانگیزه بسیج توده‌ها قرار میدهند. شعار دفاع از میهن‌و، ، نژاد، قوم و قبیله یا مذهب وعقیده، فراوان مورد استفاده مستکبران برای‌تحمیق واستحمار توده ها قرار گرفته است.

در این نوع وقایع و ستیز ها هر دو طرف کشمکش وتضاد یک انگیزه واحد دارند و برای یک هدف می جنگند ـ اگر چه علیه یکدیگراند ـ آنان از تمایلات سیری ناپذیر نفس حیوانی خویش پیروی می نمایند.

تنازع بقای حیوانی

قبلا" گفته شد که بشر در جریان تطور و تکامل، بطور نسبی از بندهای غرایز کور آزاد میشود و در بخش مهمی‌ازاعمال‌و فعالیت ها آزادی واختیار کسب میکند. پیشاز این تحول‌از جبر به‌آزادی، همانند سایر حیوانات، در فراهم کردن موجبات بقاء و ادامه زندگی، از "حدود" به ندرت تجاوز میکرد ـ هدایت غریزی اجازه نمیداد اقدامی خارج از مصلحت ها و نیازمندیهای واقعی انجام دهد. جبر غریزی او را از تجاوز وانحراف باز می‌داشت ـ به اندازه میخورد و مینوشید و بموقع از خود دفاع میکرد ـ در حقیقت به "حق" خود قانع بود یک قناعت جبری و نه آگاهانه ـ بدیهی است به کمک همان انگیزه های غریزی، در تنازع بقا شرکت می جست، اما حدود این جنگ و ستیز هم معلوم و معین بود واز آن تجاوز نمیکرد. پس از اینکه بشر به مرحله انسانیت گام نهاد ـ آن تمایلات بشری باقی ماندند لکن هدایت غریزی سست گردید ـ لذا در تاءمین وارضاء محرکها و خواستهای خود حدودرا زیر پا گذاشت ـ برخلاف مرحله قبل که بطور غریزی میدانست چه اندازه بخورد و نیازش در چه حدود است، اکنون اگر هم متوجه میشد بدون اراده نمیتوانست در مرز حدود متوقف بماند زیرا حالا که انسان شده است هم جاهل و بلکه جهول است و هم ظلوم، هم نادان است و هم متجاوز، اما این جهل و ظلم نشانه های آزادی و اختیاردر آدمی هستند ولی شخصیت انسان باتصویر فوق کامل نشان داده نشد، روی دیگر مسئله شخصیت وی، استعداد یادگیری وکسب معرفت وقدرت اراده و تسلط برخویشتن و کف نفساست ـ با این دو استعداد که در مرحله انسان شدن بدست آورد در حقیقت آثار روح خدا در وجود او می باشند میتواند "حدود" را بفهمد و رعایت کند ـ یعنی از جهل به آگاهی و از ظلم و تجاوز به عدل برسد.

انسان از آن نظر که بشر است، عملا" نسبت به قوانین زندگی و حدود آن جاهل و در تاءمین خواستها و نیازها و حفظ حیات ـ ظالم است اما بطور بالقوه توان و استعداد آگاه شدن به قوانین هستی و تبعیت از آنها را دارد.

تا وقتی بشر به‌این توانایی ها مجهز نگردیده، زندگی را تنها در مفهوم حیوانی اش میشناسد یعنی حیاتی جز حیات مادی قائل نیست و در حفظ آن تا آنجا که قدرت و امکان دارد پیش میرود و بطور سیری ناپذیری به جمع آوری امکانات مادی حیات می پردازد ـ زیاده طلبی و فزون خواهی اینگونه افراد طبیعتا" با مصالح ومنافع حیاتی بقیه افراد در ضدیت می‌افتد ـ آنان که قدرت بیشتری دارند به تصاحب اموال و منابع طبیعی و حتی استخدام‌و بهره گیری‌از مردم ضعیف تر اقدام میکنند. تصاحب وتملک واستخدام و برده ساختن انسانها از وقتی مطمح نظر افراد قویتر قرار میگیرد که به ارزش کار افراد در تولید اقتصادی و به عنوان ابزار و وسائل قدرت و جلب ثروت بیشتر پی میبرند. از همین جاست که بین افراد قوی در تصاحب اموال انسانها از یکطرف و بین مردم ضعیف و تصاحب شده وغارت شده و اقویا از سوی دیگرنزاع در میگیرد.

نزاع اول همانست که در تاریخ بصورت جنگ و رقابت پنهان وآشکار بین مستکبران جریان دارد و هر کدام که در سپاه و روش های جنگ‌و حکومت کارآمدترند بر دیگران پیروز میشوند و قلمرو حکومت و سلطه خود را توسعه‌میدهند ـ جنگهای پایان ناپذیر بین شاهان و سلاطین، فراعنه، دولتهاو روءسای قبایل و ملوک ـ الطوایف و قدرت‌های امپریالیستی‌از قدیم الایام تا امروز رخ داده و میدهد ریشه در فزون طلبی وسرکشی و جهان بینی حیوانی افراد دارد آن نوع جهان بینی که برای حیات مفهومی جز حیات حیوانی و جسمانی نمی شناسد و لذا برای‌تقویت‌و دراز کردن آن با تمام قوامیکوشد.

شعار دفاع از میهن، نژاد، قوم وقبیله یامذهب و عقیده، فراوان مورد استفاده مستکبران برای تحمیق و استحمار توده‌ها قرارگرفته است

نزاع دوم بین توده های‌محروم و به بند کشیده و شاهان و مالکان واربابها پدید می آید ـ ضعیف گشته ها که از حق حیات یا بهره مندی از امکانات حیات محروم مانده‌اند در هر فرصت که پیش آید به مقابله برمی خیزند و برای بهتر کردن زندگی، آزاد شدن‌از بردگی و گرفتن حق طبیعی خود تلاش و مبارزه میکنندو دست به اسلحه میبرند. این افراد هم انگیزه‌شان در قیام و جنگ، دفاع از انگیزه‌ها و خواستهای حیات حیوانی است و در همان چارچوب فکری تلقی از حیات می اندیشند و عمل‌میکنند. اینهم نزاعی است حیوانی و برای‌زنده ماندن. از آن نوع که حیوانات ضعیف تـر در صحنه طبیعت در برابر حیوانات قویتر انجام میدهند. بطوریکه اگر افرادی از این‌مردم احیانا" بتوانند اربابها راشکست بدهند و قدرت را در دست بگیرند چون متاءثر از محرک‌های مشابهی هستند، پس‌از بقدرت رسیدن همان میکنند که اربابان میکردند ـ بر همان شیوه حکومت میکنند. به فزون ـ خواهی وتجاوز و جمع آوری مال و ثروت می پردازند ـ با افزایش قدرت به سرزمین‌های دیگر دست اندازی میکنند و مردمان رابه بردگی و مزدوری گرفته تحت استثمار قرار میدهند.

پس نیروی محرکـه هر دو نوع نزاع و تنازع فوق، میل به حفظ وگسترش حیات و بقاو پرهیز از مرگ و نیستی است ـ پیش از آنکه مفهوم دیگری از حیات بدست آورند ـ بدیگر سخن بشر قبل از اینکه بقدرت اندیشه و به مفهوم دیگری از حیات دست بیابد و پیش از آنکه قدرت تسلط بر خویشتن کسب نماید و هدفهای عالی‌تری در زندگی اش‌واقعیت پیدا کند ـ کاری و انگیزه‌ای جز پی گیری خواستهای پایان ناپذیر حیات مادی و جسمی ندارد ودر این راه به ظلم و تجاوز و در نتیجه جنگ‌و نزاع با دیگران دست میزند. این نوع نزاع و تضاد بین افراد از همان روز نخست وجود داشته است و تحول و تغییر در شرایط زندگی تدریجا" موجبات تضادها و نزاع های تازه‌ای رافراهم میساخت ـ مثلا" د رمرحله‌ای که غذا راازجنگل و صحرا و دامن طبیعت جمع آوری میکردند و با صید حیوانات سد جوع مینمودند و قاعدتا" دلیل و محرکی برای استخدام و برده ساختن افراد در دست نبود ـ زیرا تحت آن شرایط یکنفر بسختی میتوانست بیش از نیاز خود جمع آوری کند. لذا همه مجبور بودند در کار تهیه غذا و مسکن شرکت کنند ـ در این مرحله ظلم و تجاوز افراد قویتر در جلوه ها و زمینه های دیگری ظهور مینمود ـ اما پس‌از آنکه افراد به تولید غذا ـ دامپروری و زراعت پرداختند و قدرت تولید یکنفر افزایش پیدا کرد وتوانست بیش از نیاز خود تولید و تهیه کند اقویا متوجه اهمیت وارزش کار افراد شدند در نتیجه ضعیف ترها واسیران جنگی را، استخدام یا به بیگاری واداشتند، آنان بدلیل‌قدرت برتر از لحاظ جسمی یا سنی ویا موقعیتی که در خانواده و قبیله داشتند میتوانستند بر دیگران تسلط داشتند آنانرا به انجام دستورات و برآوردن خواستهای خود وادارکنند ـ برتری‌درقدرت بدنی ضمن شکار وصید وجنگ ونزاع یا برداشتن سنگهای بـزرگ معلوم میشد بزرگترها غالبا" علاوه بر قدرت بدنی تجربیات بیشتری نسبت به بقیه داشتند و این خود امتیاز دیگری محسوب میشد ـ پدرها که رئیس خانواده بشمار میآمدند معمولا" هر دو امتیاز را داشتند ولذا تبعیت از آنان تدریجا" سنت و قاعده شدو روءسای قبیله هم به همین نحو بر همه افراد خویش حاکمیت می یافتند. بدیهی است که‌در آن جوامع و حتی در درون خانواده ها همیشه رقابتی بین کسانی که از لحاظ جسمانی یا" سنی (تجربه) قدرت بیشتری داشتند جریان داشت که به نزاع ها و خصومت های درونی برای کسب قدرت و برتری منجر میگردید ـ پس‌از هر نزاع و ستیز آنکس که پیروز میشد، همه اموال وآدمها را تصاحب میکرد ویا در اختیارخویش میگرفت و دیگران‌ناچار از اطاعت‌از وی بودند.

همانطور که اشاره شد عامل همبستگی افراد در یک خانواده و یا یک قبیله به تنهائی در منفعت مشترک، مادی منحصر میگردید، ارتباط ارگانیک و هم خونی و پیوندهای حیاتی ـ بین افراد علائقی بوجود میآورد که از حد منفعت مادی فراتر میرود. هر فرد موجودیت خود را در موجودیت و بقای خانواده وسپس قبیله

بقیه درصفحه ۹

بقیه از صفحه ۱

مقوله‌های اساسی مکتب

علم در فرهنگ قرآن عبارت است از معرفت هائی که منطبق با واقعیت های مستقل از ذهن می باشد و ظن معرفتی است که ساخته ذهنی بوده وانطباق و هماهنگی با واقعیت مستقل از ذهن ندارد

دوم ـ علم وفلسفه

علم در فرهنگ قرآن، شامل آندسته معلومات و معرفتهاست که بیان‌گر واقع امورند، یعنی با واقعیت‌ها هماهنگ هستند. اطلاع صحیح از امر واقع علم است. این اطلاع‌معمولا" از راه حواس و بکمک تعقل و تفکر و مستقیم یا غیرمستقیم، از راه تجربه و مشاهده شخصی یا به استناد تجربیات دیگران، بکمک فکر و حواس بشر و یا از راه وحی بدست میآید.

ملاک علم، تطابق و هماهنگی آن با واقعیتهای مستقل از ذهن میباشد. علم در قرآن همه نوع‌آگاهی صحیح و حقیقی را در بر می‌گیرد. حتی آگاهی ملائک هم با لغت علم نشانداده شده"... قالوسبحانک‌لا علم لنا الا ما علمتنا" بقره/۳۲: ملائک گفتند منزهی تو. نزد ما علمی جز آنچه ما را آموختی نیست. در آیه زیر علم بمعنای مطلق دانایی صحیح درباره جهان بکار رفته است.

"علم‌الانسان مالم یعلم" علق/۵: به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. وحی نیز معرفتی حقیقی است: "ان هوا لا وحی یوحی. علمه شدیدالقوی" نجم/۵: آن نیست جز کلام‌خدا که وحی می‌شود ونیروی با قدرتی به او آموخت.

البته قرآن تعلیم و تعلم را برای نفس یادگیری و آموزش بطور مطلق بکار می‌برد و در این معنا همه‌نوع یادگیری ـ حق یا باطل ـ صحیح یا سقیم می‌گنجد "انه لکبیرکم‌الذی‌علمکم‌السحر"طه/۷۱: اوبزرگ شماست که به شما سحر آموخت. حتی دادن استعدادهای تازه‌ای به موجود را تعلیم آن می‌نامد. "خلق‌الانسان علمه‌البیان "الرحمن/۴"دانایی خداوند هم با کلمه علم بیان می‌شود"، "فالم یستجیبوا لهم فاعلموا انما انزل بعلم الله" هود/۱۴: پس اگر قبول نکردند بدانید آنچه که نازل شده به علم خداست.

در فرهنگ قرآن عالم کسی است که از شناخت سطحی یا فراتر گذارده است و بدرک روابط درونی اشیاء و پدیده‌ها نائل گشته است.

پس در معنای صحیح آن چنانکه در ابتدا اشاره شد، علم در قرآن تنها معلومات صحیح و حقیقی را شامل می‌شود و لذا در برابر شناخت غیرحقیقی قـرار می‌گیرد.

ادامه دارد

(۱) امرواقع دربرابر رئال آمده‌است.

حواس مسلح درک نمی‌شـوند. مثـلا" موجودات ذره‌بینی را فقط با چشم مسلح میتوان دید. بعضی صداها را پس از آنکه بکمک دستگاههائی تقویت شدند، میتوان شنید.

معلومات بشر یا معرفتهای وی همه اکتسابی هستند یعنی بشر از قبل و پیش از تماس با جهان چیزی نمی‌داند. در اینجا آگاهی را ازمقوله معرفتهای بشری می‌گیریم والا می‌شود از نوعی آگاهی غریزی هم صحبت کرد البته اگر بشود به آن نام آگاهی داد. آگاهیهای انسان همه بعد از برقراری رابطه و تماس با دنیای خارج توسط حواس بدست می‌آیند. این تصور و اندیشه که انسان در فطرت خود معلوماتی درباره جهان دارد و با آنها بدنیا می‌آید و بعدا" با مشاهده پدیده‌هاو برخورد با جهان آن معلومات یادآوری و در خاطره زنده می‌شوند، خطاست. قرآن هم، چنین اندیشه‌ای را رد می‌کند (والله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئا")نحل/۷۸: خدا شما را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد در حالیکه چیزی نمی‌دانستید.

اولین دسته معرفتها، معلومات سطحی میباشند. رابطه ادراکات حسی‌یعنی اموری که از راه حواس و یا فعالیت حواس بدست آوردیم و واقعیت‌یاشئی‌محسوس، مسئله‌ای است که در بحث از مقوله شناخت باید روشن شود. آنچه مسلم است هر چیزی که حس می‌کنیم یا از راه حواس درک می‌کنیم، عینا" همان نیست که در خارج وجود دارد بلکه "نمود" امر واقع یا "بود" است. نمود چیزی است که امر واقع(۱)خود را به آن صورت بما نشان می‌دهد. دیگر اینکه در یک برخورد ممکن است یک یا چند نمود از امرواقع درک شود و با تکرار تجربه و مشاهده و تغییر موقعیت مثلا" دوری یا نزدیکی، و دقت بیشتر و استفاده از ابزار دقیق‌تر، نمودهای بیشتری درک شوند.

نمودهای حسی از راه مشاهده عینی و تجربه و عمل خلاق ذهن درک می‌شوند. معلومات بشر درباره این امور با گذشت زمان بسرعت زیاد شده است. از اشیاء و پدیده‌ها بتدریج می‌شود شکل و اندازه و رنگ‌و طعم و سختی و نرمی آنها را آزمایش کرد و سپس به جزئیات با دقت بیشتری پرداخت. درهر تجربه تازه یکی از خواص یا نمود ها آشکار می‌گردد. از آنجا که مشاهده و ادراک حسی مشروط به شرایط و موقعیت فرد در محیط است لذا تنها با تکرار تجربه و تبادل اطلاعات و دریافتها، ادراکات حسی کامل‌تر می‌شوند و خطاها و ضعف‌های آن‌ها تصحیح و تکمیل می‌گردند. اما معرفت انسان در حد معلومات سطحی باقی نمی‌ماند و بشر در مرحله درک محسوسات متوقف نمی‌ایستد. انسان موجودیست متفکر، بعلاوه در برخورد با یک شئی، پدیده و یا یک حادثه همیشه قادر به نشاندادن عکس‌العمل غریزی نمی‌باشد. بلکه با سستی زنجیر غریزی و برخورداری از آزادی نسبی، وقتی با امری مواجه شد برای نشان دادن عکس‌العمل، غرایز کمک زیادی به او نمیکنند. ناچار از آگاهی و شناخت و اراده خود در انتخاب نوع عکس‌العمل کمک می‌گیرد. از آنجا که عکس‌العمل انسان در برابر امور یکسره از فعل و انفعالات خودکار و ناآگاه غریزی سرچشمه نمی‌گیرد، الزاما" شناخت و آگاهی انسان در کیفیت آن دخالت می‌کند.

چون‌انسان به عنوان یک موجود زنده نمی‌تواند نسبت به محیط و اشیاء و امور آن بی‌تفاوت بماند، برای نشاندادن عکس ـ العمل و برقراری رابطه به‌آگاهی درباره آن امور نیاز دارد. اینجاست که شناخت سطحی او را کفایت نمی‌کند. لذا آگاهی بیشتری لازم دارد که غالبا" بطور مستقیم از راه حواس بدست نمی‌آیند بلکه ذهن خلاق و متفکرانسان با برقراری رابطه بین داده‌های حسی شروع به تفسیر و تعبیر آن داده‌ها می‌نماید. روابطی‌که بدین ترتیب ذهن برقرار و طرحی که تنظیم می‌کند خود از امور محسوس نیستند ولی بر پایه محسوسات تشکیل شده‌اند.

این دسته معلومات و معرفتها را که اساسا" بر پایه محسوسات ولی به کمک تفکر و کار خلاق ذهن تشکیل می‌شوند، می‌شود معرفتهای عقلی خواند، اما نه به این معنا که کاملا" مستقل از امور محسوس و امر واقع بوجود آمده باشند. ولی کاملا" ممکن است که تفسیر و تعبیری که ذهن از امر محسوس می‌کند و یا رابطه‌ای که بین پدیده‌ها برقرار می‌سازد، با واقعیت‌تطابق نداشته باشد. معلومات وهمی یا خرافی جزء ایندسته از معرفتها هستند. پس معرفت همه نوع آگاهی حسی، عقلی، حقیقی وغیرحقیقی را در بر می‌گیرد. همه دانایی‌ها است صرفنظر از کیفیت، ماهیت و درجه اعتبار و طریقه کسب آن.

قرآن‌کلمه‌علم‌را برای‌آندسته‌معرفتها بکار می‌برد که آگاهی درستی از امر واقع بما می دهندلذا نمی‌توان آنرا مرادف هر نوع معرفت گرفت. درحالیکه علم در قرآن فقط معلومات حقیقی را در بر می‌گیرد. معرفت شامل همه معلومات علمی، فلسفی، وهمی، تجربی و عقایدی می‌باشد.

از آنجا که عکس العمل انسان در برابر امور یکسره از فعل وانفعالات خودکار و ناآگاه غریزی سرچشمه نمیگیرد، الزاما شناخت وآگاهی انسان درکیفیت آن دخالت می کند.

وظائف اساسی دانش‌آموزان مبارز در تعطیلات تابستان

در شرائط موجود همه برادران و خواهران مبارز رسالت اساسی خود که عبارتست از شرکت در مبارزات ضد امپریالیستی است را بخوبی درک کرده‌اند. معهذا لازم است دیددرستی نسبت به امپریالیزم داشته و شیوه مبارزه‌باآنرا بخوبی بدانیم.

همهٔ ما واژهٔ امپریالیزم را بارها شنیده‌ایم. بسیاری از سخنرانان طی بیانات خود اظهار داشته‌اند که بزرگترین دشمن ماامپریالیزم است. منا سفانه تا

*** نباید اجازه دهیم بی‌لیاقتی اوضاع ما را دچار سردرگمی و خدای ناکرده یأس و بی‌تفاوتی کند.**

بحال معنی و مفهوم امپریالیزم برای‌همه خواهران و برادران دانش آموز بخوبی روشن نشده است. برای درک مفهوم امپریالیسم ملاحظه رابطه ما باامپریالیسم ضروری است. در دوران پادشاهان‌قاجار، کشورهای بزرگ اروپائی از جمله انگلستان و بلژیک با ارسال سفرای مختلف و متعدد بدربار پادشاه تلاش نمودند که با دولت ایران رابطه برقرار نمایند. این دول ابتدا تجارت خودرا با ایران گسترش داده و سپس کالاهای گوناگون خود را به بازارهای ایران گسیل داشتند. باتوسعه این روابط یکجانبه آنان بتدریج در امور فرهنگی و اجتماعی نیز دخالت کرده و دربار را مرعوب سلطه خود ساختند.

در دوران بعد از مشروطه رجال مختلف قاجار به بهانه تجدد خواهی و بهبود اوضاع خود روبه سوی بیگانه رفته و همه امور کشور اعم از بانکداری، امور بندری، امور فرهنگی و اجتماعی را بسبک غرب تغییر داده و برای ادارهٔ آن از مستشاران خارجی کمک گرفتند. مستشاران خارجی نیز بتدریج کنترل سازمانهارا در دست گرفته و برنامه های سازمانهای نظامی، اقتصادی و اجتماعی را طوری پیش بینی کردند که بدون کمک خارجیان امکان ادامه آن نبود. سفر پادشان قاجار به اروپا نه تنها به تزلزل روحیه آنان انجامید، بلکه وحشت از قدرت و نیروی فزایندهٔ غرب در جان و دل آنان خانه نمود. از سوی دیگر ضعف دولت‌مرکزی باعث شد که بیگانگان حتی با هجوم نظامی به شمال و جنوب کشور، سلطه خودرا گسترش داده و عملاً" در امور داخلی کشور دخالت نمودند. کار این دخالتها بجائی رسید که انتخاب نخست وزیر بدون اجازه واشاره خارجیان انجام نمیگرفت.

دراین عصر که دولتهای غربی‌د رحال قدرتمندشدن بودند، دولت‌مرکزی ایران بعلت‌فساد، ظلم، ندانمکاری وجهالت درباریان هر روز به ضعف میرفت وهمین ضعف معادل گسترش نفوذ غربیان بود.

دراین‌عصر هنوز منافع دربار و استعمار کاملاً" یکی نشده بود و درباریان تنها برای حفظ قدرت و شوکت خود تن به امضاء قراردادهای ننگین میدادند ولی عملاً" هیچگونه پیوستگی ویژه‌ای با آنان نداشته و حتی گاهی درمقابل نفوذ آنان می‌ایستادند. هر گاه مردم مسلمان علیه ادامه نفوذ خارجیان قیام میکردند از حمایت بعضی از رجال نسبتاً" خوشنامتر دربار نیز بی بهره نبودند. دراین عصر استبداد سلطنتی و استعمار دو جریان متفاوت بود که هر دو در جهت غارت مردم کام بر میداشت.

بعد از کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضا خان، استبداد سلطنتی به عنوان یک جریان مستقل، موجودیت‌خود را از دست داد واز آن پس بصورت زائده‌ای بر پیکر استعمار و یا به عبارت بهتر چوب بستی بر بنای نظام وابسته به استعمار وامپریالیسم درآمد. پس‌از آن نظام شاهی به حیات استعمار پیوند خورد، بطوریکه لزوماً" مبارزه با آن، جدا از مبارزه بانفوذ و سلطه استعمار نبود.

بعد از کودتای ۱۲۹۹ که انگلیسها رسماً" عامل و دست نشانده خود رضا شاه را به قدرت رساندند، دولتها در بست تابع سیاستهای استعمار شدند و شاه عامل اجرای فرامین انگلستان و سپس امریکا گردید. این ویژگی پس از رضا شاه نیز استمرار یافته و بعد از کودتای منحوس ۲۸ مرداد، ۱۳۳۲ دامنه سلطه استعمار انگستان وامریکابرهمه شئون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی میهن ماگسترده شدو استقلال ما را در تمام زمینه ها بر باد داد.

از سالهای ۱۳۴۰ به بعد امریکا با

*** در شرایط موجود متأسفانه گروهی از دانش‌آموزان تنها با تکیه بر احساس پاک خود در میدان مبارزه ظاهر میشوند و بهمین دلیل حرکت آنان بازده فوق‌العاده‌ای ندارد.**

سرعت بی‌سابقه‌ای کلیه نهادهاو تأسیسات اجتماعی ـ اقتصادی کشور را در یک رابطه حیاتی بانظام امپریالیستی و سرمایه ـ داری جهانی قرار داد. ارتش جدید هم بنحوی سازمان داده شد که جز در وابستگی با امریکا و منافع وی قادر به عمل نباشد. هجوم به فرهنگ اصیل اسلامی که از سالها قبل آغاز شده بود شدت بیشتری گرفت. نتیجه آنکه از آن پس، سرمایه داری جهان خوار و توسعه طلب به سرکردگی امریکا بود که تاج و تخت شاه را حفظ میکردو به او امتیاز میداد یا از وی میگرفت. بسط نفوذ امریکا و از بین رفتن شرف ملی، مردم راچنان به تنگ آورد، که علیه نظام بعنوان بزرگترین‌حامی امپریالیزم شوریدند و پایه های اصلی آنرا لرزاندند.

پس ازپیروزی قیام ۲۲ بهمن دولتمردان فعلی ودست‌اندرکاران امور جاری، از آغاز وجود عنصر استعمار وامپریالیسم را در میهن ما باور نداشته، بر همین اساس معتقدانند، که مبارزه ملت فقط باید متوجه استبداد باشد و ریشه همه مفاسد ومظالم در حکومت استبدادی است. بر طبق این بینش اکنون که استبداد محمد رضا شاه از بین رفته است، دشمنی باقی نمانده و لذا برای خود وظیفه‌ای جز انجام کارهائی در سوی بازسازی جامعه نمی شناسند. آنها، غافل از آنند، که استعماروامپریالیسم نه بصورت یک شخص و یک حکومت، بلکه در حقیقت بصورت‌یک نظام واقعیت خودرا اثبات کرده است. نظامی که سرنوشت اقتصادی میهن ما را باسرنوشت خود گره زده وآنرا درخدمت خویش درآورده است.

اینکه‌میگوئیم نظام‌اجتماعی ـ اقتصادی کشور وابسته به بیگانه است نه بدان معنی است که اداره کنندگان آن خارج یا وابسته به خارجیند بلکه بدان معنی است که حوزهٔ عمل و نحوه کار آنان وابسته به خارجیان است و حرکت آنها در سوی تقویت و بسط نفوذ بیگانه است. خارجیان بوسیله شرکتهای‌بازرگانی، مقاطعه کار، مؤسسات تولیدی، قراردادهای اقتصادی، منابع زیرزمینی را غارت، کارگران را استثمار وایران را بازار فروش کالاهای خود کرده‌اند.

صنعت ما که رسالتی جز وارد کردن وسایل وقطعات ساخته شده و سوار کردن و فروش آن‌به چندین برابر قیمت به مردم نداشت، یک نهاد استعماری است. تجارت و نظام‌پولی و بانکی‌که هدفش خدمت به صنایع وتجارت قدرتهای بزرگ سرمایه داری وتثبیت ارزش دلار و تبدیل ایران به بازار مصرف مواد وکالاها و بازار بیکاره است یک نهاد استعماری‌وامپریالیستی است. و بازار ساخت بیگانه است. یک نهاد استعماری است. و قراردادهای نظامی که هدفشان واردکردن محصولات صنایع نظامی قدرتهای بزرگ سرمایه داری، وابسته کردن ارتش به تصمیمات آنهاست، خود نهاد استعماری دیگری است بخوبی دیدیم که در نظام ارتش سابق بدون ابزار یدکی آن سلاحهای سنگین و گرانقیمت که به مافروختند، آهن پاره هائی بیش‌نیستند وبعضی بدون کمک کارشناسان آنها قابل استفاده نمی باشند. علاوه بر اینها، قوه مقننه و اجرائیه رژیم گذشته وظیفه‌ای جز تصویب واجرای قوانینی نداشتند که برای تسهیل نفوذ و سلطه امپریالیسم مفید بودند آنچه که امروز کشور را تهدید میکند، وضعیت نابسامان اقتصادی است. از بین رفتن کشاورزی ما نتیجه سلطه نظام استعماری‌بود وبالاخره بسیاری آثار شوم دیگر فرهنگی، اجتماعی،سیاسی و نظامی که

*** کار در روستاها و کارخانه‌ها، و شرکت در کارهای بسیجی عمرانی هدفدار در عین خودسازی ما را در امر شناخت عینی‌تر کمک می‌نماید.**

کم و بیش با آنها آشنا هستیم. اگر امروز امریکا را بزرگترین دشمن مردم میدانیم نه بلحاظ آنستکه قصد انتقام داریم، بلکه بدان لحاظ است که میخواهیم دست آنان را کوتاه کنیم.

پس از سقوط رژیم بدست خلق مبارز و مسلمان برهبری امام خمینی، با استفاده از شور انقلابی و آمادگی مردم، ادامه مبارزه برای در هم کوبیدن همه پایگاهها و نهادهای استعمار وامپریالیزم آسان مینمود. زیرا قدرت فائقه خلق بیاخاسته، ضد انقلاب را سرکوب یا مرعوب ساخته و عمده نیروها را جذب و در کنار خویش داشت. درآنصورت جائی برای‌فرصت‌طلبی نیروهای غیر اصیل و ناصادق ویا فعال شدن مجدد ارتجاع و ضد انقلاب که هرروز در حال قدرتمندترشدن است باقی نمیماند و تحت آن شرایط انقلاب فرهنگی و جایگزین کردن ارزشهای اصیل اسلامی وانقلابی بجای ارزشهای کهنه استعماری واستبدادی وارتجاعی امکان پذیر بود. در آن شرائط مردمی که هنوز اسیر تمایلات ضد توحیدی‌و اخلاقیات غیر اسلامی بودند، فرصت می یافتند بسوی ارزشهای والا بازگشت نمایند.

تعلل مسئولین امور که نتیجه محروم بودن از بینش انقلابی مکتبی و قاطعیت درعمل وبی اعتقادی به روشهای انقلابی بود، فرصت گرانبهائی را از کف انقلاب بدربردو عواقب‌شوم متعددی ببار آورد وهر روز مشکلات تازه‌ای بر مشکلات پیشین افزود.

عناصری که بعنوان مقامات مسئول عهده دار طرح واجرای قوانین مترقی بودند علیرغم ضرورت شرایط انقلاب ورهنمودهای رهبر انقلاب و خواست مکرر عناصر و نیروهای انقلابی مسلمان بجای دست زدن به اقداماتی که قطعاً" بسیج کامل و وحدت همه نیروهای مردمی را بدنبال میداشت، تا در تار و پود مقررات و قوانین و نظامات و محدودیتهای مناسبات پیشین، متوقف ماندند وتلاش در اصلاح آنها نموده واز برخورد قاطع با ریشه‌های مشکلات پرهیز نمودند. پیش گرفتن روش اصلاح طلبی وانجام اقدامات روبنائی، نیروهای آزاد شده اجتماعی را در برابر یکدیگر قرار داده وشور انقلابی تدریجاً" فروکش کرد وبسیاری به یأس و دلسردی و بی تفاوتی واحیاناً" بدبینی مبتلا شدند.

به‌تحریک و وسوسه‌خناسان ویا به تشویق کسانی که قضایارا سطحی می نگرند، افکار متوجه هدفها وتضادهای فرعی یاغیراصولی گردید، در نتیجه بسیاری از مردم بجای ادامه مبارزه جدی با دشمنان اصلی که علل دشمنی آنها را برشمردیم برسرمسائل ملی‌و قومی‌ومسلکی یاانگیزه‌های شخصی وگروهی، بجان یکدیگر افتادند.

نیروی متحد ملت که بنام اسلام وتحت رهبری امام بوجود آمده بود در نتیجه طرح شعارهای‌انحرافی ازهم‌گسسته شد. تحریکات امپریالیسم و مزدوران داخلی آن و فرصت طلبی برخی احزاب و افراد، بر شدت این نوع درگیریها افزود و جریان فوق، موجد یک بحران عمیق سیاسی اجتماعی در سراسر کشور شد که امروز شاهد آن هستیم و کاربجائی رسید که خطر ازهم گسیختگی کشور راامری قریب‌الوقوع ساخت. بدیهی است مسئولین امور که از آغاز و هنگامی که فرصت مناسبت بود، برخوردی اصولی و بنیادی با مسائل‌انقلاب و جامعه نکردند، اکنون ناچارند بجای‌حل ریشه‌ای و سیاسی یعنی نصیحت نمودن و داشتن نقش انفعالی و برخورد با مشکلات پس از بروز بحران دشواریها، به آسانترین و در همانحال خطرناکترین راه حلها متوسل شوند.

شما برادران و خواهران دانش آموز که نقش بسیار عمده‌ای در پیروزی انقلاب داشته و باتعطیل مدارس وحرکات شجاعانه

بقیه در صفحه ۸

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به‌شیوه مبارزه...

● تنها به‌اتکاء از بین بردن علتهای اعتیاد است که می‌توان به از بین بردن معلولها امید داشت.

سازمانهای نیمه‌مخفی گسترش فزاینده دارد.

بعنوان نمونه در چین قبل از انقلاب با ویتنام جنوبی و یا تایلند هزاران تن خودفروش رسمی و ده‌ها باند قاچاق مواد مخدر مورد حمایت آمریکا بوده‌اند. بر اساس اطلاعات منتشره سازمان ملل متحد بزرگترین آمار اعتیاد در کشورهای تحت سلطه امریکا بوده است.

هدف کلی امریکا از گسترش اعتیاد بدام انداختن جوانان و از بین بردن نیروی بالنده‌ترین‌آن قشر اجتماعی یعنی جوانان است که می‌تواند پیگیرانه در مبارزه ضدامپریالیستی شرکت نماید. بر اساس این نقشه شوم و خائنانه‌براندازی‌طرح آن اساساً" بنا بر قول علی (ع) از ویژگیهای ستمگران است. با گسترش اعتیاد به همه خانواده‌ها علاوه بر از بین بردن نسل جوان می‌تواند خانواده‌ها را آنچنان سرگرم و ناامید کند که از شدت اندوه از دست رفتن جوانان خود که مانند شمع هر روز آب می‌شوند، مجالی برای شرکت فعال در حرکات اجتماعی را نداشته باشند.

بعد از سقوط رژیم، قاچاقچیان مواد مخدر با بهره‌گیری از عدم سازمانهای کنترل‌کننده مردمی، فعالانه در صحنه اجتماع به توزیع گسترده مواد مخدر پرداختند. بطوریکه افزایش‌آمار اعتیاد در بعضی از نواحی کشور مانند کرمانشاه، همدان ابعادی معادل ۱۵۰ درصد را نشان می‌دهد. افزایش شمار معتادان عوارض اجتماعی خاصی را بدنبال خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به گسترش جنایت و دزدی اشاره کرد. دلیل چنین رابطه‌ای ناشی از این حقیقت است که معتاد برای بدست آوردن مواد مخدر یا باصطلاح دارو دست به هر کاری خواهد زد و از آنجا که بتدریج فاقد شخصیت انسانی می‌شود، از هیچ عمل ضداجتماعی و انسانی سر باز نخواهد زد.

بررسی علل گرفتار شدن در دام اعتیاد، می‌تواند ما را به شیوه‌های مبارزه با آن هدایت نماید. بطور کلی اعتیاد در زمینه اجتماعی مشخصی مجال رشد می‌یابد و عناصر خاصی با ویژگی روانی و عاطفی معینی در این دام گرفتار می‌شوند. زیرا افراد جامعه برای دست یافتن به لذت آنی و گریز از اندوههای عمیقی که راه حل آنها را نمی‌دانند، بدامن مواد مخدر گرفتار می‌شوند. طبیعی است که شخصیتهای دوگانه و متضادی که تحت تاثیر فشارهای گوناگون اجتماعی از جمله تحقیر و عقده‌ها می‌خواهند از خود بگریزند، اولین قربانیان اعتیاد هستند.

ملاحظه و بررسی پرونده معتادان نشان داده است که آنان فاقد شخصیتی متعادل بوده و معمولاً" در زندگی خود دچار کمبودهای گوناگون روانی وعاطفی بوده‌اند. در خانواده‌هایی که نزاع و برخورد و اختلاف فراوان است، در خانواده‌های پرجمعیتی که مجال رسیدن به خواسته‌های عاطفی و روحی افراد فراهم نیست در بین خانواده‌هایی که مبانی اعتقادی فاقد عمق و محتوا است شمار معتادان هم بیشتر است.

کوتاه‌سخن آنکه آمریکائیان همچنان که در جنگ بابومیان‌آمریکا میکروب آبله‌مرغان را برای برانو درآوردن آنان در بین سرخپوستان شیوع می‌دادند، از اعتیاد، قمار و فحشاء (و در راس آنها اعتیاد) هم برای درهم کوبیدن نیروی مقاومت توده‌ها استفاده می‌نمایند. طبیعی است که وسیله توزیع این مادهٔ خانمانسوز قاچاقچیان از خدا بی‌خبری هستند که برای پرکردن جیب خود از هیچ جنایتی روگردان نیستند. بنابراین مبارزه بی‌امان با قاچاقچیان حرفه‌ای و اعدام سریع آنان گام اولیه‌ای

است در مبارزه با اعتیاد.

این درست است که باید بطور ریشه‌ای با عوامل اجتماعی ـ روانی اعتیاد مبارزه کرد، اما این موضوع هرگز بمعنی درهم شکستن ستون فقرات عوامل توزیع مواد مخدر در جامعه نیست. مبارزه با شیطان صفتان قاچاقچی جز از طریق اعدام انقلابی و پیگیر امکان‌پذیر نیست. اما لازم است بموازات از بین بردن این عناصر بطور جدی و پیگیر با عوامل اجتماعی و روانی اعتیاد که‌فقرو نابرابری است طی برنامه‌های اصولی و زیربنائی‌مبارزه کرد طبیعی است‌که این‌برنامه‌ها میتواندبسیاری از معلولها را ازبین برده وجامعه را در سوی باروری هرچه بیشتر بجلو براند. در غیر اینصورت خارهایی که در شورهزار مساعد مجال رشد دارند، با قطع هر بوتهٔ آن مجدداً" ریشه می‌گیرند و سر برمی‌آورند و نیروها را برای از بین بردن هر بوته بهدر می‌دهند و بالنتیجه کوشش ما تنها به عملیات ظاهری تبدیل می‌گردند. با توجه به مطالب ذکر شده، مبارزه‌اصولی و اساسی در زمینه رفع نابرابریهای اجتماعی ـ اقتصادی ضرورت تام دارد. با این وجود برای از بین بردن علل گسترش اعتیاد به طور مقطعی برنامه‌های زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱ ـ گسترش ورزش سالم بخصوص در بین آندسته از جوانانی که از کارمایه‌های ایدئولوژیک لازم برای حل مسائل فردی و اجتماعی خود بی‌بهره‌اند. با ایجاد ورزشگاههای مناسبی که همه جوانان بامر ورزش بپردازند (و نه مشاهده‌گر عملیات ورزشکاران نخبه باشند) میتوان امید داشت که در کنار آن به بالا بردن میزان‌آگاهیهای عمیق (و نه ارائه نصیحتهای تکراری) امیدوار بود.

۲ ـ فراهم کردن امکانات تفریحات سالم و دستجمعی برای جوانان از طریق بازسازی سینماها و تاترها و مراکز هنری و تفریحی در سوی هدفهای انقلابی بمنظور رشد شخصیت جوانان.

طبیعی است که سپردن اداره این‌گونه مراکز به آگاه‌ترین و متقیترین نیروی جوانان می‌تواند ابتکارهای آنان را بکار گرفته و میزان بهره‌دهی این مراکز را افزایش دهد. بازسازی کاخهای سابق جوانان و سپردن اداره‌آن بدست جوانان و گسترش قرائتخانه‌ها و کتابخانه‌ها در این مورد میتواند نقش مهمی داشته باشد.

۳ ـ تکمیل و گسترش مراکز و بیمارستانهای ترک اعتیاد در سراسر کشور و تشویق معتادان عادی به معالجه اساسی و فراهم کردن زمینه روانی معتادان برای رهایی از چنگ اعتیاد بمدد امدادگران اجتماعی تربیت‌شده مرکب از جوانان آگاه و متعهد.

۴ ـ ارائه آموزشهای بسیار گسترده از رادیو و تلویزیون و مطبوعات در نشان دادن خطرات و مشکلات اساسی اعتیاد و شیوهٔ مبارزه با آن.

۵ ـ ارائه آموزش کافی به خانواده‌ها برای جلوگیری ازعمیقتر شدن اعتیاد و جوانانی که بتازگی گرفتار شده‌اند.

۶ ـ کشف آزمایشگاههای تهیه مواد مخدر و کنترل مرزهای هوایی و زمینی برای جلوگیری از وارد کردن مواد مخدر به داخل کشور.

۷ ـ همکاری لازم با کشورهای همسایه برای کشف شبکه‌های منطقه‌ای توزیع و فروش مواد مخدر که با بهره‌گیری از شرایط موجود بسیار فعال شده‌اند.

با خلع ید از سرمایه‌داری وابسته، امپریالیسم آمریکا را بزانو درآوریم

روش شناخت قرآن بر پایه «قرآن»

● در هر مرحله‌ای از تاریخ ما به تناسب و تناوب آن مرحله از پیچیدگیهای خاصی برخوردار است که بدون شناخت و درک این پیچیدگیها که بر اساس قانونمندیهای تاریخ استوارند نمی‌توان در ستیز و پیکار با باطل پیشرفتی بدست آورد

شناخت مکتب و حرکت بر اساس یک شناخت صحیح، همیشه عمده‌ترین وظیفهٔ انسان مسئول و متعهد بوده است و سنگینی این رسالت بر دوش هرکس که تعهدی و مسئولیتی در قبال مکتب احساس می‌کرده قرار داشته است.

امروزنیز وظیفهٔ دشوار درک و فهم عمیق مکتب، سنگینتر از همیشه احساس میشود. تدوین و تبیین ایدئولوژی اصیل و بویای اسلام وظیفه‌ای است بس حساس و ضروری که برای "فی‌سبیل‌الله" الزامی می‌نماید.

در هر مرحله‌ای از تاریخ ما به تناسب و تناوب آن مرحله، امرمبارزه ازپیچیدگیهای خاصی برخوردار است که بدون شناخت و درک این‌پیچیدگیهاکه‌براساس‌قانونمندیهای تاریخ استوارند، نمی‌تواند در ستیز و پیکار با باطل پیشرفتی بدست آورد. برای درک این پیچیدگیها، کشف قوانین تاریخ، بعنوان یک ضرورت حیاتی مطرح میشود. بعبارت روشنتر مبارزه در مسیر واقعی خود جهت و هدایت نمی‌یابد، مگر با شناسایی این قانونمندیهای عام تاریخی.

اما شناخت این قانونمندیها و سنتها بدون در دست داشتن یک تئوری، یک نظام اعتقادی و ارزشی، یک جهان‌بینی و یک ایدئولوژی و مکتب استوار و روشن مبتنی بر واقعیات که قادر به تبیین همگون کل جهان هستی باشد، امکان‌پذیر نیست. در اینجا پی می‌بریم که انسان نمی‌تواند در مبارزه با مظاهر ضدتکامل به قیام برخیزد مگر با مسلح بودن به یک مکتب اعتقادی پویا و جهان شمول.

در حقیقت عملی که بدون در دست داشتن یک‌چنین نظام اعتقادی‌انجام‌گیرد، عملکرد کور و بی‌محتوایی خواهد بود که نهایتا" ثمره و نتیجه‌ای نخواهد داشت. مکتب در حکم راهنما و رهنمودی است برای عمل.

به اعتقاد ما تنها اسلام است که قادر به تبیین هماهنگ و ارگانیک تمامی‌پدیده‌ها و جهان هستی می‌باشد.

پس به این ترتیب شناخت مکتب و تدوین و تبیین آن بعنوان یک ضرورت تاریخی در پیش روی ما جلوه‌گر می‌شود. تا مکتب را نشناسیم و اصول آنرا در عینیتها پیاده نکنیم، قادر نخواهیم‌بود، از کوران سخت و دشوار حوادث تاریخ پیروز و سرافراز بیرون بیائیم.

در راه شناختن مکتب، شناخت "قرآن" بعنوان اساس و چارچوبهٔ دین که‌خداوند در آن به بیان قوانین حرکت تاریخ و سنتهای لایتغیر می‌پردازد و بدینوسیله‌آن تئوری و مکتبی را که در تمامی ابعاد گسترده جهان خلقت توان راهنمای عمل بودن را دارد به انسان ارزانی می‌کند، مهمترین قدم حرکتی ماست. با شناخت قرآن توان آنرا می‌یابیم که در خط سنن و قوانین ونوامیس الهی و نیز در خط مکتب ــ که اساسش همان قرآن است ــ و معیارها و اصول مکتبی حرکت نمائیم. در همین رابطه حضرت محمد (ص) می‌فرماید:

"فاذالبست علیکم‌الفتن کقطع‌اللیل‌المظلم فعلیکم بالقرآن":

"آنگاه که انواع بلا و شدت مانند پاره‌های شب تاریک در هم آمیخت و شمارا فرو پوشید به قرآن بچسبید و به آن پناه برید". (۱)

در این مقولات، با درک این فهم ــ یعنی شناخت قرآن ــ سعی بر این داریم تا "روش شناخت قرآن" را بر پایهٔ قرآن بدست دهیم.

می‌خواهیم بتوانیم روح مفاهیم آیات قرآن را درک نمائیم، که‌این نخستین قدم در راه شناخت عمیق قرآن است.

می‌خواهیم قرآن را از زبان قرآن بیاموزیم. هرچند میدانیم مسائلی مطرح نشده باقی می‌ماند و یا از برخی مسائل سریع عبور می‌شود. رفع نقایص و هرنقیصهٔ دیگری را که در این مباحث به نظر برادران و خواهران می‌رسد، به عهده خود شما عزیزان می‌سپاریم که با پی‌گیری و تحقیق و تحلیل این مباحث ما را یاری دهند.

بطور کلی برای شناخت قرآن باید یک سری مسائل اساسی و محوری را در نظر داشت و با توجه به این امور، آیات و سوره‌ها را مورد بررسی قرار داده و از آنها برداشت و تعبیر نمائیم. شناخت کشش‌ها و گرایشها و بینش‌ها و تلقی‌ها و حصلتهای افراد و اقوام و ملل و قشرها و طبقات اجتماعی در زمان بعثت و رویارویی آنها با منطق قرآن و آگاه شدن از شخصیت پیغمبر اکرم بعنوان واسطهٔ نزول، تحلیل موضع موافقین و مخالفین اولیه و درک جهت قرآن، توجه به شأن نزول آیات و... همه برخی از این مسائلند.

بهر تقدیر سعی‌مان بر اینست که این مسائل و مسائل اساسی دیگر را به شیوهٔ ایجاز و اختصار بشکافیم تا نخستین قدم باشد، برای قدمهای بعدی.

"شناخت محیط طبیعی ــ جغرافیائی اجتماعی ــ سیاسی نزول" (پیش از بعثت)

بطور کلی بعثت انبیاء از جانب خدا دقیقا" در ارتباط با نیازها و ضرورتهای زمان انجام می‌گیرد. حرکت انبیاء، حرکتی است در جهت تحول و انقلاب و دگرگونی در تمامی مناسبات ضدتکاملی آن عصر و دوره. آنان قیام می‌کنند تا غل و زنجیرهای ضدتکاملی را از دست و پای انسانها پاره نمایند.

برانگیخته شدن انبیاء هنگامی است که نه‌تنها ظلم و ستم به اوج خود رسیده است، بلکه ایدئولوژیها و ادیان و مکاتب موجود همگی از حل این تضادها و نابرابریها عاجزند و در این راه از تحرک و پویایی بازمانده‌اند. اکنون نیز در هنگام بعثت پیغمبر اسلام، جهان در میان کشمکشها و تضادهای گونه‌گونی غوطه‌ور است و خلقها در زیر یوغ بندگی و بردگی حاکمان و جباران و امپراطوران، تشنه‌کام در جستجوی چشمهٔ جوشان عدل و برابری و برادری تلاش می‌کنند.

دو قطب نیرومند آنهنگام یعنی ایران و روم، هر کدام از یک سو در داخل مواجه با دشواریهای سیاسی ــ اقتصادی و نیز شورشهای اجتماعی و منازعات‌خونین، در اوج بحران بسر می‌برند. از سوی دیگر در جدال و نزاع قدرت‌طلبانه با یکدیگر مدت مدیدی را مصروف داشتند و نیروی مادی و معنوی مردم کشورهای خود را بیهوده به هدر داده بودند. همچنین با تمایلات ضد انسانی در استعمار و استثمار ملل جهان، هر آن دنیا را بیشتر و بیشتر به انحطاط می‌کشاندند.

در شبه جزیرهٔ عربستان نیز با نگاهی کلی به اوضاع اجتماعی ــ سیاسی ــ اقتصادی ــ فرهنگی آن میتوان دریافت که در موقعیتی حساس و ملتهب قرار گرفته بود.

قرار گرفتن عربستان در منطقه‌ای خشک و سوزان که تنها در برخی نقاط‌آن میتوان به آب دست یافت و در نتیجه غالبا" فقط در اینگونه مکانها شهر و آبادی میتواند بوجود آید، نظامی عشیره‌ای و قبیله‌ای را به شبه‌جزیره تحمیل می‌نمود. چرا که ای بسا شهرهایی که فرسنگها فرسنگ با یکدیگر فاصله داشتند و در یکچنین شرایطی نظام قبایلی تنها نظام موجود میتواند بود. ولی شهرها و قبیله‌ها چندان بی ارتباط با یکدیگر نبودند.

اهمیت هر شهر و قبیله‌ای به تناسب موقعیت سیاسی ــ اجتماعی ــ اقتصادی و جغرافیایی آن تعیین می‌شد و دراین میان قریش از موقعیت برتری برخوردار بود و نیز بواسطهٔ سوابق تاریخی پرده‌داری کعبه و قرار داشتن مکه بر سر راه کاروانهای تجارتی از قدرت بسیاری برخوردار بود و نیز تجارت خارجی شبه‌جزیره را نیز انحصارا" در دست خویش داشت. بطور خلاصه قریش مهمترین و بزرگترین قبیلهٔ آنزمان عربستان محسوب می‌شد.

مردم عربستان نیز عمدتا" به چند دسته تقسیم می‌شدند. یکی ملاکین و تجار و برده‌دارها بودند که به تناسب نفوذ و قدرت قبیلهٔ خود از قدرت زیادی برخوردار بودند. گروه دیگر بردگان بودند که بیشتر در خانه‌های ارباب به امور خانگی مشغول بودند و گاه نیز به بیشه‌وری یا زراعت اشتغال می‌ورزیدند. گروه دیگر بدویان‌سادهٔ صحرا گرد و توده‌های محروم شهری بودند. غیر از گروه نخست دیگر اقشار و طبقات در فقر و بیچیزی زندگی میکردند و در بالاترین سطح خود فقط قادر به تامین زندگی خانوادهٔ خود آنهم در حدی کاملا" محدود و با زحمت بسیار بودند. تمرکز نامتعادل ثروت در دست عده‌ای و فقر و محرومیت اکثریت کامل مردم شبه‌جزیره هر روز بیشتر میشد و شکاف طبقاتی اوج بیشتری می‌یافت. طبعا" با وجود یکچنین شرایطی زمینه برای رشد عامل درونی میل به رهایی و تکامل آماده میشد.

نکتهٔ دیگری که باید پیش از این، از آن یاد می‌کردیم فرهنگ موسوم به "فرهنگ دوران جاهلیت" است که در عربستان پیش از بعثت وجود داشت. بت‌پرستی و یهودیت و مسیحیت انحراف یافته،از مسیر توحیدعمده‌ترین ادیان آنهنگام بودند. گروهی دیگر نیز در عربستان آئینی داشتند که نه یهودیت بود و نه‌مسیحیت واصطلاحا" اینانرا "حنفا" می‌گفتند. قرآن از ایشان نیز نام برده است و از آنان در برابر بت‌پرستان یاد کرده. (۲) محمدنیز اینانرا پیروان‌کیش‌باستانی‌ابراهیم‌نام‌می‌برد. (۳) البته بت‌پرستان عربستان برای بتهای خود "خلاقیت" قائل نبودند و آنها را مظاهر پدیده‌های جهان‌میدانستند (توتم‌پرستی).

درمجموع، با این اوصاف، یکچنین شرایطی که به اختصار گفته شد، در عربستان پیش از بعثت وجود دارد و ریشهٔ مقاومت اعراب در برابر نهضت پیامبر ــ با گرویدن به آن ــ در همین شرایط خاص است. اگر کفار و مشرکین ــ که مخالفین پیامبر را در بر می‌گیرند ــ با محمد (ص) مخالفت می‌ورزند، در نتیجهٔ همین شرائط و نیز جهان‌بینی شرک‌آمیز و ضدتکاملی آنهاست. آن طرز تلقی از جهان هستی که بر اساس خصلتهای ضدخدایی و ظلم و نابرابری استوار است‌و سازنده و توجیه‌گر یک نظامی است برای حفظ خود و حفظ موقعیت‌موجود، در برابر نهضت اسلام که نافی تمامی روابط غیرخدایی است، پایداری و مقاومت می‌کند و برخورد حاصل از این مقاومت است که مسائل جدیدی را پیش می‌کشد. بطور کلی شناخت این شرایط و موقعیتها یکی از مهمترین محورهای شناخت قرآن است.

برای‌مثال‌بدنیست‌ازصلح "حدیبیه" (۴) یاد کنیم. عدم شناخت از شرایط موجود در آن هنگام در نظر نخست این توهم را ایجاد می‌کند که پیغمبر در حدیبیه دست به سازش با کفار زده است و حال آنکه در قرآن از آن بعنوان فتح مبین یاد می‌کند: انا فتحنالک فتحا" مبینا. (۵) با شناسایی این شرایط است که میتوان به‌عمق پیروزی در حدیبیه آگاه شد. (۶)

● با شناخت قرآن توان آنرا می‌یابیم که در خط سنن و قوانین و نوامیس الهی و نیز در خط مکتب و معیارها و اصول مکتبی حرکت نمائیم

جند آید و جند برداشت:

ــ و جعلوالله شرکاء الجن و خلقهم و خرقوالله بنین و بنات بغیرعلم سبحانه و تعالی عما یصفون (۷): "و کافران گروهی اهریمنان را شریک خدا شمردند، در صورتیکه آنان آفریدگار خدا هستند وگروهی (عزیز و مسیح را) دختران وپسران خدا پنداشتند. در حالیکه خدا از همهٔ این نسبتها که بر او وصف کنند، برتر و منزه است.

در این آیه چند خصلت حاکم بر مردم آن زمان بیان شده و سپس خداوند این خصلتها را رد مینماید. یکی خصلت‌شرک یعنی برای خدا شریک ــ قائل شدن ــ که خود نهایتا" موجب شرک اجتماعی یعنی توجیه طبقات منجر خواهد شد ــ ودیگر خصلت بت پرستی واقنون پرستی.

ــ و اذا فعلوا فاحشه قالوا وجدنا علیها باثنا.... (۸)

" و هنگامی که آنها کار زشتی کنند گوئید ما پدران خود را چنین یافتیم و خدا ما را به آن امر نمود. بگو ای پیغمبر هرگز خدا امر به اعمال زشت نکند جز آنکه آنچه از جهل و نادانی خود میکنید به خدامی‌بندید.

اینجا نیز قرآن خصوصیتهای دیگری از آن مردم را بیان میکند. یکی واپس‌گرایی و میل به حفظ وضع موجود که بواسطهٔ جهل و نادانی یعنی عدم شناخت و درک قوانین حاکم بر پدیده های جهان هستی بدلیل نداشتن یک جهان بینی مستحکم، بعنوان خصوصیت بعدی.

ــ و ما ارسلنا فی قریه من نبی الا اخذنا اهلها بالباساء والضراء لعلهم یضرعون (۹)

" و نفرستادیم در میان جامعه‌ای پیامبری را جز آنکه مردمش را به سختی و رنج درگرفتیم، شاید تضرع درآیند".

این آیه در واقع بیانگر یک سنت و قانونمندی الهی است و آن شدت یافتن تضادهای درونی جامعه جهت ارسال پیامبران ونتیجتا" جایگزینی نیکی بجای زشتی: ثم بدلنا مکان السیه الحسنه (۱۰) " سپس آن سختی ها را به‌آرامش و خوشی مبدل سازیم".

طبعا" جامعهٔ عرب پیش‌از بعثت‌نیز از این قانونمندی پیروی میکند. بیان این آیه نمایانگر وجود تضادها و کشمکشهای شدید طبقاتی در جامعهٔ عرب ــ وحتی جهان ــ آنزمان، بعنوان خصوصیتی دیگر میباشد.

بهر تقدیر درک و شناخت محیط طبیعی ــ جغرافیایی ــ سیاسی ــ اجتماعی و اقتصادی پیش از بعثت یک قدم اولیه در راه‌شناخت قرآن میباشد، که در اینجا به ایجاز واختصار به بیان شمائی کلی از این موقعیت پرداختیم. علاوه بر آیات‌فوق آیات زیر نیز به شناخت جامعهٔ عرب قبل از بعثت کمک میکنند: انعام: ۱۳۶ ــ ۱۳۸ ــ ۱۳۹ ــ ۱۴۰ ــ ۱۵۱ ــ ۱۵۲ " توبه: ۳۴ ــ ۹۸ ــ ۱۰۱ " " بقره ۲۷۸ " " بنی اسرائیل ۳۱ تا ۳۵ " " جاثیه ۲۴ و نیز نهج البلاغه خطبه های ۴۳ ــ ۲۶ ــ ۸۸ و ۲۳۴.

پاورقی ها

۱ ــ به نقل از مقدمهٔ تفسیرالمیزان ــ صفحه ۱۰.
۲ ــ یونس ۱۰۵ ــ حج ۳۱ ــ روم ۳۰ ــ بینه ۵.
۳ ــ بقره ۱۳۰ ــ آل عمران ۶۷.
۴ ــ در مورد صلح حدیبیه در تاریخهای ابن هشام (ج ۳۰) ــ ابن‌ابن اثیر و طبری (ج ۳۰) سخن رفته است که با مطالعهٔ آن و تحلیل آن میتوان به فلسفهٔ این صلح پی برد.
۵ ــ فتح ــ آیهٔ یک.
۶ ــ سورهٔ فتح در این مورد نازل شدو مکانیزم آنرا بیان مینماید.
۷ ــ انعام ــ ۱۰۰.
۸ ــ اعراف ــ ۲۸.
۱۰ و ۹ ــ اعراف ۹۵ ــ ۹۶. ادامه دارد

وظائف اساسی دانش آموزان...

بقیه ازصفحه ۷

حتی صفوف تظاهرات را در مقابل توپ و تانک هدایت کردید، همانند همهٔ توده از این مشکلات و مداخلات‌روزافزون امریکاو قدرت گرفتن پایگاههای آن بسیار نگرانید. احساسات پاک شماو علاقمندیتان به حفظ شور انقلابی بسیار قابل تحسین است. اما باید توجه داشته باشید که مبارزه باامپریالیزم نیاز به درک کامل و درست از اصول مبارزه و قانومندیهای آن دارد.

برای روشن‌شدن‌موضوع مثالی می‌آوریم. طبیعی است که انسان با دیدن پرواز پرندگان میل به پرواز پیدا کرده. او موجودی با اراده وبالنده است، اما آیا اگر برای تحقق این آرزو به پشت‌بام برویم وبا درست کردن بالی شبیه پرندگان و چسباندن آن به خود بطرف زمین حرکت کنیم گام‌در سوی نابودی خود بر نداشته‌ایم؟

بهمین ترتیب مبارزه دارای اصول و قواعدی است که پیروی از آن‌شرط پیروزی است. برای دانستن این قواعد به مطالعه همراه با عمل پیگیر و دائمی و جدی نیازمندیم. این مطالعات باید سازمان یافته و براساس برنامه باشدوالا غرق شدن در کتابهاو مجلات گوناگون چیزی جز سردر گمی وگیجی را بدنبال نخواهد داشت.

در شرائط موجود باید از مطالعه کتابها و روزنامه های کم عمقی که تنها الفاظ زیبائی را بکار میبرند و فاقد محتوا و جهت دهی هستند احتراز کنیم. همچنین مطالعه کتب‌فلسفی ایده آلیستی که ادعا دارند برای قضاوت هیچ نوع معیار و ملاکی نداریم و بنابراین ما را در امر مبارزه یاری نمیدهند نیز بپرهیزیم. زیرا گرفتار شدن در اینگونه دامها ما را به بی عملی می ــ کشاند. بهمین دلیل مطالعات خودرا باید در سه زمینه متمرکز کنیم.

الف ــ شناخت فلسفهٔ تاریخ ــ بطوری که درک درستی از قانومندیهای حاکم بر تاریخ را جهت قضاوت و پیش بینی در دست‌داشته باشیم. برای این مقصود لازم است ابتدا بامطالعه فشرده وکوتاه تاریخ جهان و تاریخ نهضتهای قرون اخیر ایران، در زمینهٔ فلسفه تاریخ و جامعه شناسی اسلامی دقیقی کسب کنیم. مطالعه پیگیر مقاله های امت تحت عنوان انقلاب در پرتو مکتب میتواند منبع مناسبی باشد.

ب ــ شناخت ماهیت و عملکرد امپریالیزم ــ برای این مقصود علاوه بر درک این ماهیت لازم است تاریخچهٔ مداخلات امریکا در کشورهای جهان سوم را بدقت مورد بررسی قرار دهیم. پی گیری اخبار روزنامه هاوتهیه آرشیوی (آلبومی) از عکسها و خبرهای مربوط به این مداخلات میتواند شما را به شناخت بهتر ودقیقتری هدایت نماید، طبیعی است که پایگاههای امپریالیزم یعنی سرمایه داری وابسته و فئودالیته وبخشهای وابسته ارتش و نظام بوروکراتیک‌خطرات عمده برای موجودیت انقلاب اسلامیمان است. برای شناخت بهتر آنها مطالعه مستمرو پیگیر مقاله های کارگری و دهقانی و بحث وگفتگو در مورد آن میتواند تاءثیرزیادی در آگاهی ما، داشته باشد. درک کامل‌ماهیت لیبرالیزم و ارتجاع با کمک سرمقاله های امت و در شماره های (۳۷ و ۳۸ و ۵۱) مقدور است.

ج ــ شناخت ابعاد ایدئولوژیک مکتب ــ برای مطالعه در این زمینه باید از کتابهای ساده تر نظیر" چرا انسان متعهد و مسئول است" کار را آغاز و ضمن یافتن عین آیات زیر نویس در قرآن، بتدریج آنرا گسترش داد. مرور مجدد و با حوصله کتابهای دکتر شریعتی وملاحظهٔ تفسیر پدر طالقانی ذهن ما را برای خواندن کتابهای سنگینتر آماده خواهد کرد.

اما باید توجه کنیم که از این مطالعات بطور مستمر باید یادداشت برداریم و خلاصه این یادداشتها را در دفتر ویژه‌ای بنویسیم. در شرائط موجود متاءسفانه گروهی از دانش آموزان تنها باتکیه بر احساس پاک خود در میدان مبارزه ظاهر میشوند و بهمین دلیل حرکت آنان بازده فوق العاده ای‌ندارد. تعطیلات تابستان فرصتی است تاکمبودهای خود را از نظر تئوریک جبران نمائیم. این سخن بمعنی دست کشیدن از کار عملی نیست، زیرا مطالعه مطلق وتن ندادن به کار وعمل، ما را دچار ذهنیتها و گرایشات ایده آلیستی میکند. هر عملی که به حل تضادها ختم شده و سوی آن در جهت خدمت بمردم و رشدو آگاهی آنها باشدمثبت و مفید است. کار در روستاها و کارخانه‌ها، و شرکت در کارهای بسیجی عمرانی‌هدفدار در عین خودسازی ما را در امر شناخت عینیتر کمک مینماید.

داشتن یک برنامه خودسازی برای ترک خصلتهای شرک آلود وتوجه جدیتر به عبادات و احتراز از محرمات طبق برنامه نوشته شده و کشیدن سختیها و مشکلات از طریق کوه پیمایی و روزه میتواند عامل مؤثری در شکست شیطان درون باشد. برنامه های یاد شده بدون مدد گرفتن از برادران وخواهران باتجربه تربسختی قابل اجرا است وعملا" به حل سردرگمی ما بطور کامل کمک نمی نماید. طبیعی است که برادران مبارزی که در رابطه با تشکیلات جنبش مسلمانان مبارز در سرتاسر کشور فعالیت میکنند از این حیث دارای مشکلات کمتری هستند. رهنمودهای عناصر با تجربه بن پستهای حرکت آنان را دائما"گشوده و راه آنان‌را روشن میکند.

در تابستان امسال باید بسرعت و با قاطعیت‌بر بلاتکلیفیها تسلط یافته و باتجزیه و تحلیل سریع اوضاع و شرائط و درک مسئولیتی که بدوش دانش آموزان بعنوان نیروی بالندهٔ انقلاب است، فرصت را از دست نداده و ضمن پرهیز از خورده کاریهاو برخوردهای متناوب و بدون برنامه و عمل همه جانبه دست بزنیم.

باید از هر فرصت و زمینه‌ای برای کسب آگاهی وانتقال آن وخدمت به توده های مستضعف استفاده کنیم. حداقل امکان ما برای تجمع، کتابخانه های مساجد و تکایا است. باید دوباره آنها را بکار انداخته و با هوشیاری، برادران هم‌هدفیان‌را جمع و در گروههای کوچک به مطالعه و بحث، و کاروخدمت‌همت‌گماریم. آموزش نظامی و تمرین نجات و کمک رسانی‌و شناخت محله ها درموارد اضطراری نیز دارای اهمیت زیادی است.

نباید اجازه دهیم بی ثباتی اوضاع ما را دچار سردرگمی و خدای‌ناکرده یاءس و بی‌عملی نماید. با امید به‌آیندهٔ بهتر و با تکیه بر هدایت الهی هر کدام از ما باید برنامه مشخص و منظمی برای بالا بردن سطح آگاهی اسلام و انقلابی خود داشته و با پیوند زدن مبارزه دانش آموزی به حرکتهای اصولی و مکتبی به رسالت خود عمل نمائیم. همه جای ایران باید صحنه عمل شما باشد، مطالعه دائمی، فروش کتاب و نشریه در محله‌ها و کار در کنار دهقانان و کارگران و بالا بردن آگاهی آنان و شرکت در عملیات سازنده عمده‌ترین رسالتهای همگی ما است.

مردم و ما

تهران ـ برادر عزیزسید احمد . ب

اگر از ابتدا مسیر تحلیلها ونوشته‌های جنبش را دنبال میکردید جواب بسیاری از سئوالات خودرا هم اکنون‌در دست داشتید. تصدیق میکنی پاسخ دادن به تمام سئوالاتی که بارها بنحوی کلا" جواب داده شده است برای تک تک افراد با مسئولیتهای روزمره‌ای که داریم عملا" غیر ممکن است . بعلاوه اگر پاسخ بعضی از سئوالات بهمین دقت که میخواهید در نوشته هانباشد، استنباط واستخراج آن از خط‌مشی و اصول فکری حاکم برجنبش که ارائه شده باشاست ـ درست است که اینکار دشوارتر از گرفتن پاسخ آماده می‌ـ باشد ولی درعوض سازنده است و هرکس باید بدرجه‌ای برسد که خود استنباط کند والا همیشه باید برای هر مساءله کوچکی به این وآن رجوع نماید.

نوبرادرعزیز هفده سئوال طرح کرده‌ای که غالبا" پاسخ هر یک موضوع حداقل یک مقاله است وخواسته‌ای ما آنانرا صادقانه و خلاصه جواب دهیم، تاکید بر صادقانه پاسخ دادن نمیدانم بچه علت است، آیا عدم صداقت از ما مشاهده کرده‌ای که این بار پاسخ صادقانه می طلبی ریشه این‌تصور در کجاست؟ و اما خلاصه میدانی که پاسخ بسیاری سئوالها برخلاف تصور بعضی بلی یا نه نیست وبلکه توضیح لازم دارد.

پس اجازه بده فقط درباره چند تا که اهمیت عملی بیشتری دارد توضیحاتی‌داده بخواهیما پاسخ بقیه را در مقالات و سرـ مقاله های امت و جروات‌و کتب جنبش مسلمانان مبارز بدست آوری.

۱) وابستگی سازمان ممکن است دگماتیسم بوجود بیاورد و ممکن است نیاورد. این بستگی به اصول و سیاست حاکم بر تشکیلات دارد، اگر تشکیلات کاملا" بر اصول توحیدی استوار باشد هرگز، منجر به جزم گرائی‌نمیشود.

۲) جامعه توحیدی‌مفهومی گسترده و پر محتواتر از جامعه قسط‌اسلامی دارد.

۳) فعالیت فرهنگی در شرایط فعلی بهیچوجه کافی نیست، بلکه باید با فعالیت سیاسی وعملی همراه باشد شرکت در فعالیتهای سازندگی وتجربیات مردم ضروری است لذا کارهایی‌نظیر جهاد در صورتی که با بینش مکتبی انجام گیرد ثمر بخش و سودمند است.

۴) ملاک ومعیار عضوگیری، رسیدن بمرحله‌ای است که فرد خودراباصول فکری و سیاسی جنبش هماهنگ دیده وانگیزه توحیدی و صداقت وتقوی وی در یک‌دوره تجربه و کار عملی و همکاری مسلم شده باشد.

یزد ـ برادر محمود . م

۱) برادران تو در جنبش مسلمانان مبارز هر نوع مسئولیت وخدمتی که در چهارچوب مصلحت انقلاب واصول مکتب باشد پذیرا هستند و درهر جا چنین فرصتی وجود داشته استقبال کرده‌انـــد، متاءسفانه بعضی با روحیه انحصارطلبی از شرکت‌برادران ما در فعالیتها وخدمات عملی ممانعت بعمل میآورند.

۲) امام زمان وهر نیروی تکاملی دیگری در جهان بر طبق بینش‌توحیدی که ما داریم از تلاشهایی‌که خالصانه در راه خدا صورت‌میگیرد حمایت میکنندو این یاری را خدابماوعده داده است.

۳) امام خمینی در مورد سازمانهـــا و دستگاه های اجرائی ارشاد و هشدار رانفی نکرده‌اند . ایشان مخالف درگیری، برخورد خصمانه و تضعیف انقلاب در برابر دشمن می‌باشند

۴) درباره تحلیل طبقاتی در مباحثات ایدئولوژیک اظهار نظر خواهد شد.

برادر علی محمد ـ قائم شهر

آنقدر که ما اطلاع داریم این جملات از امام‌از لحاظ سند قطعیتی ندارد و مورد تردیداند. لکن بفرض صحت باید موقعیت خاص و مورد معینی که قطعا" مورد نظر امام بوددر نظر گرفت. بهرحال هرگز این جمله نمیتواند نظر امام درباره زن باشد زیرا با بقیه تعالیم و نقطه نظرهای ایشان و همچنین تعالیم قرآن بهیچ وجه هماهنگی ندارد. واین بهترین ملاک ارزیابی است که هر چیزرا باید با حقیقت (قرآن) تطبیق دهیم.

برادر حمید قلی ـ شیراز

ازراهنمائیهای شاصمیمانه سپاسگزاریم. ما ناچاریم در محدوده امکانات و توان خود گام برداریم. برادرمان پیمان در هر فرصت از سفر به شهرستانها دریغ نداشته، امیدواریم بازهم در ابعاد گسترده تری ادامه یابد. این بار سنگین مسئولیت را فقط با همت و یاری همه جانبه و دائمی شما برادران دلسوز و موءمن میتوان به مقصد رسانید.

در انتظار همکاری های شماهستیم.

برادر گرامی آقای محمد علی. س

نبرد بین حق و باطل حتی با استقرار جامعه توحیدی پایان نمی یابد ـ زیرا تضاد انسان و شیطان که یک تضاد درونی است تا انسان بر روی کره زمین هست بصورت‌های مختلف ادامه‌خواهد یافت و شعار مبارزه وانقلاب تا استقرار جامعـــه توحیدی، نفی انقلاب و جهاد با نفس نیست. با سپاس از محبت هایت و آرزوی موفقیت در راه حق و به امید همکاری های ثمر بخش تر شما.

برادر گرامی ح. صادقیان

مقاله شان رسید و به شورای نویسندگان امت ارسال شد.

سعی کنید بامطالعه بیشتر، محتوی مقالاتتان را بیش از پیش‌غنی سازید. مسئله حزب گرائی متاءسفانه چون بشکل غلط در جامعه ما مطرح شده ومردم نیز تجربه‌ای در این زمینه ندارند، هر فرصت‌ـ طلبی توانسته چند نفری را گرد خود جمع کند درحالیکه‌فعالیت واقعی مکتبی‌تشکیلاتی که در قالب گروهی وجمعی انجام گیرد عالیترین شکل فعالیت اجتماعی است.

برادر باخواهر گرامی ز ـ ص:

باتشکر از توجهتان به جنبش مسلمانان مبارز به عرضتان میرسانیم که ما نیز بنابر ضرورت وجود وحدت اولین گروهی بودیم که در این زمینه داوطلب شدیم. توجهتان را به مطالعه کتاب وحدت درون خلقی که شرح جلسات وحدت در جنبش است. که در تابستان ۱۳۵۸ درمحل جنبش تشکیل شد جلب میکنیم، اما متاءسفانه در آنزمان گروهها آنچنان سرگرم بودند که از این مهم غافل ماندند. مابیشنهاد جبهه واحد ضد استبداد و ضد استعمار وضد استثمار و در کل مبارزه ضد امپریالیستی مطرح کرده‌بودیم واین وحدت را با پـــدر طالقانی‌نیز در میان گذاشتیم که ایشان تا ئید نمودند و در اجتماع ۳۰ تیر میدان بهارستان بر ضرورت آن تاءکید کردند اما متاءسفانه بازهم از سوی‌گروههای مکتبی عنایتی بآن‌نشد خلاصه آنکه ما نیز وحدت را امری ضروری میدانیم اما ازاین نکته نیز غافل نیستیم که وحدت امری صرفا" ذهنی نیست، ما (دو گونه وحدت داریم یک وحدت در اصول که فکر نمیکنیم تا زمانیکه تمام گروهها اصول مورد قبولشان را صادقانه مطرح نکرده و به یک تحلیل مشترک از اوضاع و خط‌مشی واحد بر مبنای اصول نرسند وحدت بوجود نمیآید ما طرفدار وحدت اصولی در مقطع‌فعلی هستیم که باز آنهم نیاز به برخورد صادقانه مکتبی دارد. درباره وحدت در پاسخ دعوت اطلاعات مطلبی در امت نوشتیم که روزنامه اطلاعات چاپ نکرد حتما"در امت خواندهاید ـ وحدت مقدماتی دارد که اگر فراهم نشود پاینده نخواهد ماند ـ ما به تلاش اصولی خود ادامه‌خواهیم داد.

خشکبیجار ـ ر . ت . ط

۱ـ درست است که همه پیروان واقعی تشیع علوی باید در یک صف متحد شوند واین خواست و آروزی ماست شاید اختلاف در تشخیص اصول ویا وظائف ومسئولیتهای یک مسلمان در حال حاضر و یا تحلیل و تفسیر شرایط کنونی باشد که در اینصورت باید با تبادل نظر و برخورد برادرانه به وحدت بیانجامد.

۲ ـ جامعه توحیدی وبی طبقه توحیدی تفاوتی ندارند در دومی یک تاءکید اضافی روی یکی از خصوصیات اساسی آن بعمل آمده است.

۳ ـ برتری شخص در تقوی موجب برتری در حقوق اجتماعی نمیشود، می فرماید ان اکرمکم عندالله اتقیکم ـ برتری نزد خدا و سرنوشت و آخرت آخت ـ البته در یک جامعه توحیدی افراد باتقوی از احترام بشری برخوردارند ـ لکن این برتری هرگز سبب برتری در کسب امتیازات مادی نمیشود.

۴ ـ سندی که دال بر اجاره یک طبقه به یک خانواده امریکائی کارمند شرکت آمریکائی بل از جانب محافل ارتجاعی سازشکار و سرمایه داران ـ در سطح بسیار وسیعی انتشار یافته است ـ حاوی چیزی علیه برادرمان دکتر پیمان نیست. زیرا اولا" آن طبقه به برادرش تعلق داشته، ثانیا" بعد از کشتار ۱۷ شهریور دکتر پیمان توسط ماءموران ساواک و کمیته بازداشت گردید. و تامدتی در زندان بود و دخالتی در جریان فوق الذکر نداشته است و آیا کسی که در سالهای انقلاب و بعد از پیروزی تا امروز تدریجا" و بطور کلی مطب میکند و چند بار بازداشت و زندانی کشته یا ربوده شده و بقصدمرگ کتک میخورد بر اواتهام هوس پول جمع کردن می جسید آیا تقرب انگیز نیست که این اجاره نامه را دلیل را بطه وهمکاری دکتر پیمان با امپرـ یالیسم امریکا بدانند ـ آیا قصد آنها جز این است که میخواهند اسناد روابط سازشکاران را باامریکا لوث و بی اعتبـــار سازند.

بـــرادر حسن

۱) خوب بود از دوست خود درباره آن کانون توضیح بیشتری میخواستید ـ آیا ایشان عضوکانون‌بودند یا ماوقع را از دیگری شنیده است ـ آیا روی این اظهارـ نظرها که ممکن است روی قصدو غرض خاص باشد میشود قضاوت کرد؟ لابد منظور شما نهضت فرهنگ اسلامی بوده است ـ جریان پیدایش و انحلال کانون داستانی دارد طولانی ولی بدانید که این قضاوت بهیچوجه با واقعیت منطبق نیست ـ دکتر پیمان بدل ل اشتغالات زیاد از شرکت فعال در کارهای کانون خودداری کرد و اصولا" جلسانی باآقایان که نام بردید تشکیل نشد که بعضی کار شورایی پیشنهاد کنند و پیمان مخالفت کند.

۲ ـ در مورد کاندید کردن خانم صفار زاده، ایشان از نظر ما باتوجه به سابقه مبارزاتی شان و با توجه‌باعتقاد و ایمانشان به انقلاب وامام و مکتب شایسته کاندیدا شدن‌بودند در ثانی روحیه آزادی و آزاد اندیشی اسلامی بما این اجازه را میدهد که با جذب افرادی که‌صادقانه در خط اسلام و انقلاب اند اجازه دهیم که بواقص مکتبی شان رانیز جبران کنند، لازم است توجه داشته باشید که‌کسانیکه نیز شما قبولشان دارید از خانم صفار زاده برای کاندیدا توری مجلس حمایت کرده بودند، در ضمن بشمانوصیه‌میکنیم هرگز تنها به ظاهر افراد و باتوجه به ظاهر قضاوت نکنید و از دکتر شریعتی بیاموزید که: میگویندها و گفته‌اند هارا کنار بگذارید ابتدا خود تجربه، و بعد به گفتار این وآن توجه نمائید در رابطه باسازمان مورد بحث شماـ در امت بکرات صحبت کرده‌ایم توجهتان را به مطالعه آن جلب میکنیم، اما درمورد تحریف آیات قرآن بهتر است از خودشان بپرسید مطمئنا" آنها بهتر میتوانند علت تغییرشان و ماخذ آنرا برایتان ذکر کنند.

سنت‌ها در تاریخ

بقیه از صفحه ۶

احساس میکند، شخصیت (اعتبار ومنزلت هرکس به منزلت خانواده و قبیله ارتباط پیدا میکند ـ بدون وجود خانواده یا قبیله ادامه حیات تقریبا" غیر ممکن است ـ غذا، امنیت، این دو نیاز بسیار حاد و اساسی فقط در سایه وجود جمع ممکن و میسر است ـ جدا از خانوادو قبیله ـ شخص در برابر حملات‌و تهاجم متجاوزین از حیوان وانسان ـ بی دفاع است و در میان جمع فاقد اعتبار و منزلت. زندگی دستجمعی، علائق و فرهنگ‌مشترکی را پدید میآورد که‌عامل‌همبستگی و روح جمعی افراد است این روح جمعی‌ویا به تعبیر ابن خلدون" عصبیت " ـ عامل اتحاد و دفاع مشترک بین افراد است. روءســـا و فرمانروایان‌از این عامل وحدت و همبستگی برای حفظ‌و دفاع از موقعیت خویش‌وتوسعهٔ قلمرو فرمانروائی استفاده میکنند ـ و به کمک آن برتضاد منافع بین خود و مردم محروم سرپوش میگذارند. با استفاده از روح جمعی وعصبیت وعلائق مشترک افراد آنانرا در برابر دشمن یا رقبای خود قرار میدهند، کاری‌میکنند که مردم منافع خود را بامنافع ارباب و فرمانروا یکی بدانند و برای موفقیت وی حاضر به فداکاری شوند.

در این نوع جوامع اساس مناسبات و محور اصلی روابط اجتماعی، تمایلات و محرک های بشری (۱) افراد است یعنی زیربنا منافع و مصالح شخصی یا گروهی کسانی است که در راءس کارند و قدرت را بدست دارندـ بقیه امور اجتماعی نظیر قوانین و مقررات،آئین و مذهب، هنر و سیاست در اصل از این زیر بنا متاءثراند و هماهنگ با آن هستند. هر پدیده دیگری نیز که مستقل‌ازمنافع و مصالح طبقه حاکم بوجود آید اگر بخواهد در آن جامعه و مناسبات به موجودیت خود ادامه دهد ناچار باید بازیربنامنطبق وسازگار گردد ـ توجه به این نکته از آنجا اهمیت دارد که بدانیم درجوامع طبقاتی با وجودیکه زیرـ بنای مناسبات وآثار پدیده های اجتماعی منافع و مصالح حکام و طبقات مسلط (صاحبان زر و زور)است یا اینحال اینطور نیست که هیچ پدیده‌ـ فکری یااجتماعی ـ مستقل ظهور نکند و هراندیشه و یا اقدام اجتماعی بی چون و چرا زائیدهٔ آن منافع و مصالح باشد، بلکه نکته د راین است که چون ابزار قدرت و امکانات مادی همه در دست طبقه مسلط میباشد وتاوقتی این شرایط ادامه دارد هر پدیده‌ای مستقل از آن منافع ومصالح یا از بین میرود و سرکوب میشود و یا درخدمت قدرت حاکم درمی‌ـ آید و در غیر اینصورت باید ناظر یک کشمکش وستیز دائمی بین آن پدیده و نظام حاکم بود.

اگر می بینیم فرهنگ‌و مذهب، ادبیات و هنر،قواعد و مقررات ـ قانون و حکومت حقوق و آداب و رسوم در نظام های طبقاتی، شاهنشاهی، سرمایه داری، فئودالی، برده داری وامپریالیستی همه مالا" در خدمت رژیم و نظام‌مسلط می‌ـ باشند نباید چنین پنداشت که همه این نهادها و پدیده ها مخلوق طبقه حاکم و از آغاز برای تاءمین منافع طبقاتی آنان ساخته وپرداخته شده‌اند... بلکـــه بسیاری مستقلا" توسط افراد یاگروهها و نیروهای اجتماعی، دیگر خلق شده‌اند و احیانا" به همین دلیل ابتدا در ستیز و معارضه با نظام حاکم بوده‌اند ـ لکن در صورتیکه موفق‌نمیشدند نظام و قدرت مسلط را تغییر دهند و در صورتی که توان و ظرفیت‌ادامه کشمکش را نداشته‌اند یابکلی نابود شده واز صحنه اندیشه وعمل اجتماعی خارج شده‌اند ویا باتغییر ومسخ پذیری‌عملا" در خدمت وضع موجود و مسلط در آمده‌اند. مذهب زرتشت در نظـــام شاهنشاهی ایران که زیربنای آن منافع‌و مصالح ومالکیت‌های شاهی‌و اشرافی‌خانواده سلطنتی واشراف‌و زمینداران بزرگ است در اصل همان نیست که ابتدا توسط زرتشت عرضه شدـ در قلمرو خدمت ساسانیان این مذهب پدیده‌ای است در خدمت رژیم و توجیه کننده وضع‌موجود و روابط ظالمانه حاکم، عاملی‌است برای ایجاد وحدت بین مردم و رژیمی که‌در تضاد منافع با آن هستند، برای جلب وفاداری و فرمانبرداری و اطاعت از مردمی است که‌اسیر درسرپنجه استثمارو بهره کشی طبقه حاکم شده‌اند. همینطور سایر آثار و خلاقیت های فکری یا هنری، همین وضع در مورد اسلام هم مصداق دارد، اسلامی‌که در قلمرو حکومت خلفا، سلاطین و شاهان در کشورهای مسلمان نشین رواج داشته است همان نیست که ابتدا توسط پیامبر به مردم عرضه‌شد ـ آن مذهب دروقت‌ظهور با نظام موجوددر ستیز بود با منافع طبقهٔ حاکم تعارض داشت و تضادها و نابرابریهای اجتماعی را نفی‌میکرد ـ لکن بعدها تنها بصورت مسخ شده‌ای توانست به عنوان مذهب رسمی وحاکم باقی بماند ـ واتفاقا" آن مذهب‌اولیه‌و خالص که قدرت آشتی با منافع طبقات حاکم را نداشت ناچار شد در جنگ و گریز و در معارضه و کشمکش با نظام و مذهب مسلط وحاکم باقی بمانـــد مذهب موسی و مسیح هم بهمین نحو بعدها مذاهب رسمی حکومت ها ونظامات حاکم شدند. از این رو ایدئولوژی و جهان بینی حاکم دریک نظام استکباری ـ دقیقا" در خدمت منافع حیاتی و مصالح مستکبرین است ویا از منافع‌وانگیزه های آنان سرچشمه و نشاءت میگیرد.

(۱) ـ وقتی میگوئیم بشری مراد آندسته تمایلات‌ونیازهائی اند که منحصرا" مربوط به مصالح حیات جسمانی بوده با دیگر حیوانات وجه مشترکی دارند. صیانت نفس و تکثیر و حفظ نسل‌دو انگیزه اصیل هر موجود زنده است ـ و منظور از نفس آن خود بشری است که بامرگ از بین میرود لذا هدف موجود طولانی تر کردن ویا جاودانه ساختن حیات همین" خـــود " میباشد

پانزده خرداد ...

بقیه از صفحه ۳

رژیم تلاش میکرد با حمله به کتابخانه ها و اتوبوس دختران محصل و کیوسک های تلفن ماهیت حرکت انقلابی مردم را ارتجاعی بنمایاند وقتل عام مردم را موجه جلوه دهد. گارد شاهنشاهی، تانک ها و زره پوشها و وسائل‌نقلیه ارتش مجهز به تیربار ومسلسل خیابانهای تهران و تبریز ومشهد و شیراز و قم را جولانـــگاه خود ساخته وفریادهای مرگ بر شاه مردم را گلوله های امریکائی پاسخ دادند، فریاد های " یامرگ یا خمینی " این بار از مرزهای شهرهای بزرگ گذشته وتا دل بعضی از روستاها نفوذ کرده بود، روستائیان دلیر و مسلمان ورامین در حالیکه کفن پوشیده و آماده شهادت بودند برگبار مسلسلهای گارد شاهنشاهی بسته شده در خاک و خون غلطیدند. مقاومت و شهادت مردم تا روزهای ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ ادامه داشت‌و مزدوران رژیم وساواک وارتش در پی ایجاد محیط رعب و وحشت و خفقان بودند.

مردم مبارزه‌ائی سخت و خونین از سر گذرانده بودند. خون شهیدان پانزده خرداد مرزهای میان خلق و ضد خلق، رژیم و ضد رژیم، انقلاب وضد انقلاب را روشن ساخت، خون شهیدان پانزده خرداد مرز میان مبارزات فصلی و مقطعی و مصلحتی‌و رفرمیستی وصبروانتظاری در چهارچوبهای مشروعیت و رسمیت رژیم و مبارزات خونبار مکتبی ودراز مدت و ضد امپریالیستی و ضدصهیونیستی وضد رژیم را روشن ساخت.

پانزده خرداد مهر باطلی بود که بر رفرم‌و اصلاح و تغییرات روبنائی فارغ از تغییر بنیادی و واژگونی رژیم وابسته به امپریالیسم زده شد.

پانزده خرداد آمادگی شهادت مردم را در صورت ایمان واعتقاد به صلاحیت رهبری‌در تداوم انقلاب نشان داد.

پانزده خرداد سر فصل درخشانی بود از جوشش وحرکت توده‌های‌مردم در غیاب سازماندهی ضروری آن مقطع از تاریخ‌وقیام توده های مردم در پانزده خرداد سیاست پیشکش حرفه‌ائی را که به بر روی کارآمدن دموکراتها در امریکا وتضاد میان ابرقدرتها (امپریالیستها) چشم امید میدوختند از میدان مبارزات خلقی بیرون راند وآنهارابه مخفی شدن در پشت پرده‌های سیاست صبر وانتظار وادار نمود.

پانزدهم خرداد نشان داد که اگر بر معیارها و موازین مکتب حرکتی آغاز شود و فرهنگ انقلابی تشیع علوی بکار گرفته شود توده های مردم چون باروت آماده انفجار مشتعل خواهند شد. پانزدهم خرداد سازشها و مجامله‌ها و جنت مکانی های روحانیت فارغ از درد توده ها را بزیر سئوال کشیده در زندان وتبعید امـــام خمینی مماشات آنان رابارژیم رسواتر ساخت، پانزدهم خرداد بازگشت توده ها به خویشتن خویش بود. جرا که به‌مصلحت‌اندیشیهاوسیاستمداریهای‌رهبران بریده از توده مردم وقعی ننهاده ومردانه واردمیدان شدند اینکار عمل را از رهبرانی که به توده ها اعتماد نداشتند گرفتند و مشی انقلابی راجایگزین سیاست های گام بگـــام آن روز نمودند.

آن روز که شهیدان نیمهٔ خونبار خرداد فریاد مرگ بر شاه کشیدند هرگونه سیاست گام بـــه گـــام و مماشات و ســـازش با باطل رامحکو(م ساختند.

پانزدهم خرداد علیرغم تحلیلها و تفسیرهای روشنفکرانه محافلی از شرق و غرب که باانگ ارتجاع و دشمنی بـــا اصلاحات ارضی‌و آزادی زنان خام اندیشی و دوری‌از منطق تاریخ و توده ها را برای خود به ثبت رساندند نقطهٔ عطفی شد در تاریخ مبارزات خونبار توده ها.

بقیه از صفحه ۵

کارخانه...

در رابطه باطرح بوده و سوء استفاده‌هایی نموده‌اند، انصافا" و وجدانا"و قاطعانه تصفیـــه شـــوند که تا بحال نشـــده انـــد شش مورد فوق چیزهائی بود که به نظر کارگران دلسوز کارخانه رسید حال اگر مهندسین دلسوز، کارگران با ایمان به فکر احیاء این کارخانه باشند مسلما" خیلی کارهای اساسی دیگر میتوانند به مورد اجرا گذارند اما تو دلسوز، تو صادق، تو با ایمان‌و اگه هم پیدا شود کیست که میگذارد کار کنند مگر اینکه بندءبطور صد در صد به مورد اجرا گذاشته شود یعنی دزدان، غارتگران، چپاول گران، مزدوران رژیم سابق، ساواکیها به کنار روند که متاءسفانه شاهد آنیم‌که نه تنها به کنار نرفتند بلکه نزدیکتر و عزیزتر هم شدند. اگر کنار گذاشته شدند که میشود کار کرد و خوب هم میشودواگر نه.. .والسلام.

بقیه از صفحه ۱

کوره‌پزخانه ..

کوره‌های حاتون‌آباد به سه دسته تقسیم می‌شوند: الف) گچی و آهکی، ب) سفالی با ماشینی، ج) آجرفشاری.

الف ـ کوره‌های گچی‌وآهکی: سنگهای گچی و آهکی ابتدا در کوره‌ها ریخته میشوند و پس از پخته شدن، تعدادی کارگران آنها را خرد کرده و بداخل آسیاب میریزند تا پس از پودرشدن بارماشینها شوند.

کارگران این کوره‌ها عموماً" ترک‌هستند. معمولاً" چند روز را کنترانی و چند روز را روزمزد کار می‌کنند. با حدود ۱۰ ساعت کار، کارگران کنترانی بین ۱۵۰ ـ ۱۰۰ تومان مزد و روزمزدها ۶۵ ـ ۶۰ تومان میگیرند. در این کوره‌ها تخصص در کار نیست. در عین حال کار این کوره به نسبت کار کوره‌پزخانه کار سبکی است.

وضع بهداشت کارگران این کوره‌ها بسیار بد میباشد و شاید کارگران این‌کوره‌ها عموماً" نتوانند بیش از ده سال دوام آورند. به جهت اینکه این کارگران را در حمامهای داخل شهر راه نمی‌دهند، خود کارگران حمامهایی درست کرده‌اند.

ب ـ کوره‌های آجر سفالی با ماشینی: این کوره‌ها در حال ازدیاد هستند. شرایط استخدام در این کوره‌ها مثل کارخانه‌هاست برای ۸ ساعت کار ۴۰ تومان مزد و برای ۱۲ ساعت بیگاری (مثل نظافت) نیز ۴۰ تومان مزد قرار دارد. از ساختمان آنها اطلاعی نداریم.

ج ـ کوره‌های آجرفشاری: این کوره‌ها شامل سه بخش هستند: ۱ ـ قمیر، ۲ ـ میدان، ۳ ـ مسکن.

۱ ـ قمیر: قسمت تحتانی کوره قمیر نام دارد و شامل ۱۲ یا ۲۴ قمیر است. در جدارهٔ قمیر درگاههایی وجود دارد که آجر خام توسط چرخکش‌ها به داخل قمیر برده میشود. حفره‌های بالای قمیر محل ریختن سوخت می‌باشند. یک قمیر ۲۴تایی احتیاج به ۴ کوره‌چین، ۴ کوره‌سور، ۱۲چرخکش، ۲ ذغال‌کش، ۲ نفر کمک چرخکش، یک الاغدار و یک آجر درآر، دارد.

۲ ـ میدان: به نسبت وسعت هر قمیر، میدان یامیادینی بالاتر از آن قرار دارد که کارگران در آن خشت‌مالی می‌کنند. هر میدان دارای توده‌ای خاک (سرمه) که توسط بلدوزر رویهم تلی انبار شده و یک شلنگ (جوی آب) میباشد. دو دستگاه (دودسته) کارگر در یک میدان کار می‌کنند. هر دستگاه شامل یک گلساز، یک قالب‌دار، یا دو قالب‌کش و یا خشت‌جمع‌کن که احتمالاً" زن‌است می‌باشد. تولید متعارف یک دستگاه یک قالب‌کش در هفته ۴۰ ـ ۳۰ هزار خشت و دوقالب‌کش ۶۰ ـ ۴۵ هزار خشت است. کارگران قالب‌کش از پسران ۱۶ ـ ۱۰ ساله تشکیل میشوند. این کارگران از عید نوروز تا هفت ماه بعد بکار مشغولند. چرخکشها به قمیر برده میشوند و با توسط انبارزنها برای تولید زمستان ذخیره میشوند. برای کار دائمی یک کورهٔ ۲۴ قمیری (در تمام فصول‌سال) تقریباً" ۳۰ دستگاه احتیاج میباشد و تعداد کارگران مورد احتیاج ۱۴۰ نفر خواهد بود. کوره‌ها برای تامین آب میادین از آب چاههای حفر شده استفاده می‌کنند.

۳ ـ مسکن: در بالای قمیر مسکن کارگرانی که روی قمیر کار می‌کنند وجود دارد و بصورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند. کمک‌چرخکشها غذای آنها را میپزند. کارگران ترک یا مجردند یا زن و بچهٔ خود را در ده گذاشته‌اند. مسکن کارگران خشت‌مال در گوشه‌ای از کوره توسط کارفرما ساخته شده است. هر خانه تنوری برای پختن نان و شیرآبی که به همان چاه وصل است دارد. هر کوره به‌تعداد دستگاههایش از این اتاقها دارد و غالباً" هر دستگاه یک اطاق دارد.

مراحل تولید: تولید آجر در دو مرحله صورت می‌گیرد:

مرحلهٔ اول ـ مرحله‌ایست که کارگران خاک و آب را تبدیل به خشت خام میکنند. به این کارگران خشت‌مال میگویند و اغلب از نواحی تربت حیدریه و تربت جام می‌باشند.

مرحلهٔ دوم ـ مرحله‌ایست که کارگران خشت خام را به داخل کوره (یا قمیر) برده آنرا تبدیل به خشت پخته می‌کنند. این کارگران را کارگران قمیر نام میگذاریم و اغلب از نواحی تبریز هستند.

بخش دوم: اوضاع اقتصادی، اجتماعی کارگران:

۱ ـ وضع عمومی کارگران کوره‌پزخانه: کارگران کوره‌پزخانه کارگران ثابتی نیستند و بین شهر و ده و یا بین تولید روستائی و تولید کوره‌پزخانه در رفت‌وآمد هستند. کارگران کوره‌پزخانه یا از مالکان جزء روستاها و یا از خوش‌نشین‌های روستائی تشکیل میشوند. اغلب این کارگران نسبت به رژیم شاه کینهٔ عمیقی دارند. این کارگران از مبارزات کوره‌پزخانه اطلاعات جالب و شنیدنی دارند.

در کوره‌پزخانه، بیماری، ضعف و سستی بصورت همه‌گیر درآمده است، اغلب داروهای کارگران تقویتی است و این امر ناشی از دو چیز است یکی سوءتغذیه و دیگری کار توانفرسای کارگران، که باعث میشود یک مرد ۳۰ ساله، در اثر شکسته شدن ۶۰ ساله بنظر آید. شکمهای ورم کرده، پاهای استوانه‌ای، بیرون‌زدن استخوانهای سینه و... بخوبی آثار سوء ـ تغذیه کارگران را نشان می‌دهند.

نرخ ارزاق در کوره‌پزخانه سرسام‌آور است و با یک حساب سرانگشتی میتوان فهمید که با این نرخ و آن مزد یک کارگر نمیتواند مقدار پروتئین، کالری و انواع ویتامین‌های لازم را مصرف کند.

آب آشامیدنی کوره‌ها از چاه است که موجب بیماریهای بسیار است و از جمله بیماری رایج اسهال میباشد.

۲ ـ وضع اقتصادی ـ اجتماعی کارگران قمیر: کلیه کارگرانی که در کوره‌های گچی و آجری کار می‌کنند، معمولاً" ماههایی از سال را به کار پرداخته و بقیه را با پولی که پس‌انداز می‌کنند در کنار زن و بچهٔ خود بسر میبرند. کارگران کنترانچی که در قسمتهای مختلف بکار مشغولند نسبت به

کارگران روزمزد از مهارت ناچیزی برخوردارند. خرج هفتگی آنها بطور متوسط ۵۰ تومان است‌و از امتیازات‌یک کارگر کارخانه بکلی محروم میباشند.

کارگران قمیر دارای کاری سخت نسبت به کارگران گچی و آهکی هستند اما وضع بهداشتی بهتری دارند. حرارت داخل قمیر بسیار بیشتر از حرارت خارج آن است و این امر کار چرخکشها و کوره‌چینها را در تابستان فوق‌العاده مشکل می‌کند. وضع بهداشتی زغالکش‌ها وکوره‌سوزها نیز خراب است زیرا بوی مشمئزکننده سوخت همراه با دودکاز سوراخهای قمیر بیرون میزند و نیز نور خیره‌کننده قمیر که کوره‌سوز برای پی بردن به میزان سوخت کوره ملزم به‌نگاه کردن در داخل آن است، سینه و چشمهای آنان را در معرض خطر قرار میدهد. کار آجردرآر نیز بسیار توانفرساست چرا که در گرمای طاقت‌فرسا و در میان گرد و غبار، آجرهای داغ قمیر را به روی نوار می‌گذارد و یا به داخل کامیون می‌ریزد.

۳ ـ وضع کارگران خشت‌مال:

الف ـ روابط مرحلهٔ اول تولید: در یک کوره عناصر ذیل بچشم می‌خورند:

۱ ـ سرمایه‌دار، که...

۲ ـ سرعمله ـ سرعمله فردیست که از جانب سرمایه‌دار بعلت شایستگی و لیاقتی که از دیدگاه ارباب! اخذ کرده است، به این سمت برگزیده میشود. هرچند این عنصر با سایر عناصر این بخش تفاوت دارد اما بعلت تضاد منافع با ارباب و نیز اشتراک منافع، در بعضی از قسمتها که عمده‌ترین آنها بالا رفتن قیمت خشت (آجر) است، با کارگران، آنها را در صف کارگران قرار میدهد. آینده‌ای که برای یک سرعمله قرار دارد، بالطبع با آینده یک گلساز تفاوت دارد، چرا که سرعمله در هر قدم خود هرچند ساده زندگی می‌کند اما به سرمایه‌دار نزدیکتر شده و از کارگران دورتر میگردد.

وظایف سرعمله عبارتند از: رسیدگی به امور کوره از تولید خشت خام تا تولید آجر پخته، استخدام و اخراج کارگر، کم و زیاد کردن مزد کارگران روزمزد، تهیه و حراست از ابزار کوره، پاداش و شمارش خشتهای میادین.

یک سرعمله ممکن است خود در آن کوره یا کوره‌های دیگر دارای دستگاه باشد. به همان اندازه که یک سرعمله دستگاه داشته باشد، در جنبش کارگران خشت‌مال بر سر بالا بردن قیمت آجر مواضع بینابینی متمایل به این یا آنطرف اتخاذ می‌کند. یک سرعمله خوب از دید ارباب کسی است که بتواند دستگاه‌های بیشتری را بخود وابسته کند و در مواردی که کارگران تصمیم به گرفتن امتیازی از ارباب دارند که غالباً" با اعتصاب میسر میشود از اتحاد آنها جلوگیری کند. این عمل باین نوع صورت می‌گیرد که افراد دستگاهها از همشهریها یا قوم‌وخویشهای سرعمله تشکیل شوند و امتیازاتی بآنها داده‌شود. این دستگاهها بعلت منافعی که در این کوره‌ها دارند، حاضر به طفره رفتن از کار سرعمله نمی‌شوند. بهرحال وابسته کردن به دستگاه خود شکاف بزرگی در یکپارچگی بوجود میاورد. در میان کارگران اعتصابی بودند کارگرانی که با نفرت به وابستگاه سرعمله میگفتند: "مگر خون شما از خون ما قرمزتره که ما تلاش بکنیم وشما بدون تلاش بخورید".

۳ ـ سرکارگر ـ گفتیم نهایت درجه شغلی مرحله‌تولید "سرکارگری" است. سرکارگر کسی است که توانسته دستگاه‌های زیادی جورنماید و غالباً" سرکارگران مراحل مختلف تولیدی را طی می‌نمایند (قالب‌کش تالیدار، دستگاه‌داری و سرکارگری). غالباً سرکارگر برای جمع‌کردن کارگر به دهات مختلف سفر می‌کند و به همین دلیل حق استادکاری (معمولاً" ۱۰٪) می‌گیرد. سعی کارگران بیشتر بر آن است که کارگران کنترانی بیشتری جمع کنند. زیرا از این طریق سود بیشتری عاید آنها می‌گردد. سرکارگر میتواند این کارگران را به هر اندازه‌ای استثمار کند اما از آنجا که در سالهای آتی هم به آنها و امثال این نوع کارگران احتیاج دارد و از طرفی سلامتی آنها را در حد کارگران لازم می‌سازد، سعی در راضی نگه‌داشتن کارگران می‌نماید و به همین دلیل کوشش می‌کند به طرق مختلف امتیازاتی از ارباب برای کارگران بگیرد.

۴ ـ دستگاه ـ یک دستگاه از یک تالیدار، قالب‌کش، گلساز و خشت‌جمع‌کن تشکیل شده است. اختلاف بین کارگران یک دستگاه جزئی بوده و خیلی زود جای خود را به صفا و صمیمیت میدهد. در عوض بدلیل منافع مشترکشان در تضاد با دستگاه ـ دار با سرکارگر میباشند (کارگران انتظار دارند که سرکارگر به ازای پولی که به عنوان استادکاری می‌گیرد برای آنها کارهایی انجام دهد). که به طرق مختلف سعی در گرفتن امتیاز از وی می‌نمایند. و از طرفی در تضاد با ارباب قرار می‌گیرند که به صورت‌های مختلف مانند اعتصاب، کم‌کاری ابزار و آلات خشت‌مالی را از آن خود کردن و... در کسب حقوق به یغمابرده خود تلاش نموده و در مقابل بهره‌کشی‌های وی می‌ایستند.

اغلب افراد هر دستگاه از یک ده میباشند. زن یا زنهای این افرادبه‌خشت ـ مالی و خشت‌جمع‌کنی مبادرت می‌ورزند.

وضع اقتصادی، اجتماعی کارگران خشت‌ـ مال:

اغلب کارگران خشت‌مال را کارگران خراسانی تشکیل میدهند که به همراه خانواده خود در امر تولید در کوره شرکت دارند. یک زن و همچنین یک پسربچه ۱۷ ـ ۱۲ ساله خراسانی نقش بسزائی در تولید ایفا می‌کند. و در واقع تولید آجر خام کوره‌پزخانه بستگی به همکاری کلیه افراد خانواده (بجز بچه‌های خیلی کوچک) دارد، بطوری که ناراحتی و مریضی در یکی از این افراد، سایر افراد خانواده را در امر تولید دچار اشکال می‌سازد.

از جمله کارهای زن خراسانی در این کوره‌ها، خشت‌جمع‌کنی، پختن نان، نگهداری بچه، شست و رفت، غذاپختن و... میباشد و غالباً" برای تولید نان خود، اقدام به ساختن تنور (ازبدوورود) مینمایند.

از نظر بهداشتی کارگران خشت‌مال در وضع نامناسبی بسر میبرند. مسمومیت‌های غذائی دائم آنها را تهدید میکند. گذشته از آن اعتیاد بسیاری از کارگران خراسانی به ماده‌ای بنام "تاس" (از آهک وتنباکو) و استعمال آن که برای لحظاتی خستگی این افراد را کاسته و برطرف می‌سازد، بر روی معده این کارگران اثرات خطرناکی‌میگذارد. اعتیاد به این ماده خطرناک بیشتر در افراد جوان ۳۰ ـ ۲۰ ساله، پیرمردان دیده میشود. مقدار زیادی از دستمزد این کارگران خرج خرید دارو و نسخه دکتر میگردد. دستگاههای صوتی و وسایل الکترونیک نیز در کوره‌پزخانه رواج یافته و مقداری از پول کارگران برای دست یافتن به این دستگاه‌ها مصرف میگردد.

بدین ترتیب دسترنج ناچیزاین‌کارگران که در شرایط بسیار سخت حاصل شده است به طرق مختلف باز دوباره توسط سیستم سرمایه‌داری بلعیده میشود و تازمانی که این سیستم و روابط ناشی از آن حاکم بر جامعه باشد استثمار در شکل‌های گوناگون آن صورت خواهد گرفت‌و حاصل دسترنج کارگران و مستضعفین به دهانهای‌چپاولگران سرازیر خواهد شد.

اطلاعیه هواداران جنبش مسلمان مبارز اردبیل

بنام خدا

مردم مسلمان و مبارز اردبیل، شیطان بزرگ آمریکا بدنبال مایوس شدن طرحهای سازشکارانه خود که در نتیجه قاطعیت امام خمینی و هشیاری و از خودگذشتگی توده‌های مستضعف یکی پس از دیگری با شکست مواجه شد، از طرق مختلف برای ادامهٔ حیات جنایت‌آلود خود در منطقه تلاش می‌نماید. و در این راه از محاصرهٔ اقتصادی گرفته تا دخالتهای بی‌دریی و بی‌شرمانه نظامی و ایجاد اغتشاش و آشوب از طریق تشدید تضادهای درون‌خلقی و رو در رو قرار دادن نیروهای مختلف جامعه خودداری نمی‌نماید. تجربه تاریخی نشان میدهد که شیطان بزرگ بیشترین بهره را از تشدید تضاد بین مردم بدست آورده و مهلکترین ضربات را از این طریق بر پیکر انقلاب و دست‌آوردهای آن وارد ساخته و بدین وسیله زمینه را برای ظهور دیکتاتوری و حتی حکومت نظامی در درازمدت به بهانه حفظ امنیت و دفاع از جمهوری اسلامی فراهم می‌سازد. در انقلاب اسلامی ایران هم آنچنان که بارها امام تاکید فرموده‌اند، وحدت کلمه و یکپارچگی توده‌ٔ مردم در برابر دشمن بسیاری از امیدها و آرزوهای او را نقش بر آب کرد. اما عملکرد محافظه‌کارانه و غیرانقلابی مسئولین امور بعد از پیروزی بهمن‌ماه و نقش غیرمسئولانه و نفاق‌افکنانه رسانه‌های گروهی از جمله رادیو و تلویزیون زمینهٔ مساعدی را برای تحریکهای امپریالیستها و رشد بحرانها و آشوبها فراهم ساخت. درگیری اخیر در اردبیل جدا از کل جریان موجود در کشور نمی‌باشد. بنا بر اطلاعات دریافت‌شده این برخورد تعداد زیادی زخمی و مصدوم بجای گذاشت که حال چند نفر از آنها وخیم و در حال شهادت می‌باشند. ما ضمن محکوم کردن هرگونه درگیری و آشوب که مستقیماً" به نفع شیطان بزرگ آمریکاست، به مسئولین امور، دادستان انقلاب، امام جمعه شهر، فرماندار و سپاه پاسداران هشدار میدهیم که اگر از حرکتهای نفاق ـ افکنانه عده‌ای که بقرار اطلاع درصدد حمله‌های مجدد به محل‌های دیگری هستند و خود را جهت اجرای کامل برنامه‌های آشوب‌گرایانه آماده می‌کنند، جلوگیری نشود، در آینده شاهد به تحقق‌پیوستن هر چه بیشتر هدفهای شوم امپریالیسم خواهیم بود. ما ضمن برخورد اصولی با تمام‌گروهها معتقدیم که اختلاف و مشی و نظرها نباید و نمی‌تواند مجوزی برای ایجاد چنین درگیریها و برخوردهای غیراصولی وخصمانه از سوی نیروهای مخالف بوده باشد. چرا که ما بر طبق بینش قرآنی خود معتقدیم که "یا ایهاالذین آمنو کونوا قوامین لله ـ شهدا بالقسط ولا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی..."

آیه ۸ سورهٔ مائده

ای ایمان آورده‌ها در راه خدا و برای خدا پابرجا باشید. شهادت شما به منظور برقراری عدل ورفع ستم‌بدشمنی با گروهی وادارتان نسازد که شما پا از عدالت فرا نهید. و از شهادت درست روی گردان شوید، همیشه راه عدل را انتخاب کنید که به تقوی و بزرگواری نزدیک است. خدا را در نظر بگیرید که به همهٔ اعمال و جزئیات آنچه می‌کنید آگاه است. ما از مردم قهرمان اردبیل استمداد می‌کنیم که با اتکا به نیروی زوال‌ناپذیر خود از وقوع چنین حوادث‌تلخ و ناگوار که جز به ضرر انقلاب و مکتب و رهبری آن نیست، پیشگیری به عمل آورند و از پیش هرگونه اتهام نابجا را که از طرف عناصر شناخته شده به جوانان مسلمان‌و انقلابی و مبارز از گروههای مختلف وارد می‌شود، محکوم می‌کنیم.

۵۹/۳/۸

هواداران جنبش مسلمانان مبارز اردبیل

مصاحبه...

بقیه ازصفحه ۱۱

مصاحبه‌با حجت الاسلام لاهوتی نماینده مردم رشت در مجلس شورا

خبرنگار: نظرتان راجع به مبارزه ضد ـ امپریالیستی چیست؟

لاهوتی: مجلس روش اسلام را باید پیش بگیرد باید دشمن هر دو هم سرمایه داری و هم امپریالیسم باشد.

خبرنگار: در رابطه با بحران کردستان چه نظری دارید؟

لاهوتی: مسئله کردستان را باید مطالعه کردکم و کیفش را بررسی کرد مسئله کردستان آنطور که الان بدون اینکه مجلس آزاد باشد شاید نشود قاطع نظر داد.

خبرنگار: فکر میکند چه عواملی دقیقاً" در این بحران مؤثر بوده‌اند؟

لاهوتی: اشتباه کاری‌هائی که شد ونبود تعالیم عمیق مذهبی.

خبرنگار: فکر میکنید درباره دموکراسی بطورکلی مجلس چه باید بکند؟

لاهوتی: مجلس به غیراز دموکراسی اسلامی به هر راهی که برود انقلاب شکست می ـ خورد.

خبرنگار: نظرتان راجع به محاکمه گروگانها چیست؟

لاهوتی: بعداً "نظر خواهم داد.

بقیه از صفحه۲

مسائل حیاتی انقلاب و...

و به انفعال دچار می‌گردد و یا مورد سوء ـ استفاده جویندگان قدرت و فرصت‌طلبان قرار می‌گیرند.

معتقدیم نباید اجازه داد مردم، نقش تاریخی را که خدا بر عهده‌شان نهاده فراموش کنند و رسالت ادامه راه انبیاء را بر زمین بگذارند. اگر مردم بسلاح مکتب وایمان مجهز گردند، قدرتی شکست ناپذیر بوجود می‌آورند که در برابر هر تجاوز و انحراف و سوءاستفاده می‌ایستد.

هفتم ـ بر روی کار آوردن یک دولت قوی، قاطع وانقلابی مستقل از تاثیرات مراکز قدرت و نیروهای فشار از دیگر انتظارات توده از مجلس است. این دولت باید بتواند اشتباهات گذشته را جبران و به سوی خواسته‌های زحمتکشان گام بردارد. انجام این خواسته‌ها وقتی میسر است که برادران و خواهران مبارز با ایجاد پیوند تنگاتنگ با توده‌ها و اخذ آگاهی مکتبی و انتقال آن به بالنده‌ترین نیروهای اجتماعی به تلاش شبانه‌روزی دست بزنند.

بر شما برادران و خواهران است که اولاً" خود به آگاهیهای مکتبی اصیل مجهز شوید و اجازه ندهید بحران مصنوعی ایدئولوژی، اصالت مکتب ما را خدشه‌دار سازد و آنرا از صورت یک راهنمای الهی برای عمل و مبارزه و تکامل و تقوی و خداگونه شدن خارج سازد. اکنون که بخوبی دریافته‌اید که این خطر هست که یکبار دیگر اسلام از حالت یک مکتب زنده پیشرو رهبری‌کننده و انقلاب‌آفرین بدرآید کار مکتبی اصیل وظیفه حتمی همه مبارزان متعهد است. عمل و خدمت اجتماعی نباید مانع از پرداختن به این وظیفه مهم شود. عمل بدون راهنمائی مکتب بیپی‌شک به انحراف می‌کشد. با رفتن به میان مردم و شرکت و تلاش و جهاد آنان برای غلبه بر ظلم و عقب‌ماندگی و وابستگی و ثانیاً" به منظور افزایش تولید و سازندگی و اعمال حق حاکمیت و استقرار عدل اسلامی و پایه‌های جامعه توحیدی به سهم خود در هدایت مکتبی آنان و در خدمات عملی و سازنده شرکت فعال داشته باشند.

این سنت الهی را فراموش نکنیم که انقلابات بدست مردم انجام می‌شود و توده‌های انقلابی کسانی هستند که ایمان و آگاهی مکتبی دارند و رسالت برادران و خواهران متعهد به عنوان جانشینان انبیاء و نذیران آنستکه در میان مردم و با مردم بوده و دوشادوش آنان در مبارزه برای تعیین سرنوشت شرکت جویند.

اگر مردم نباشند، هیچ انقلابی صورت نمی‌گیرد. در انجام این رسالت الهی هیچ قدرتی در تاریخ نتوانسته است جانشین مردم شود. فراموش نمی‌کنیم که قرآن می‌فرماید: "رسولان خود را همراه با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم را به قیام برای عدالت وادارند" و بدین‌ترتیب بر نقش برجسته توده‌ها تکیه فراوان می‌کند.

والسلام

سخنرانی برادر پیمان در کارخانه ایران سیلندر

● سندیکا با شورا فرق دارد، سندیکا در یک نظام سرمایه‌داری بوجود می‌آید. سرمایه‌دار مالک کارخانه، کارگر هم مزد بگیر. اما در نظام اسلامی شورا لازم است، اگر شورا بوجود بیاید دیگر کارخانه نمی‌تواند سرمایه‌دار داشته باشد

روز سه شنبه ۵۹/۳/۶ به دعوت شورای اسلامی کارگران کارخانه ایران سیلندر، سخنرانی توسط برادر مبارز " دکتر حبیب الله پیمان در محل کارخانه اجرا شد. در این مراسم پس از تشکر نماینده کارگران از اینکه دکتر پیمان دعوت آنها را پذیرفته، برادر پیمان پشت تریبون قرار گرفت و سخنانی در مورد مالکیت، شورا و وظایف مبرم کارگران ایراد. کرد. در زیر قسمتی از سخنان برادرمان راسآوریم:

بسم الله الرحمن الرحیم

خوشحالم که در خدمت برادران کارگر هستم و چند دقیقهای را با شما به گفتگو می نشینم. قبلا" این روز را که مصادف است با میلاد امام علی (ع) پیشوای بزرگ نهضت تشیع سرخ، امامی که نامش همیشه با عدالت، برابری و باکار همراه است، امامی که نامش، نهضتش، قیامش همیشه علیه ظلم، علیه تزویر واستکبار بوده و هست به شما و به همه پویندگان راهش تبریک میگویم.

امیدوار باشیم که به سنت ها و روش او پای بند باشیم، به آرمانها و اهدافی که علی در راهش، خون پاکش رافدا کرد، وفادار بمانیم. به قرآنی که علی برای پیاده کردن واعتلای آن در زندگی مسلمانها جهاد کرد، آشنا باشیم. خداوند ما را یاری کند که قرآن را در علی بشناسیم.

دکتر پیمان در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت:

اگر مامیگوئیم که اسلام برترین دین است، دین عدالت و آزادی وانسانیت است، پس چرا در طول این ۱۴۰۰ سال همیشه فقر و بدبختی و جنایت و کشتار بوده؟ پس معلوم میشود که یا اسلام نمی‌توانسته این عدالت را پیاده کند ـ که این حرف را دشمنانمان می‌زنند ـ و یا اینکه تمام این بدبختیها ازاسلام نبوده ـ که حقیقتا" هم از اسلام نبوده ـ و بقول امام علی ابن ابیطالب یک پوستینی بوده که وارونه شده بود. ظاهرش تمام دگرگون شده و اسلام اصیل پنهان‌شده بود. حالا امروز بعد از ۱۴۰۰ سال ما پرچمدار نهضت خونینی هستیم که بعد از پیامبر اکرم برای مبارزه با اسلام دروغین بوجود آمده است. رسالت علی چه بوده؟ علی که نمی خواست دین بیاورد زیرا دین را پیامبر آورده بود و از هجرت فقط ۵۰، ۶۰ سال گذشته، و کتاب و سنت و حدیث همه در دست مردم بود، هنوز یاران پیامبر زنده‌اند. واقعا" قیام علی برای چیست؟ با کفرو مشرکین‌هم که نمی جنگید، زیرا مشرکین که سردامدار آنها ابوسفیان بود در فتح مکه تسلیم شدند. پس علی با چه کسی‌مبارزه میکند؟ هنوز چند سال از رحلت پیامبر نگذشته، هنوز خون شهدا روی زمین خشک نشده، علی میجنگد و یارانش و خودش شهید میشوند. علی از چه اسلامی دفاع میکند و دربرابرچه کسی قرار گرفته است؟ آنها که میگفتند مسلمان‌هستیم و نماز می‌خواندند. جواب این‌است که علی با آنهائی مبارزه کرد که اسلام را مانند پوستین وارونه جلوه میدادند.

برادر پیمان در قسمت دیگری از سخنان خود، در مورد سندیکاو شورا چنین گفت:

سندیکا با شورا فرق دارد. سندیکا در یک نظام سرمایه داری بوجود میآید. سرمایه دار مالک کارخانه،کارگر هم مزد بگیراست. کارگرها باید یک اتحادیه داشته بشند که از منافعشان دفاع کنند. و یک اتحادیه هم سرمایه دار ها دارند. اما در نظام اسلامی باید دید که بازهم باید سندیکاداشته باشیم یانه؟ اگر نظام سرمایه داری بماند یعنی اینکه نظام سرمایه داری را بپذیریم واینکه،کارخانه مال یک نفر است و بقیه مزدبگیرمیباشند، البته سندیکا لازم است تا ازحقوق کارگر (حق بیمه، حقوق، ساعات کار وغیره) دفاع کند. امااگر قرار شد اسلامی شود، یعنی کارخانه مال بیت المال باشد، چون کارگر و سرمایه دار نداریم که بخواهند در مقابل هم از منافع یکدیگر دفاع کنند در نتیجه سندیکا نمیخواهیم. اینجا شورا لازم است. اگر شورا بوجود بیاید دیگر کارخانه نمیتواند سرمایه دار داشته باشد. ادارهٔ کارخانه کاملا" در دست شوراست. اگر سرمایه دار باشد و شورا هم باشد دیگر ادارهٔ کارخانه دست‌شورا نیست بلکه در دست سرمایه دار است.

● باید مبارزه کنیم تا کارخانه را از دست کارخانه‌دار درآوریم و بدست شوراهای کارگری و بیت‌المال بدهیم. این شعار مقدس‌تر است یا شعار اینکه ده‌شاهی بیشتر یا کمتر، نباید شعار اصلی را گم کنیم

در انتهای سخنرانی، برادر پیمان به وظیفه مبرم کارگران در این مرحله از مبارزات ضدامپریالیستی امت قهرمان ایران اشاره کرد وگفت:

الان مبارزات کارگری بعد از انقلاب، مقداری از مسیرش منحرف شده، چرا؟ شما در انقلاب برای مبارزه با استبدادواستعمار خارجی امپریالیسم امریکاو برای برقراری حکومت اسلامی جنگیدید. آن‌موقع شما علیه شاه شعار میدادید. شعار مسکن و کار را کنار زدیدوگفتید، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی فرق این در شعار چیست؟ آیا مسکن وکار نمی خواستید؟ شما در آن شرایط، آن شعار را نحرافی می‌دانستید وتکرار نمی کردید، برای اینکه می گفتید،تا وقتی که شاه وجود دارد وتا وقتی که استقلال نداریم و امریکا واروپا و ژاپن برما حاکم هستند، ما نمیتوانیم مسکن، آزادیو کار داشته باشیم. تا موقعی که دشمن درخانه ماست واسیر هستیم بی ـ فایده است. اول باید آزاد ومستقل شویم تا بتوانیم اینها را بدست بیاوریم. پس دیدیم آن شعارهائی که آن گروهها، آن موقع میدادند، شما میگفتید انحرافی است و شعار اصلی را یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی‌را انتخاب کردیدشاه رفت، آیا امریکاهم رفت، یعنی استقلال را بدست آوردیم، تاوقتی که وابستگی هایمان به خارجی واستعمار در اقتصاد، صنعت، ارتش و مقررات اداره ها با برجا باشد در این صورت همه چیز ما، فرهنگ، دانش، برنامه ها، همه استعماری است پس هنوز امریکا در تمام زندگی ماز جمله فرهنگ و سیاست واقتصاد نفوذ دارد. آیا انقلاب ما تمام شده که ما بیائیم شعارهای دیگر را بدهیم؟ آیا شما پایگاه امریکا راکه همان سرمایه داری وابسته است از بین برده‌اید؟ آیا پایگاه امریکا، که خوانین ومالکها، فئودالها، سرمایه داران مزدور، صنعت مونتاژ، اقتصاد وابسته، تسلیحات مونتاژ، هواپیماو شرکت نفت و...را از بین برده‌ایم؟ پس انقلاب که هنوز تمام نشده، آن وقت بیائیم شعارهای صنفی و اقتصادی بدهیم، این درست است؟ این یعنی تفرقه در جبهه‌مشترک درمبارزه با امپریالیسم این شعار را که بعد از انقلاب بعضی دادند، انحرافی بوده است. بعضی از آنها امروز به اشتباه خودشان پی برده‌اند همان گروههائی که آمدند توی کارخانه ها که باید برای اضافه کاروغیره بجنگیم و بجان هم بیافتیم، امروز قبول کردند که در وهلهٔ اول باید این انقلاب را در مقابل امریکا حمایت کرد. تا امریکا هست این تفرقه ها درست نیست. ما باید در حال حاضر برای فسخ مالکیت از کارخانه دار بجنگیم، نه اینکه قبولش کنیم و فقط برای ۲ تومان اضافه کار مبارزه کنیم که اگر این کار را بکنیم، باعث میشود که مالکیت در دست سرمایه دار باقی بماند، وامریکا بماند. باید مبارزه کنیم‌تا کارخانه رااز دست کارخانه داروابسته به امریکا درآوریم و بدست شوراهای کارگری و بیت المال بدهیم. این شعار مقدس تر است یا شعار اینکه ده شاهی بیشتر باکمتر؟ نباید شعار اصلی راگم کنیم. امروز وحدت ما باید حول شعار" مبارزه باامریکا" شیطان بزرگ باشد. همانطورکه امام هم میگویند، باید علیه دشمن اصلی باشد، هنوز همه صداها و شعارها وتفنگها باید علیه امریکا باشد.

در پایان این قسمت از سخنرانی، برادر پیمان اضافه کرد:

در مقابل امریکااگر مابنشینیم که امریکا به ما امتیاز بدهد، مسلما" هیچوقت نخواهد داد. ولی اگر ماآمدیم وجنگیدیم و ایستادیم، امریکا و همه ابرقدرت ها در مقبل ملت ماو ملتی که بپاخاسته وایمان دارد ضعیف هستند وملت ما ثابت کرد و امروز شما ثابت کردید که وقتی متحد هستید دشمن شکست میخورد. این راه ماست، این آینده ماست که بر مبنای ایمانمان با آگاهی و هوشیاری‌متحد بمانیم و راه رهبر را ادامه بدهیم، انشاالله پیروز خواهیم بود.

موفق باشید

در پایان سئوالاتی از جانب یکی از مسئولین کارخانه که بیشتر پیرامون شورا و عدم صلاحیت شوراها بود مطرح گردید که برادرمان دکتر پیمان به این سئوالات پاسخ گفتند و برنامه با تکبیرو ابراز خوشحالی برادران کارگر به پایان رسید.

★ ★ ★

ادعای رادیو وتلویزیون تاچه حد حقیقت دارد؟

بقیه از صفحه ۸

ندادهاند، در حالیکه چنین نیست. ما پس از استماع اولین دعوت از طریق رادیو ضمن تماس با مسئولین آن سازمان نظر خود را درباره این مناظره و دعوت اعلام کردهایم اگر پاسخ به مراجع دیجلاح منعکس نشده است‌جستجوی علت با آن سازمان میباشد.

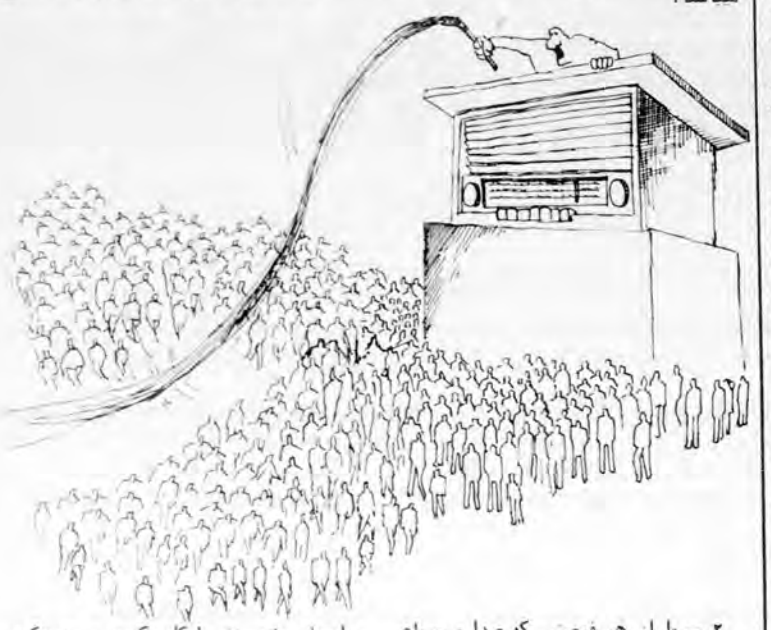

۲ ـ ما از هر فرصتی که صدا و سیمای جمهوری‌اسلامی ایران برای ارائه نقطه ـ نظرهای مکتبی و یا سیاسی در اختیار جنبش بگذارد صمیمانه استقبال میکنیم و در اساس این اقدام را گامی در راه ارتقاء سطح آگاهیهای فکری جامعه میشماریم.

۳ ـ معتقدیم که طرح مسائل ایدئولوژیک در جلسه مناظره بین گروهها‌و در پشت میز گرد بهیچوجه کمکی به هدف یاد شده نمیکند زیرا اولا" بدلیل محدودیت وقت و تعدد شرکت کنندگان فرصت کافی برای توضیح نقطه نظرها داده نخواهد شد.

ثانیا" بر خلاف بعضی مسائل ساده سیاسی درک بحثهای مکتبی از طرف شنونده‌ها احتیاج به تعمق وتامل کافی دارد و این فرصت در بحثهای دستجمعی وگروهی حاصل نمیشود.

ثالثا" مناظره ها عملا" نوعی کشمکش و مسابقه بین افراد وگروهها تلقی شده و محیطی از جو احساسی وتمایلات تضاد عاطفی بوجود میآورد که بهیچوجه مناسب محیط آرام و فارغ از پیشداوریهای ذهنی و احساسی واحیانا" خصمانه که لازمه درک و قضاوت‌صحیح درباره اینگونه مسائل است نمیباشد.

۴ ـ با توجه به اهمیت مسائل سیاسی و موقعیت حساسی که انقلاب مادر آن قرار دارد وتهدیدهای جدی نسبت به انقلاب از جانب قدرتهای امپریالیستی وبا نیروهای باز دارنده داخلی و خطری که هم اکنون رشد و تداوم انقلاب را تهدید میکند و اولویتی که طرح اینگونه مسائل برای بالا بردن آگاهی توده نسبت‌به مسائل حیاتی انقلاب خونبار واسلامی مان دارد و ضرورت روشن کردن بسیاری ابهامات در سیاستهای موجود چه از جانب‌گروهها و سازمانها و چه از جانب مقامات مسئول وارگانهای رهبری جامعه و نیز اهمیتی که شناخت درست امپریالیسم و عملکرد آن ومبارزه اصیل و پر محتوای ضد امپریالیستی دارد طرح مسائل ایدئولوژیک را آنهم بصورت مناظره که نتیجه‌ای جز کشاندن گروهها و سازمانها به کشمکشهای کلامی (و کمتر آشنا برای توده) و تضادهای فکری از جانب شورای سرپرستی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نه بنها درست ندانسته بلکه یک اقدام انحرافی می شناسیم.

۵ ـ این بدان معنا نیست که برای طرح مسائل مکتبی‌اهمیتی قائل نبوده ویا رابطه مسائل سیاسی وسود های مبارزه رآنا مبانی و اصول مکتبی نفی‌وانکارمیکنیم ـ به عکس معتقدیم که این مسائل باید در رابطه با مبانی مکتبی بان طرح شوند لذا به طرح مسائل سیاسی از دیدگاه های مکتبی‌اصالت میدهیم و جدا کردن بحث سیاسی رااز اصول و موازین مکتبی خود یک انحراف خطرناک و بدعت گمراه کننده میدانیم.

۶ ـ اگر شورای سرپرستی هدفش بالا بردن دانش و بینش سیاسی و مکتبی جامعه است به اعتقاد ما بهتر است بجای مناظره ها و بحثهای جنجالی درباره مسائل پیچیده فلسفی که بیشتر مطلوب بازیگران سیاسی است تا افرا دو گروههای پای بند اصول ـ به یکی از دو طریق عمل شود یا ساعات معینی از برنامه رادیو و تلویزیون‌را بنوبت در اختیار گروهها و صاحبنظران بگذارند تانقطه نظرهای خود را درباره مسئله معینی با آرامش و در محیطی خالی از جنجال طرح کنند تا مردم فرصت کافی برای تفکر و قضاوت درباره آنان داشته باشند و باشرکردهائی باشرکت کننده محدود با وقت کافی بمنظور بحث حول‌مسائل فوق تشکیل گردد.

دراین برنامه ها مسائل اساسی نظیر: شناخت امپریالیسم وعملکرد آن در رابطه باانقلاب ایران بایگاههای داخلی امپر ـ یالیسم ـ مبارزه سیاسی و مبارزه مکتبی باامپریالیسم ـ ویژگیهای انقلاب ایران ـ روند انقلاب در طول یکسال گذشته ـ دستآوردهای انقلاب و راه حفظ‌آن ـ رابطه مکتب (ایدئولوژی اسلامی) با انقلاب ـ ارزیابی تحولات اجتماعی سیاسی بعد از انقلاب در پرتو مکتب (اسلام) ـ برنامه ـ ریزی مکتبی سیاسی ـ اقتصادی ـ فرهنگی ـ ارتش توحیدی ـ اقتصاد سیاسی برای ایران برپایه مکتب ـ سیاست خارجی بر پایه مکتب ـ مالکیتهای ارضی و سرمایه داری صنعتی از دیدگاه مکتب رامشود گنجاند.

۷ ـ با توجه به مراتب بالا جنبش مسلمانان مبارز آمادگی کامل خود را جهت ارائه نقطه نظرهای خود در باره مسائل یاد شده در بالا و بنحوی که بیان شد اعلام می دارد.

روابط عمومی جنبش مسلمانان مبارز
۵۹/۱/۲۵

مصاحبه ...

بقیه ازصفحه ۱۲

چون تمرکز قدرت خطرناک است باید این نهادها بشکل سیاسی . مکتبی اداره شود.

مصاحبه با برادر علی‌گلزاده غفوری نماینده مجلس شورا از تهران

خبرنگار: درباره تدوین قانون اساسی چه برنامه‌ای دارید؟

غفوری: همانطوری که من در مقاطع تدوین اصول قانون اساسی گفتم و موقع تصویب، این از ارکانی است که در قانون اساسی باید پیش بینی شود. حتی کسانی که آنروز با این مسئله مخالفت میکردند متوجه این امر شده‌اند. مسئله متمم مسئله‌ای است که چاره‌ای ازش نیست زیرا قانون اساسی چهار چوب بقیه قوانین را روشن میکند مخصوصا" اینکه نسبیت به اسلام دارد مبادا کاری انجام شود که به اسلام ضربه بخورد.

خبرنگار: برنامه شما در مبارزه با امپریالیسم و پایگاههای داخلیش چیست؟

غفوری: مسئله شناخت امپریالیسم و پایگاههایش لازم است زیرا بسیاری از کارها تحت عنوان مبارزه با امپریالیسم انجام میگیرد در صورتیکه‌در جهت امپریا‌ـ لیسم است در این رابطه دو کار باید انجام شود رشد یافتن و رشد دادن.

امپریالیسم چیزهای خارجی نیست بلکه عوامل داخلی هستند که در خدمت مقاصد آنها عمل میکنند بنابراین بدون رشد یافتن و رشد دادن هر اقدام دیگری ظواهر خوبی دارد ولی نتیجه معلوم نیست و موجب اتلاف نیروها خواهد شد.

در این رابطه رشد مردم اگر تامین شود براساس اینکه ریشه اساسی هر اقدامی اعتماد است و کنار گذاشتن غرور و تکبر بطوری که همه مردم در کارهای اساسی هم هدف وهم راه باشند. همانطورکه در اول کار عنایت به حقوق تمام مردم بود فراموش نشود. و مبارزه با امپریالیسم را اولا" اعتماد و ثانیا" واقع بینی اوضاع و احوال میسر میکند.

خبرنگار: نظرتان در مورد محاکمه گروگانها چیست؟

غفوری: باید این مسئله حدود و ثغورش روشنتر شود ویک سلسله مسائل باید در مجلس تبیین شود وسپس پیشنهاد را مطرح میکنم.

خبرنگار: استنباط شما از دموکراسی چیست و بامسئله تمرکز قدرت چگونه برخورد می ـ کنید؟

غفوری: قدرت همانطوریکه در قانون اساسی هست قدرت متعلق بخداست که به صاحبان حقوق واگذار میشود. بنابراین تمرکزی که بی اعتنا به حقوق دیگران باشد و در واقع یک جانبه بخواهد فقط برای خودش حق سلطه قائل شود عملی و صحیح نیست. بنابراین باید در حد معقول و با ارزیابی مداوم وارزشیابی نتایج اقدامات، بطور مستمر پیش رفت.

مصاحبه با حسن حبیبی‌عضو شورای انقلاب و نماینده مجلس شورا از تهران

خبرنگار: شایع شده که شما نخست وزیر خواهید شد نظر شماچیست؟

حبیبی: خوب شایعه است دیگر

خبرنگار: نظر شما درباره بحران کردستان چیست و راه حل این بحران چیست؟

حبیبی: مسئله کردستان در حال حل شدن است.

خبرنگار: آیا فکر میکنید که مسئله کردستان به این سادگیها حل میشود؟

حبیبی: خوب ماهم ساده نگرفتیم.

خبرنگار: استنباط شما از دموکراسی چیست و بامسئله تمرکز قدرت به چه شکلی برخورد میکنید.

حبیبی: شما سئوالات خوبی میکنید ولی الان فرصت نیست.

گفتگو با مهندس بازرگان

خبرنگار: آقای بازرگان میخواستم چند سؤال با شما مطرح کنم.

بازرگان: هان، چه از کجائید؟

خبرنگار: از هفته نامه امت

بازرگان: است چه ؟!.....و رفت.

بقیه درصفحه ۱۰

هشدار به دست اندرکاران تعطیلی خوابگاهها

بنام خدا

اعلامیه دانشجویان هوادار جنبش مسلمانان مبارز در مورد تعطیلی خوابگاه‌های دانشجویی.

هشداربه دست‌اندرکاران تعطیلی خوابگاهها

همچنانکه بارها اعلام کرده‌ایم. ضمن درک ضرورت‌انقلاب فرهنگی ـ آموزشی از مسیرهای اصولی و برنامه های مکتبی هشدار میدهیم که:

پس از حوادث اخیر دانشگاه ها که حاصلی جز برخورد و تشدید تضادهای درونی مردم نداشت، اکنون وزارت علوم به دانشگاه ها دستور تخلیه خوابگاه ها را داده است در شرایطی که تحت فشار گذاشتن دانشجویان نه تنها هیچ مشکلی را حل نمیکند بلکه بدبینی عمیق‌تری را بدنبال خواهد داشت. با توجه بمسائل فوق تاکید روی موارد زیر را ضروری میدانیم.

۱ ـ از آنجاکه هیچ رابطه‌ای بین انقلاب فرهنگی واخراج دانشجویان از خوابگاه ها نمی بینیم لذا استفاده از خوابگاهها را حق مسلم توده های دانشجویی می دانیم و به آن پای خواهیم فشرد.

۲ ـ علیرغم تاکید ما مبنی بر باز بودن خوابگاهها قبلا" هرگونه اعمالی که تضادهای درون خلقی را تشدید کند از جانب‌هر گروهی که صورت گیرد از نظر ما محکوم است.

۳ ـ ضمنا" پیشنهاد میکنیم هر دانشکده حداکثر کوشش خود را در جهت جلوگیری ازتعطیلی خوابگاهها و گرفتن هر بهانه‌ای که منجر به این‌امور گردد بکار گیرند.

دانشجویان هوادار
جنبش مسلمانان مبارز
۵۹/۳/۱۲

مصاحبه مطبوعاتی
باچندتن ازنمایندگان مجلس

برادران وخواهران خبرنگار امت با تنی چند از نمایندگان مجلس شورا گفتگوهائی داشته‌اند که ملاحظه میکنید. بدیهی است آوردن نقطه نظرهای نمایندگان دال بر تائید همه جانبه آنها از طرف جنبش مسلمانان مبارز نمیباشد.

مصاحبه با برادر رضارمضانی جوانترین عضو مجلس و نماینده مردم رشت

خبرنگار: به نظر شما مجلس چه روشی را باید برای مبارزه باامپریالیسم اتخاذ نماید؟

رمضانی: آنچه که مسلم است و شعار اصلی شهیدان‌در طول تاریخ بوده‌مسئله استقلال کشور میباشد که این اولین مشخصه جامعه انسانی است در این مورد قطع وابستگی در تمامی اجزاء اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی خصوصا" در بعد اسارت فکری مهم ترین مسئله است. و ما در حال حاضر مبارزه با سرمایه داری وابسته را بایستی محور کارهایمان قرار بدهیم و این انتظار از مجلس با توجه به ترکیب آن خیلی سنگین است که بتواند تحقق پیدا کند. ودر کنار این مسئله مبارزه با فئودالیسم است که من این را حل شده فرض کرده‌ام و بایدمسئله فئودالیسم حل شود.

خبرنگار: در رابطه بابحران کردستان جهت گیری مجلس چگونه باید باشدوعوامل ایجاد و تشدید این بحران‌چه بوده؟

رمضانی: در مسئله کردستان باید با دقت و با یک اقدام مکتبی حرکت کرد در کردستان فقر بود ودر کنار فقر فرصت ـ طلبی. این دو تاآمیخته است آنهائی که تلقی درستی از انقلاب وخصوصا" از جوهر مکتبی آن نداشتند از فقر مردم استفاده کردند وتوانستند نسبتا" پایگاهی بدست بیاورند. الان چهره نفاق در آنجا آمیخته است یعنی توده ها و محرومان دشمن و دوست خود یا دوست نادان وغیر را تشخیص نمیدهند.

بین چپ روهاونیروی حاکم درگیری قهر آمیز غیر قابل اجتناب است در اینجا مردم مطرح هستند که بامردم چه باید کرد. الان آن حقی که موردتوجه است که باید به مردم داد این به لحاظ شرایط قابل رساندن نیست یعنی مردم الان ناباورند برای اینکه برنامه ریزی منظمی را به آنها ارائه ندادند و تاکتیکها واستراتژی اتخاذ شده مناسب با شرایط‌آنجا نبوده.

من فکر میکنم و معتقدم برای تحکیم نظام بایستی از کشته شدن مردم تا هر اندازه که توان داریم باید جلوگیری بکنیم و این را بایستی در مسئله کردستان دقیقا" مورد توجه قرار داد.

خبرنگار: نظر شما درباره گروگانها چیست و تصمیم مجلس دراین باره چه باید باشد؟

رمضانی: مسئله گروگانها رانباید بطور شکلی برخورد کرد واینکه فکر کند چند تا گروگان را اعدام کردو مسئله را حل شده فرض کرد. بلکه باید بطور خیلی ریشه‌ای با این مسئله برخورد کرد. و محاکمه گروگانها باید افشاء امپریالیسم باشد و برای توده‌های تحت ستم ملت های مختلف مورد توجه قرار بگیرد که امپریالیسم چقدر توطئه گر و حیله گر است و این فراتر از محاکمه چند نفر است ولی آنهائی که خیانت کرده‌اند باید مجازات شوند. و در اینجا مسئله محاکمه گروگانها محاکمه امپریالیسم خواهد بود وغنی کردن تجارب جبهه انقلاب در سطح جهانی است.

خبرنگار: نظر شمادرباره دموکراسی چیست؟

رمضانی: البته مسئله آزادی و تحت عنوان لیبرالیسم و دموکراسی مطرح است که باید از هم باز شو دو باید مرزشان راجدا کرد. چون الان آنچه ما می بینیم آزادی از قبوداتی است که دوران استبدادی برای ما ایجاد کرده بود ولی مسلما" اگر بخواهیم فقط از بندهای استبداد در بیائیم ای بسا که شکل لیبرالیسم غربی رابخود بگیریم و حتی‌تن بدهیم به لیبرالیسم و اینکه مثلا" شاه رفته ودیگر برنمیگردد.

اگر مسئله دموکراسی مطرح شود حاکمیت مردم به تقوا رسیده است که دقیق ترین شکل آن شوراهاست ـ یعنی حاکمیت مردم در شکل مکتبی درتمامی ارگانها باشد و مردم نه بطور کوتاه مدت بلکه در جریان عملکرد به یک شناختی برسند و وقتی به شناخت رسیدند دیگر میدانند و مجلس شورا بعد میشود چکیده‌ای از این شوراها و در مجلس حاکمیت مردم در شکل مکتبی آن تبلور پیدا میکند.

مصاحبه با برادر محمد محمدی نماینده مجلس شورا از شهرستان گرگان.

خبرنگار: نظرتان درباره بحران کردستان و راه حل این بحران چیست؟

محمدی: باید به خواسته بحق مردم کردستان رسیدگی کرد، خودمختاری باید داده شود خودمختاری به معنی همان چیزی که ما اداره‌ٔ استان را با همان محدودیتهایی که تعیین شده بدست آنها بسپاریم البته ما به قومیت اعتبار نمی ـ دهیم.

در کردستان، شیوه هایی را که گروههای درگیر بکار گرفته‌اند صحیح نمیدانم و محکوم میکنم آنها برای گرفتن خودمختاری دست به اسلحه برده‌اند.

خبرنگار: نظرتان درباره محاکمه گروگانها چیست؟

محمدی: مسئله گروگانها یعنی محاکمه این افراد اولا" وسیله‌ای است برای محاکمه امپریالیسم امریکا ثانیا" وسیله‌ای هست برای رشد دادن آگاهیهای ضد امپریالیستی توده ها. بنابراین ما باید به شیوه هایی متوسل شویم که ضمن آگاهی عمیق ضد امپریالیستی برای توده ها ماهیت تجاوز ـ کارانه امریکا را افشاء کند و این مسلم است که در برابر دشمن باید موضع تهاجمی گرفت.

خبرنگار: برنامه شما درباره تدوین‌متمم قانون اساسی چیست؟

محمدی: یکی از مسئولیتهای سنگین مجلس تدوین متمم قانون اساسی است و یکی از وعده هایی است که همه داده‌ایم و باید به آن عمل کنیم. در مورد ضعفهای قانون اساسی و متمم آن قبلا" در سخنرانی هایم مفصل مطرح کرده‌ام والبته در این مورد با برنامه وارد مجلس شده‌ام.

خبرنگار: سپاه میرود که بصورت یک ارگان دولتی درآید در صورتیکه ابتدا بصورت یک ارگان مکتبی، سیاسی پایه ریزی شد نظرتان دراین مورد چیست؟

محمدی: خود آقای بنی‌صدر البته بنی صدر سال ۵۶ این شیوه را تائید نمیکند که

بقیه درصفحه ۱۱

«منظومه پایداری»
(بایاد شهیدان خردادماه)

بر تپه ها بیفروزید
خشم بلند خلق را
بر تپه های مه گرفته تاریخ
یاران
خروش خلق
در شولای مه
بزرگ‌و پرشکوه
چه زیباست
بیفروزید بیفروزید
آتش مقدس خشم خلق را
امروز
شبنم پاک سحرگاهان
در صداقت پر شور صبح
گریان است
امروز
رهروان راستین محمد
بر بلندای استقامت
در خون تپیدند
و شاهدان بزرگ
انقلاب خلق شدند

* * *

شما
در بیگرانگی رزم امت
ستاره بودید
طلایه داران صبح
عصیانگر بر شرک و تقوای دروغین
این رسمتان بود
ای آیه های بلند استقامت
ای منظومهٔ بزرگ پایداری
که
مردانه بمیرید
آری
آنگاه که سرود سرختان
لرزه بر دژخیم افکند
شاعران ترانه گو
ـ در بند می و ساقی ـ
راهبان عافیت جو
ـ ثنا گوی و مصلحت‌خواه ـ
سر بر طاغوت سائیدند
بیچارگان دریوزه
دین را به مهمانی طاغوت
میبردند
و در خلوتگاه شرک آلودشان
"تقیه" و تقوای دروغین
بیداد میکرد
آه
یاران
در مسلخ عشق
بر شما چه گذشت؟

* * *

چگونه بود
که سرود بلند "آزادی"
از درون سلولهای‌پوک و منجمد طاغوت
به بلندای خروش خلق پیوست
ـ و تازیانه های سرد دژخیم
مرهمی شد ـ
تا سالیان دراز
به درازای تاریخ
در تاریخ رزم خلق
بر زبانها جاریست

* * *

بر تپه ها بیفروزید
یاران
آتش خشم خلق را

چرا فرماندار اقلید استعفا کرد؟

فرماندار اقلید طی نامه‌ائی که در اختیار امت قرار گرفت دلائل استعفای خود را بیان داشت در قسمتی از نامه آمده است:

تجربهٔ اینجانب در مدت مسئولیت فرمانداری شهرستان اقلید نشان میدهد که خوانین وکسانیکه منافع آنها بامسیر انقلاب کبیر اسلامی ایران در تضاد میباشدزیر پوشش تائید از انقلاب دائما" سرگرم توطئه گری وشایعه پراکنی بر علیه مسئولین انقلابی و متعهد میباشند.

اسف بارترآنکه چهره هائی در لباس دوست آنان را یاری میدهند و تحت لوای " حفظ امنیت منطقه"با خوانین وعناصر معلوم الحال به‌سوداگری مشغول و به زحمت کشان و محرومان منطقه که پشتوانه های واقعی این انقلاب بوده وهستند پشت کرده‌اند.

بنابراین چون اسلام و خط امام را در جهت حمایت از مستضعفین و مبارزه با مستکبرین میدانم و جو کنونی انحراف از این اصل را داراست بدینوسیله استعفای خودرا از سمت فرمانداری شهرستان اقلید تقدیم میدارم.

بامید پیروزی مستضعفین بر مستکبرین
فرماندار شهرستان اقلید
دکترمحمدمهدی حاجی قاسم
۵۹/۳/۲

حمله به نمایشگاه هواداران جنبش مسلمانان مبارز در شیراز

به مناسبت سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد، هواداران جنبش مسلمانان مبارز در شیراز اقدام به برگزاری نمایشگاهی در سطح شهر می نمایند. این نمایشگاه از همان اول لین ساعات از طرف گروه کثیری از مردم‌مورد استقبال واقع میشود. اما چند ساعت پس از شروع نمایشگاه ـــ در ۵۹/۳/۱۰ ـ گروهی درحدود ۴۰ نفر با برنامه قبلی دریک یورش ناگهانی نمایشگاه را از بین برده و در توجیه حمله خود به گفته های رادیو وتلویزیون استناد میکردند. ما از مسئولین امور می پرسیم چه کسانی مسئول عواقب این جریانات هستند؟ راستی چه کسانی جو اغتشاش و تحریک را دامن میزنند؟ آیا هنوز زمان آن نشده که اینان دست از منافع‌و مصالح فردی و گروهی برداشته به فکر انقلاب و مردم بیفتند؟

اینان باید بدانند مسلمانان مسئول و متعهد هیچگاه دست ازمبارزه خود بر نداشته واز هر فرصتی برای افشای ماهیت کثیف امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن استفاده خواهند کرد.

بقیه از صفحه ۵

راه حل روبنایی و ...

و فشارهای اقتصادی و دیگر مشکلات اقتصادی ـ اجتماعی، نابودی پایگاههای داخلی امپریالیسم در ایران و جدایی سیستم اقتصادی کشور از سرمایه داری جهانی و قطع دست واسطه در امر توزیع کالاهاو سپردن آن به شوراهای کارگری و در نهایت ایجاد تعاونیها تحت کنترل شوراهای کارگری و محلی میباشد.

بخش کارگری هواداران
جنبش مسلمانان مبارز

اُمت
نشریه
جنبش مسلمانان مبارز
سال دوم، شماره ۵۹
زیر نظر: شورای نویسندگان
خیابان بهار شمالی نبش خیابان نامجو
۸۲۲۸۳۱ ـ ۸۲۲۹۸۲

گرامی باد خاطره قیام خونین ۱۵ خرداد